

الكتاب: مناسك حج (فارسي)  
المؤلف: الشيخ لطف الله الصافي  
الجزء:  
الوفاة: معاصر  
المجموعة: فقه الشيعة ( فتاوى المراجع )  
تحقيق:  
الطبعة: الثانية  
سنة الطبع: شوال المكرم ١٤١٦  
المطبعة: سپهر  
الناشر: دار القرآن الكريم  
ردمك:  
ملاحظات:

مناسك حج  
مطابق با فتاواى  
مرجع عاليقدر  
حضرت آيت الله العظمى  
آقاى حاج شيخ لطف الله صافى گلپايگانى  
مد ظله الشريف  
ناشر: دار القرآن الكريم  
ليتوگرافى: اهل بيت، قم  
چاپخانه: سپهر  
تيراژ: ۳۰۰۰  
چاپ دوم - شوال المکرم ۱۴۱۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير  
خلقه و اشرف بريته محمد وآله الطاهرين، لاسيما بقية  
الله في الارضين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى قيام  
يوم الدين.

فضيلت حج  
قال الله تعالى: و لله على الناس حج البيت من استطاع  
اليه سبيلا و من كفر فان الله غنى عن العالمين  
(سوره آل عمران، آيه ٩٧).  
حج بيت الله الحرام، در بين واجبات و فرائض دين

اسلام دارای موقعیت خاص و جایگاه ویژه است. حکمتها و منافع تربیتی، اجتماعی و سیاسی آن بسیار است. حج، مدرسه عالی و دانشگاهی است که در کلاسهایش بخشهای مهمی از معارف قرآن کریم و تعالیم و هدایتهای اسلام، ضمن عمل به ارکان و دستورات آن آموخته میشود.

اسلام حقیقی، که تسلیم محض در برابر احکام و اطاعت خالص از خداوند متعال است در عمل به برنامه های آن ظاهر میگردد. همه مواقف و مشاعر آن سازنده و موجب رشد فکر و پرواز روح به عوالم غیر متناهی و درس و جهاد با نفس و سیر در فضاهاى رحمانی و ملکوتی است.

حج، مشتمل بر عبادات و وظایف مهم دینی است مثل نماز، دعا، انفاق، خضوع و خشوع در درگاه الهی، خویشتن داری و صبر و باز داری نفس از مشتیهات، آشنایی با

مسلمانان مسائل اجتماعی و سیاسی جهان اسلام و اعلاء کلمه اسلام و ظهور نفوذ دعوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در شرق و غرب و دورترین نقاط و حضور در يك اجتماع میلیونی از نمایندگان مردم سراسر جهان و امور بسیار دیگر، همه در حج مندرج است. خلاصه، فضایل این فریضه بزرگ، بسیار بوده و ثوابهایی که برای یکایک آن اعمال مقرر است بشمار میباشد. باید کسانی که به حج مشرف میشوند درک تشریف انجام این مراسم نورانی و حضور در این اجتماع پر فیض را توفیقی بزرگ شمرده، خودسازی و استفاده های معنوی در هر کدام از مواقع آن را نصب العین خود قرار دهند. و مخصوصاً تعجیل فرج حضرت صاحب الامر ارواح العالمین له الفداء را در همه آن مشاهد مقدسه از خداوند متعال مسئلت نمایند.

احكام حج

(٧)

## احکام حج

(مسأله ۱) بر هر مکلف مستطیع در تمام عمر يك بار حجة الاسلام واجب میشود که باید اعمال آن را بجا آورد.

(مسأله ۲) واجب است مستطیع در سال اول استطاعت به حج برود، و تأخیر آن بدون عذر، گناه کبیره است و اگر در سال اول نرفت، و تا سال بعد از استطاعت افتاد حج از او ساقط نمیشود، و باید به هر صورت ممکن حج نماید.

## اقسام حج

(مسأله ۳) حج بر سه قسم است:

- ۱ - (حج تمتع) و این وظیفه کسانی است که منازل آنان تا مکه معظمه ۱۶ فرسخ شرعی یا بیشتر باشد.
- ۲ و ۳ - (حج قران) و (افراد) و این وظیفه اهالی مکه

معظمه و کسانی است که فاصله منازل آنان از مکه معظمه کمتر از ۱۶ فرسخ شرعی است. و بر اینها واجب است بعد از حج (عمره مفرده) بجا آوردند.  
(مسأله ۴) آن چه ذکر شد از تعیین وظیفه نسبت به حجة الاسلام است، اما در حج مستحبی اهل مکه هم میتوانند حج تمتع بجا آورند، و اشخاصی که منزلشان از مکه ۱۶ فرسخ یا زیادتر، دور باشد میتوانند حج قران یا افراد بجا آورند، بلی تمتع برای هر دو طایفه در حج مستحبی افضل است.



## حج قران

کیفیت حج قران مانند حج افراد است در همه اعمال مگر این که حج افراد قربانی ندارد و در حج قران که مکلف قربانی به همراه خود مآورد باید همان قربانی را ذبح یا نحر کند و چنین شخصی مخیر است در عقد احرام بین این که تلبیه بگوید یا اشعار و یا تقلید نماید و به هر کدام ابتدا کرد احرامش به همان منعقد میشود و چون حج افراد و قران خیلی مورد ابتلاء نیست به همین اشاره مختصر اکتفا میشود و وظیفه کسانی که عمره تمتع آنها به جهت بعض عذرهای مبدل به حج افراد میشود در جای خود بیان خواهد شد.

## حج افراد

کیفیت و آداب و اعمال واجبه و مستحبه حج افراد مانند حج تمتع است، الا در چند چیز:

۱ - مکلف باید از میقاتهای معروفه محرم شود و به عرفات برود بر خلاف حج تمتع که از مکه محرم میشود بلی کسانی که وظیفه آنها حج تمتع است و از میقات برای عمره تمتع محرم میشوند و بعد به جهت عذری عمره آنها مبدل به حج افراد میشود با همان احرام به عرفات میروند.

۲ - قربانی ندارد.

۳ - بعد از انجام آن باید عمره مفرده بجا آورد.

۴ - جایز است برای کسی که حج افراد بجا میآورد که طواف زیارت و سعی را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهد لیکن مکروه است و ترك آن احوط است

بر خلاف حج تمتع که در آن جایز نیست تقدیم طواف و سعی بر وقوفین مگر در وقت اضطرار که در مسائل آینده ذکر میشود.

حج تمتع  
چون نوع واجب حج بر فارسی زبانان و ایرانیان بلکه بر  
بیشتر مسلمانان حج تمتع است.  
أحكام و مسائل حج تمتع مشروحا بیان خواهد شد  
انشأ الله تعالى.  
(مسأله ۵) حج تمتع، مرکب از دو عبادت است که اول  
را (عمره تمتع) و دوم را (حج تمتع) گویند، و باید عمره  
تمتع قبل از حج تمتع بجا آورده شود. و اگر کسی به شرحی  
که بعد گفته خواهد شد بواسطه عذری نتواند عمره تمتع را  
پیش از حج تمتع بجا آورد حج او، (حج افراد) مشهود.  
(مسأله ۶) در انجام حج هم مثل سایر عبادات دیگر  
(قصد قربت) لازم است، و همین مقدار که پیش از پوشیدن

لباس احرام، قصد کند بجا آوردن عمره و حج واجب خود را برای خدا کافی است، و لازم نیست که در ابتدا، صورت حج تمتع را بداند، پس اگر وقتی که میخواهد احرام ببندد تمام کارهای واجب حج را نداند ولی نیت کند که برای اطاعت امر خداوند متعال عمره و حج واجب خود را بجا بیاورد، و قصدش این باشد که بعد از مشغول شدن به عمل، هر چه را لازم است مطابق رساله ای که نزد او است، یا مطابق دستور مجتهد یا عالم مورد وثوق که همراه او است انجام دهد کفایت میکند، و عمل او صحیح است.

عمره تمتع  
(مسأله ۷) در مسأله ۵ گذشت که، اول از کارهای (حج تمتع)، (عمره تمتع) است و کارهای واجب عمره تمتع پنج چیز است:

- ۱ - احرام.
  - ۲ - طواف خانه کعبه.
  - ۳ - دو رکعت نماز طواف.
  - ۴ - سعی بین صفا و مروه.
  - ۵ - تقصیر.
- که شرح احکام هر يك خواهد آمد، ان شاء الله تعالى.  
مستحبات احرام عمره  
(مسأله ۸) کارهایی که پیش از احرام، و در وقت مهیا

شدن برای احرام و در حال بستن احرام و بعد از آن،  
مستحب است ده چیز است:

۱ - پیش از احرام پاکیزه کردن بدن و گرفتن ناخن و  
شارب و زائل کردن موی زیر بغل و موی عانه (زیر شکم) با  
نوره.

۲ - غسل احرام در میقات، و هر گاه بترسد که در میقات  
آب نیابد، جائز است که پیش از رسیدن به میقات غسل  
کند. و اگر پیش از میقات غسل کرد و در میقات آب یافت،  
مستحب است که در میقات دوباره غسل کند، و اگر بعد از  
غسل خواب برود، یا چیزی را که خوردنش و یا پوشیدنش  
برای محرم جائز نیست بخورد یا بپوشد، یا استعمال بوی  
خوش کند، مستحب است دوباره غسل را بجا آورد. و اگر  
محدث، به حدث اصغر، غیر از خواب بشود، بهتر است  
رجأً غسل را اعاده کند، و غسل روز برای شب و غسل

شب برای روز کفایت میکند، خصوصا اگر غسل شب در آخر شب، و غسل روز در آخر روز باشد، و بهتر آن است که به غسل اول روز برای روز و به غسل اول شب برای شب اکتفا کند. و غسل احرام بر حائض و نفسا نیز مستحب است و شرط احرام، طهارت از حدث نیست.

۳ - خواندن این دعا در وقت غسل است:

بسم الله و بالله، اللهم اجعله لي نورا و طهورا  
وحرزا وامنا من كل خوف وشفاء من كل داء  
وسقم، اللهم طهرني و طهر قلبي، و اشرح لي  
صدري، و اجر علي لساني محبتك و مدحتك  
والثناء عليك، فانه لا قوة لي الا بك وقد علمت ان  
قوام ديني التسليم لك، و الا تباع لسنة نبيك  
صلواتك عليه و آله.

۴ - نتراشیدن و نگرفتن موی سر و ریش از اول ذیقعه



بنابر مشهور بین علما، بلکه احوط و اولی ترك آن است، و استحباب نگرفتن موی سر برای زنها هم از اول ذیقعه بعیده نیست.

۵ - آن که بعد از نماز ظهر محرم شود، و اگر در وقت نمازهای دیگر مسخوهد محرم شود بعد از یکی از آنها، و اگر نه، بعد از نماز قضا احرام ببندد، و اگر نماز قضا بر ذمه ندارد شش رکعت نماز یا اقلا دو رکعت نماز بخواند، و در رکعت اول، بعد از حمد، سوره قل هو الله احد (توحید) و در رکعت دوم، بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون (جحد) را بخواند، و چون از نماز فارغ شود و بخوهد نیت احرام کند، حمد و ثنای خدا بجای آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم بفرستد و این دعا را بخواند:

اللهم اني اسألك أن تجعلني ممن استجاب لك  
وامن بوعدك واتبع امرك، فاني عبدك وفي

قبضتك، لا اوقى الا ما وقيت ولا اخذ الا ما اعطيت،  
وقد ذكرت الحج فاسألك ان تعزم لي عليه على  
كتابك وسنة نبيك صلواتك عليه وآله، وتقويني  
على ما ضعفت عنه وتسلم لي مناسكي في يسر  
منك وعافية، واجعلني من وفدك الذين رضيت  
وارتضيت وسميت وكتبت، اللهم اني خرجت من  
شقة بعيدة، وانفقت مالي ابتغا مرضاتك، اللهم  
فتمم لي حجتي وعمرتي، اللهم اني اريد التمتع  
بالعمرة إلى الحج على كتابك وسنة نبيك صلواتك  
عليه وآله، فان عرض لي عارض يحبسني فحلني  
حيث حبستني بقدرك الذي قدرت علي، اللهم ان لم  
تكن حجة فعمرة احرم لك شعري وبشري  
ولحمي ودمي وعظامي ومخي وعصبي من  
النساء والشباب والطيب ابتغي بذلك وجهك والدار  
الآخرة.

پس دو جامه احرام را بطوری که در واجبات گفته  
میشود بپوشد.

۶ - جامه احرام از پنبه باشد، و در حال پوشیدن احرام  
بگوید:

الحمد لله الذي رزقني ما اوارني به عورتني  
واؤدي فيه فرضي واعبد فيه ربي وانتهي فيه إلى  
ما امرني، الحمد لله الذي قصدته فبلغني وارده  
فاعانني وقبلني و لم يقطع بي ووجهه اردت  
فسلمني فهو حصني وكهفي وحرزي وظهري  
وملاذي وملجاي ومنجاي وذخري وعدتي في  
شدتي ورخائي.

۷ - نیت احرام را به زبان بیاورد، و چنان که در واجبات  
احرام هم گفته خواهد شد واجب است مقارن نیت بگوید:  
لبيك اللهم لبيك لبيك لا شريك لك لبيك.

و بنا بر احتیاط واجب جمله ذیل را هم بگوید:  
ان الحمد والنعمه لك والملك لا شريك لك.  
و بهتر آن است كه بعد از این جمله، يك لبيك ديگر نيز  
بگوید.

۸ - پس از آن مستحب است بگوید:

لبيك ذا المعارج لبيك، لبيك داعيا إلى دار  
السلام لبيك، لبيك غفار الذنوب لبيك، لبيك اهل  
التلبية لبيك، لبيك ذا الجلال والاكرام لبيك، لبيك  
تبدء والمعاد اليك لبيك، لبيك تستغني ويفتقر اليك  
لبيك، لبيك مرغوبا ومرهوبا اليك لبيك، لبيك إله  
الحق لبيك، لبيك ذا النعماء والفضل الحسن  
الجميل لبيك، لبيك كشاف الكرب العظام لبيك،  
لبيك عبدك وابن عبدك لبيك، لبيك يا كريم لبيك.  
و این جمله را نيز برجاً استحباب بخواند:

لبيك أتقرب اليك بمحمد وآل محمد لبيك، لبيك  
بعمره.

و در احرام حج بگوید: لبيك بحجة و پس از آن، در  
عمره تمتع بگوید:

لبيك، لبيك وهذه عمرة متعة إلى الحج لبيك،  
لبيك اهل التلبية لبيك، لبيك تلبية تاممها وبلاغها  
عليك.

۹ - مرد تلبیه را بلند بگوید مگر در میقات مدینه، که در  
آنجا بهتر آن است که اگر سواره است آهسته تلبیه بگوید، و  
وقتی که زمین بیداء (هموار) نمایان شود بلند بگوید، و  
کسی که از مکه محرم به حج میشود مستحب است وقتی  
که به (رقتاء) مرسد، یا مشرف بر (ابطح) شود بلند  
بگوید.

۱۰ - در وقت بیدار شدن از خواب، و عقب هر نماز  
واجب و مستحب، و وقت رسیدن به منزل، و وقتی که به

سواره برسد، و وقت سوار شدن، و وقت بالا رفتن بر تلی، و پائین رفتن از سراشیبی نیز تلبیه بگوید، و در سحرها بسیار بگوید، هر چند جنب یا حیض باشد، و تلبیه را قطع نکند در عمره تمتع تا خانه های مکه را ببیند، و در حج تمتع تا ظهر روز عرفه.  
مکروهات احرام

(مسأله ۹) در احرام، ده چیز مکروه است:

۱ - پوشیدن لباس سیاه، بلکه اولی ترك پوشید هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثنأ شده است.

۲ - خوابیدن در رخت خواب و مخده زرد، و هم چنین مکروه است محرم شدن در جامه کثیف. و سزاوار است جامه احرام نظیف باشد، و بهتر آن است که تا نجس نشود آن را نشوید.

- ۳ - حنا بستن بدون قصد زینت، ولی با قصد زینت خلاف احتیاط است، بلکه احتیاط آن است که مطلقاً حنا نبندد، حتی پیش از احرام در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی بماند، و نیز مکروه است برای زن پیش از احرام حنا بستن، هر گاه رنگ آن تا حال احرام باقی بماند.
- ۴ - حمام رفتن و سائیدن بدن.
- ۵ - لبیک گفتن در جواب کسی که او را بخواند.
- ۶ - شستن بدن با آب سرد.
- ۷ - مبالغه در مسواک کردن و سائیدن رو.
- ۸ - کشتی گرفتن، و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن، یا افتادن موی از بدن باشد.
- ۹ - شعر خواندن.
- ۱۰ - استعمال ریاحین و گل‌های خوشبو، و بهتر ترک شستن سر، به سدر و خطمی میباشد.

## مواقیت احرام

(مسأله ۱۰) محلی را که در آن احرام بستن واجب است (میقات) گویند و هر کس باید در آن میقاتی که در راه او به مکه است محرم شود به این شرح:

۱ - (مسجد شجره)، و آن میقات اهل مدینه و کسانی است که از راه مدینه منوره به مکه مشرف میشوند، مثل بسیاری از حاجیان ایران و آن را (ذوالحلیفه) نیز مینامند، و اکنون به (آبار علی) معروف است. و فاصله آن، بنابر نقل بعضی تا مکه ۴۶۴ کیلومتر است، و تا مدینه تقریباً هفت کیلومتر است. و بهتر بلکه احوط آن است که در داخل مسجد محرم شوند، و جنب و حائض در حال عبور از داخل مسجد محرم شوند. و اگر از پشت مسجد هم محرم شوند، صحیح است. و در وقت ضرورت، احرام بستن را تا میقات اهل شام که (جحفه) است میتوانند به تأخیر اندازند، و در (جحفه) محرم شود.



۲ - (جحفه)، و آن میقات اهل جحفه و نواحی آن، و میقات مردم مصر و شام و شهرهای مغرب و اروپا میباشد، و هر کسی که از کانال سوئز به قصد مکه عبور میکند، باید در دریا در محاذات جحفه محرم شود، و تقریباً مسافت بین مکه و جحفه ۲۲۰ کیلومتر است، و به (رابغ) نزدیک است و احرام از رابغ مجزی نیست.

۳ - (وادی عقیق)، و آن میقات اهل نجد و عراق و کسانی است که از آن طریق به حج میروند، و افضل آن است که از اول آن، که (مسلخ) است - اگر بطور یقین معلوم شود - محرم گردند، و الا وقتی که یقین کردند به وادی عقیق رسیده اند پیش از رسیدن (به ذات عرق) محرم شوند. و اگر بواسطه تقیه ناچار شوند از تأخیر احرام تا ذات عرق، قبل از آن که به آنجا برسند در لباسی که پوشیده اند، نیت احرام نموده، و آهسته (تلبیه) بگویند. و اگر ممکن شود لباسهای خود را بیرون آورده، و دو جامه احرام را

پوشند، و بعد لباس احرام را در آورده و لباس خود را  
پوشند، و به جهت آن - بطوری که گفته خواهد شد - فدیة  
دهند، و هر گاه که به ذات عرق رسیدند آنجا جامه احرام را  
پوشند.

۴ - (قرن المنازل) کوهی است مشرف بر عرفات، در  
۹۴ کیلومتری مکه، و آن میقات اهل طائف و نواحی آن و  
کسانی است که از آن طریق به مکه مشرف میشوند.

۵ - (یللم) کوهی است از کوههای تهامه، در ۹۴  
کیلومتری مکه، و آن میقات اهل یمن و کسانی است که از  
آن طریق به حج مشرف میشوند.

(مسأله ۱۱) لازم است تحصیل علم، یا بینة شرعیة، به  
رسیدن به میقاتی که باید در آن محرم شود، و اگر تحصیل  
هیچ يك ممکن نشود، اکتفا به ظن حاصل از گفته اهل اطلاع  
و معرفت به آن اماکن جایز است.

(مسأله ۱۲) هر کس منزل او از این میقاتها به مکه

نزدیکتر باشد، یعنی منزل او بعد از یکی از این میقاتها باشد، میقات او همان منزل او است که از همانجا باید محرم شود.

(مسأله ۱۳) بهتر آن است که از راهی برود که از یکی از میقاتها عبور کند، و اگر از راهی مرود که به هیچ يك از این پنج میقات عبور نمکند، باید در محاذی هر میقاتی که ابتدا از آن عبور مکند احرام ببندد، هر چند که نسبت به میقات دیگر دور تر از مکه باشد، یا فاصله اش با اصل میقات بیشتر باشد، (۱) و اگر بعد از آن، در راه خود به محاذات میقات دیگر رسید در آنجا هم تجدید احرام کند، و اگر تحصیل علم به محاذات میقات ممکن نشود، و بینه هم نباشد، ظن حاصل از گفته اهل اطلاع به آن اماکن کافی (هامش: ۱) مثلا اگر به محاذی مسجد شجره رسیده باید همانجا محرم شود هر چند که فاصله میقات دیگر تا مکه کمتر باشد و یا فاصله محاذی مسجد شجره با مکه دور تر از فاصله خود مسجد شجره با مکه باشد.)

است، و اگر ظن هم ممکن نشود، در اولین نقطه ای که احتمال محاذات با یکی از مواقیت را مدهد، رجأ محرم شود و تلبیه بگوید، و بعد در هر جا که احتمال محاذات

مدهد، تجدید نیت کند، و تلبیه را تکرار نماید، تا یقین کند که در محاذات میقات احرام بسته است، و بهتر آن است که برای تجدید نیت، لباس احرام را نیز باز کند و ببندد، و احوط، نسبت به غیر مسجد شجره، ترك رفتن از راهی است که به یکی از مواقیت مرور نکند. و اما در مسجد شجره در صورتی که شخص قاصد حج باشد، و در مدینه يك ماه مانده باشد، احرام از محاذات شجره کافی است، و تا ممکن است این احتیاط را ترك ننماید، مگر آن که نذر کرده باشد که پیش از رسیدن به میقات در محل معینی محرم شود، که در این صورت رعایت این احتیاط لازم نیست، بلکه واجب است در محلی که نذر کرده است محرم شود، و بعد، از هر طرف برود اشکال ندارد.

(مسأله ۱۴) اگر کسی احرام بستن از میقات را فراموش کند، بعد از آن که یادش آمد - خواه بعد از داخل شدن به حرم یادش بیاید یا پیش از وارد شدن به حرم - اگر برگشتن به میقات ممکن است، برگردد و از میقات محرم شود، و اگر برگشتن به میقات ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که هر مقدار ممکن است بسوی میقات برگردد و از آنجا محرم شود، و اگر برگشتن هیچ ممکن نیست، از همان مکان خود احرام خود را ببندد، و هم چنین است حکم در جاهل، مثل آن که زن حائض گمان کرده که احرام برای او صحیح نیست و بدون احرام از میقات گذشته است.

(مسأله ۱۵) در احرام، طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر شرط نیست، پس جایز است شخص جنب و زن حائض و نفسا محرم شوند، بلکه اگر وقت نباشد که صبر کند تا از حیض و نفاس پاک شود، واجب است با همان

حال از میقات احرام ببندد، و غسل احرام برای حائض و  
نفساء مستحب است.  
(مسئله ۱۶) زن اگر در حال حیض محرم شود به احرام  
عمره تمتع، و گمان کند که برای عمره پاك میشود، ولی  
پاك نشود، تا وقت آن بگذرد، حج او مبدل به (افراد)  
میشود، و لازم است با همان احرام به عرفات و مشعر  
برود، و وقوفین را با مردم بجا آورد، و بعد به منی بیاید، و  
اعمال منی را انجام دهد، و در حج افراد قربانی واجب  
نیست، و روز دوازدهم یا سیزدهم به مکه مراجعت نماید و  
در آنجا بماند، هر وقت پاك شد طواف زیارت و نماز آن را  
بجا آورد، و بعد سعی بین صفا و مروه نماید، پس از آن  
طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، و آن گاه به خارج حرم  
رفته و محرم شود به احرام عمره مفرده، و به مکه آمده و  
اعمال عمره را تمام نماید.  
(مسئله ۱۷) در مسئله سابق اگر آن زن نمیتواند بماند

تا پاك شود - مثلاً همسفرهای او مهلت نمدهند و ناچار از مراجعت است - باید برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و پس از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد، آن زن سعی بین صفا و مروه نماید، و پس از آن برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد، و بعد برود خارج حرم و محرم به احرام عمره مفرده شود و بیاید مکه، و برای طواف عمره و نماز آن نایب بگیرد، و بعد خودش سعی بین صفا و مروه نماید، و بعد (تقصیر) کند و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

(مسأله ۱۸) اگر زن در میقات پاك باشد و محرم شود به احرام عمره تمتع، و قبل از طواف عمره، حائض شود و پاك نشود تا وقت عمره بگذرد، عدول به حج افراد نموده، و به نحوی که قبلاً ذکر شد عمل نماید.

(مسأله ۱۹) اگر زن در حال احرام پاك بود و محرم به احرام عمره تمتع شد، و در بین طواف حائض شد، واجب

است فوراً از مسجد الحرام خارج شود، پس اگر بعد از چهار (شوط) حائض شده، عمره تمتع او صحیح است، مرود سعی بین صفا و مروه منماید و بعد تقصیر منماید، و از عمره محل مشود، و بعد در خارج از مسجد در مکه محرم شود به احرام حج، و اعمال عرفات و مشعر و منی را بجا آورد، و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاك شد طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را به ترتیب بجا آورد، و پیش از طواف حج آنچه از طواف عمره و نماز طواف باقی مانده آن را بجا آورد، و احتیاطاً سعی را هم اعاده نماید، هر چند لازم نیست، و اگر قبل از پاك شدن ناچار است از مراجعت به وطن، برای کسری طواف عمره و نماز آن و برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد خودش سعی نماید، و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد و اگر بعد از سه شوط و نیم و پیش از تمام شدن



شوط چهارم حائض شود احوط این است که سعی بین صفا و مروه را رجأاً به قصد سعی عمره تمتع انجام دهد و تقصیر کند و در خارج مسجد در مکه، به احرام حج تمتع، رجأاً محرم شود و اعمال عرفات، مشعر و منی را به قصد ما فی الذمه از حج تمتع یا افراد بجا آورد و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاك شد باقی مانده طواف عمره و سعی را رجاءاً قبل از طواف زیارت بجا آورد و طواف زیارت و نماز آن و رجاءاً سعی و طواف نساء و نماز آن را به قصد ما فی الذمه بجا آورد، سپس يك عمره مفرده بجا آورد و احتیاطاً برای تقصیر كفاره بدهد.

(مسأله ۲۰) اگر زن در میقات پاك است، لکن احتمال مدهد که قبل از طواف عمره حائض شود و پاك نشود، تا وقت عمره بگذارد، یا آن که در میقات حائض باشد و احتمال مدهد پاك نشود تا وقت عمره بگذرد، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم مشوم به احرامی

که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاك شد اعمال را تمام کند و محل شود، و بعد اعمال حج را بجا آورد و حج تمتع او صحیح است و اگر پاك نشد، به همان احرام اعمال حج را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورد، و حج او حج افراد است. و اگر فرصت طوافها را ندارد به نحوی که در مسائل گذشته ذکر شد برای طوافها نایب بگیرد.

(مسأله ۲۱) اگر زن در میقات حائض است و یقین دارد پاك نمیشود تا وقت عمره تمتع بگذرد، یا آن که در میقات پاك است و یقین دارد قبل از طواف عمره حائض میشود و پاك نمیشود تا وقت عمره بگذرد جمعی فرموده اند: واجب است از میقات محرم به حج افراد شود، لیکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد بر خلاف عادت پاك شود، و یا در فرع دوم در حیض تأخیر شود، احتیاط مسأله قبل را ترك نکند و به همان نحو عمل نماید.

(مسأله ۲۲) اگر زن چون یقین داشت برای عمره تمتع پاك نیست به قصد حج افراد محرم شد، و اتفاقاً در مکه بر خلاف عادت پاك بود، لازم است از حج افراد - عدول به عمره تمتع کند - یعنی طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد و تقصیر نماید، و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را بجا آورد، و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتع باشد، و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام کند.

(مسأله ۲۳) اگر زن در بین طواف قبل از سه شوط و نیم حائض شود، و تا گذشتن وقت عمره پاك نشود، حکم حائض شدن قبل از طواف را دارد، و عمره تمتع او باطل است، و واجب است عدول به حج افراد نماید به نحوی که گذشت.

(مسأله ۲۴) اگر کسی احرام را فراموش نماید، و تا بعد

از انجام جمیع واجبات به خاطرش نیاید، اقوی صحت آن عمره است، و جاهل به مسأله در حکم ناسی است، و همچنین است حکم، در ترك تلبیه جهلا یا نسیانا. (مسأله ۲۵) اگر کسی عمدا احرام را ترك کند، و برگشتن به میقات ممکن نباشد اقوی فساد عمره او است، اگر چه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضاء آن را بجا آورد.

(مسأله ۲۶) میقات بودن جده به نظر حقیر محرز نیست، لذا اشخاصی که از ایران یا سایر ممالک از طریق هوایی وارد جده میشوند، لازم است یا قبل از حرکت نذر کنند که در محل خود محرم شوند، و بعد از احرام حرکت کنند، و برای نشستن زیر سقف يك گوسفند کفاره در مکه ذبح نمایند، در این صورت از هر طریق بخواهند میتوانند وارد مکه شوند، و با همان احرام اعمال عمره را بجا آورند

و تجدید نیت هم لازم نیست، هر چند از یکی از میقاتها عبور نمایند و یا آن که اگر نذر نمکنند لازم است در این حرکت، عازم ورود به مکه نباشند، بلکه قصد کنند که مرویم جده که از آنجا به یکی از میقاتها برویم، و در این صورت واجب است پس از ورود به جده به یکی از میقاتها بروند و از آنجا محرم شوند، و چنانچه با این فرض نتوانستند به میقات بروند، احتیاطاً هر مقدار ممکن است بجانب میقات بروند و محرم شوند، و اگر نتوانستند بجانب میقات بروند، در جده محرم شوند، و در (حدیبیه) و یا (جعرانه) یا (ادنی الحل) احتیاطاً تجدید نیت کنند، و در غیر این صورت در جده نمیتوانند محرم شوند.

نذر احرام پیش از میقات  
(مسأله ۲۷) چنانچه گفته شد پیش از رسیدن به میقات یا محاذات آن، احرام بستن جائز نیست، ولی اگر کسی نذر کند که پیش از رسیدن به میقات در محل معینی محرم

شود، مثلاً نذر کند که در تهران یا مشهد یا کوفه محرم شود باید به نذر خود وفا کند، و در همان محل معین که نذر کرده است احرام ببندد، و احرام او صحیح است.  
(مسأله ۲۸) برای صحت نذر احرام قبل از میقات، کافی است بگوید مثلاً:  
لله علی آن احرام من طهران  
یا فارسی بگوید:

از برای خدا بر من است که از تهران محرم شوم.  
(مسأله ۲۹) در هر جا که تشخیص میقات یا محاذات آن به علم یا ظن معتبر ممکن نشود، بهتر است که نذر کند پیش از میقات یا پیش از محاذات میقات، در محل معینی احرام ببندد، و از همان محلی که نذر کرده محرم شود.  
(مسأله ۳۰) اگر در وقت نذر احرام پیش از میقات، بنا داشته باشد که به وسیله سقف دار مثل هواپیما یا کشتی یا اتومبیل مسقف سوار شود، نذر او صحیح است، ولی مرد

باید تا ممکن مشهود در حال حرکت و طی منزل، زیر سقف ننشیند، و اگر مضطر باشد جایز است، و کفاره دارد که در محلهش ذکر مشود.

(مسأله ۳۱) کسی که میخواهد با هواپیما به حج برود، اگر ناچار باشد و طور دیگر ممکن نباشد، جایز است نذر کند از محل خود محرم شود، ولی در حین احرام قصد کند که تا بتوانم تظلیل نکنم، و با اضطرار، هر چند از جهت ضیق وقت یا نبودن وسیله ای غیر آن باشد، جایز است به هواپیما سوار شود، و برای تظلیل فدیة بدهد، لیکن اگر هواپیما شب حرکت کند وجوب فدیة معلوم نیست، ولی مطابق احتیاط است.

واجبات احرام

(مسأله ۳۲) واجبات احرام سه چیز است:

اول - پوشیدن دو جامه احرام، و واجب است که یکی از آنها از ناف تا زانو را بپوشاند که آن را (لنگ) گویند، و

دیگری باید بر دوش انداخته شود، و به قدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند و آن را (ردا) گویند، و احتیاط لازم آن است که پیش از نیت و گفتن تلبیه‌های واجب، لباس دوخته را در آورد، و لباس احرام را بپوشد، و بعد نیت کند، و احتیاط مستحب آن است که زنها نیز این دو جامه را بپوشند، اگر چه در آوردن لباس دوخته بر آنها واجب نیست، و جایز است بعد از احرام، دو جامه احرام را بیرون بیاورند، و با لباس خودشان باشند، و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در بر داشته باشند. (مسأله ۳۳) احرام باید در لباسی باشد که نماز خواندن در آن صحیح باشد، پس اگر لباس احرام حریر (ابریشم) خالص باشد، یا از اجزای حیوان حرام گوشت، یا نجس باشد به نجاستی که در حال نماز از آن عفو نشده یا غصبی باشد، احرام در آن صحیح نیست، ولی اگر لباس احرام به نجاستی که نماز خواندن با آن صحیح است نجس باشد، مثل خون زخم و جراحت و دمل ضرر ندارد.



(مسأله ۳۴) باید پارچه ای که از ناف تا زانو را میپوشاند، بقدری نازک نباشد که پوست بدن از زیر آن نمایان باشد، و احوط در پارچه ای که بدوش انداخته میشود نیز این است، که به حدی که گفته شد نازک نباشد.

(مسأله ۳۵) اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

(مسأله ۳۶) جامه احرام زن نیز مثل جامه احرام مرد، باید از ابریشم خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که سایر لباسهای او نیز از ابریشم خالص نباشد.

(مسأله ۳۷) احتیاط واجب آن است که لباس احرام بافته باشد، چه محرم مرد باشد و چه زن، و از پوست یا مثل نمد مالیده نباشد، و هم چنین از اجناس جدید مثل پلاستیک و نایلون و امثال آن اگر بافته نیستند، نباشد.

دوم - از واجبات احرام، نیت است، یعنی قصد کند که احرام مسندم برای عمره تمتع حجة الاسلام به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم. و معنای احرام بستن، آن است که بر خود قرار دهد و ملتزم شود برای توجه به مکه، و بجا آوردن اعمال حج و عمره، کارهایی را که در عمره تمتع بر او حرام است ترك نماید، و مستحب است که نیت احرام را به زبان بیاورد چنانچه گذشت.

سوم - گفتن چهار تلبیه است بعد از نیت، و صورت آن این است که بگوید:

لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك،

و بنا بر احتیاط واجب جمله ذیل نیز گفته شود.

ان الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك.

و بهتر، اضافه يك لبيك دیگر است بعد از لا شريك لك،

و واجب است که این عبارت را به عربی صحیح بگوید، و

احوط و اولی کسر همزه (ان) و فتح کاف (الملك) است، و

واجب است کسی که این عبارات را نمداند بطور صحیح آن را یاد بگیرد، یا کسی به او در وقت گفتن تلقین کند، و اگر ممکن نشد، به هر صورت که بتواند بگوید، و ترجمه اش را به فارسی (۱) یا زبان دیگر بگوید، و نایب هم بگیرد رجاءا که از طرف او بطور صحیح بگوید.

(مسأله ۳۸) مکرر گفتن این چهار تلبیه مستحب است، و بیش از يك مرتبه گفتن آن واجب نیست.

(مسأله ۳۹) شخص محرم تا محل نشده جایز نیست لباس دوخته بپوشد، ولی بیرون آوردن لباس احرام برای او در صورتی که ناظر محترم نباشد جایز است.

(مسأله ۴۰) هر گاه پوشیدن لباس احرام را فراموش نماید، و پیش از آن که مشغول طواف شود، بخاطرش (هامش: ۱ - ترجمه تلبیه ها این است: اجابت و اطاعت میکنم تو را، خدایا اجابت میکنم تو را، اجابت میکنم تو را، برای تو شریکی نیست، اجابت میکنم تو را، بدرستی که ستایش و نعمت و پادشاهی برای تست، شريك برای تو نیست، اجابت میکنم تو را.)

بباید، احوط آن است که به میقات برگردد، و لباس احرام را  
پوشد، و تلبیه را  
هم رجاء بگوید، و اگر برگشتن به میقات  
ممکن نباشد، هر مقدار ممکن است برگردد، و در آنجا  
پوشد، و اگر برگشتن اصلاً ممکن نشود، هر جا به خاطرش  
آمد همانجا لباس احرام پوشد، و تلبیه را به نحوی که ذکر  
شد بگوید، و اگر با تمکن برگشت، و هر جا یادش آمد  
لباس احرام پوشید، احرام او صحیح است علی الظاهر،  
گرچه خلاف احتیاط است.

(مسأله ۴۱) معلوم شد که احرام این است که شخص  
ملتزم شود، و بر خود قرار دهد، ترك کارهائی را که در حال  
احرام حرام است. پس لازم است آن کارها را، پیش از نیت  
احرام بطور اجمال بشناسد، تا در موقع نیت، ترك آنها را بر  
خود قرار دهد، و کفایت میکند که در نظر داشته باشد ترك  
محرماتی که در مناسك نوشته شده، و لازم نیست که بطور  
تفصیل در وقت احرام آن کارها در نظرش باشد.

- ۲۵ چیز بر محرم حرام است.
- ۱ - شکار حیوان صحرائی.
  - ۲ - جماع (نزدیکی) با زن و سایر لذات.
  - ۳ - عقد کردن زن.
  - ۴ - شاهد عقد شدن.
  - ۵ - استمناء.
  - ۶ - بوئیدن بوی خوش و گرفتن بینی از بوی بد.
  - ۷ - پوشیدن چیز دوخته برای مرد
  - ۸ - سر مه کشیدن.
  - ۹ - نگاه کردن در آینه.
  - ۱۰ - پوشیدن روی پا برای مرد.
  - ۱۱ - دروغ گفتن و فحش دادن.

- ۱۲ - قسم خوردن.
- ۱۳ - کشتن جانوران بدن.
- ۱۴ - برای زینت انگشتر بدست نمودن.
- ۱۵ - پوشیدن زیور برای زن.
- ۱۶ - مالیدن روغن به بدن.
- ۱۷ - ازاله کردن مو از بدن.
- ۱۸ - پوشاندن مرد سر و گوش خود را.
- ۱۹ - پوشاندن زن صورت خود را.
- ۲۰ - استظلال برای مرد.
- ۲۱ - بیرون آوردن خون از بدن خود.
- ۲۲ - ناخن گرفتن.
- ۲۳ - کندن دندان.
- ۲۴ - کندن درخت حرم.
- ۲۵ - بستن آلات حرب بر بدن.

و تفصیل این امور به شرح ذیل است:  
اول - شکار حیوان صحرائی وحشی، حلال گوشت  
باشد یا حرام گوشت، مثل روباه و خرگوش و آهو و ملخ و  
و  
طیور، و حرام است کماک به صیاد، و نشان دادن شکار به  
او، و خوردن گوشت آن، و نگاه داشتن آن، هر چند پیش از  
احرام مالک آن شده باشد. و هر حیوانی که شکار کردن آن  
بر محرم حرام است، برداشتن تخم و جوجه آن نیز، بر  
محرم حرام است.

(مسأله ۴۲) صید حیوانات وحشی در حرم، وهم  
چنین برداشتن جوجه و تخم آنها و خوردن آن بر غیر محرم  
نیز حرام است.

(مسأله ۴۳) شکار حیوان دریائی و کشتن حیوان اهلی،  
مثل گاو و گوسفند و شتر و خوردن گوشت آنها بر محرم  
حلال است، و هم چنین کشتن حیوان صحرائی وحشی که  
از اذیت آن ترس داشته باشد، مانعی ندارد.

(مسأله ۴۴) محرم شکار وحشی را مالك نمیشود، و اگر کسی آن را به او بفروشد یا بیخشد ملك او نمیشود، و اگر پیش از احرام آن را شکار کرده باشد و با خود آورده باشد، وقتی محرم شد از ملك او بیرون مرود و باید آن را رها کند.

(مسأله ۴۵) اگر محرم حیوانی را که شکارش حرام است بکشد، باید کفاره بدهد. و تفصیل آن را در کتابهای حج، فقها ذکر فرموده اند.

(مسأله ۴۶) اگر محرم صیدی را ذبح کند میته است، و خوردن آن بر محرم و محل حرام است.

دوم - جماع کردن با زن و بوسیدن، و بازی کردن، و نگاه کردن به شهوت به او است بلکه بردن هر لذتی از زن حرام است، هر چند حلال خودش باشد، و لذت بردن مرد محرم از زن نامحرم، و یا مرد از مرد، علاوه بر آن که پیش از احرام حرام بوده، بواسطه احرام مؤکد میشود.



(مسأله ۴۷) اگر کسی با علم و عمد، در عمره تمتع جماع کند، خواه در فرج باشد یا در دبر، اگر پیش از سعی باشد بنا بر مشهور عمره او فاسد است، و باید احتیاطاً آن را تمام کند، و بعد از تمام کردن عمره، پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید، و يك شتر كفاره بر او واجب است. و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد، آن را به قصد ما في الذمه، از اتمام و تمام اعاده نماید. و اگر به واسطه تنگی وقت نتواند، آن را پیش از حج اعاده کند، ولی می‌تواند اتمام کند، اتمام کند، و تقصیر نماید. و احتیاطاً به یکی از مواقیف برود، و محرم به احرام حج افراد شود، و اگر وقت تنگ است هر چه می‌تواند به طرف میقات برود و محرم شود و به مکه بیاید، و در مکه نیز احتیاطاً محرم به احرام حج تمتع شود، و سایر اعمال را به قصد ما في الذمه از حج تمتع یا افراد بجا آورد، و بعد يك عمره مفرده بجا آورد. و احوط اعاده حج است در سال آینده. و اگر بعد از

سعی  
جماع کند فقط يك شتر، كفاره بر او لازم است، و حج او صحیح است.

(مسأله ۴۸) اگر کسی در احرام حج جماع کند، اگر پیش از وقوف به عرفات و مشعر بوده حج او فاسد است، و باید آن را تمام کند، و در سال دیگر قضا آن را بجا آورد. و هم چنین است حکم، بنابر اشهر، اگر بعد از وقوف به عرفات و پیش از مشعر جماع کند، و باید در هر دو صورت تا تمام شدن مناسك حج بین ایشان جدائی باشد، یا شخص ثالثی نزد آنان باشد، و این حکم در سال بعد نیز که حج میکنند و به این محل میرسند در حق ایشان جاری است، و حکم زن، مثل حکم مرد است اگر راضی باشد، و اگر مرد، او را مجبور نموده حج زن صحیح است، و دو كفاره بر مرد است. و اگر بعد از وقوف عرفات و مشعر باشد در صورتی که پنج شوط از طواف نساء را بجا نیاورده باشد فقط كفاره بر او لازم است و حج او صحیح است، و بعد از

پنج شوط كفاره، بر او نيست اگر چه احوط است.  
(مسأله ۴۹) كفاره بوسيدن زن اگر از روى شهوت باشد  
يك شتر است، و اگر به غير شهوت نيز باشد، بنا بر احتياط  
واجب، يك شتر است.

(مسأله ۵۰) اگر محرم عمدا از روى شهوت به زن خود  
نگاه كند و منى از او بيرون آيد، يا زن خود را ببوسد، كفاره  
آن يك شتر است، و اگر به غير عيال خود نگاه كند و منى از  
او بيرون آيد، بنا بر احتياط واجب كفاره آن يك شتر است،  
و اگر نتواند، يك گاو و اگر آن را هم نتواند يك گوسفند كفاره  
بدهد.

سوم - آن كه، زنى را براى خودش يا براى شخص ديگر  
عقد كند، اگر چه آن شخص محرم نباشد، و عقد هم باطل  
است. و احتياط واجب آن است كه زن را خواستگارى هم  
نكند ولى رجوع به مطلقه رجعيه در عده مانعى ندارد.  
(مسأله ۵۱) كسى كه زنى را براى محرمى عقد كند، و

آن محرم به آن زن دخول کند، بر آن کسی که عقد کرد اگر چه محرم نباشد، و بر محرمی که دخول کرده، هر يك، يك شتر كفاره واجب است. و بر زن نیز اگر چه محل باشد و بداند که شوهرش محرم است همین كفاره لازم است. ولی اگر دخول واقع نشود بر هیچ يك كفاره نیست. چهارم - آن که شاهد عقد ازدواج شود، و اگر پیش از احرام شاهد شده است در حال احرام شهادت بر آن جایز نیست.

پنجم - استمناء است (استمناء به غیر ملاحظه با حلیله خود، در غیر حال احرام نیز حرام است) یعنی کارهایی که به سبب آنها منی از انسان خارج میشود، مثل ملاحظه با زن، بلکه با دست یا خیالات شهوت انگیز که منی از او بیرون آید، كفاره آن يك شتر است. و احوط آن است که این کارها را ترك کند، اگر چه سبب بیرون آمدن منی نشود. ششم - بوئیدن بوی خوش، مثل مشک و زعفران و

کافور و عود و عنبر، و نیز مالیدن آنها بر بدن و خوردن آن و پوشیدن لباسی که در آن بوی خوش باشد اگر اثرش باقی باشد حرام است و در صورت احتیاج به خوردن یا پوشیدن، باید بینی خود را بگیرد، و بنا بر احتیاط لازم، باید استعمال گلهای خوشبو را نیز ترك کند، و بنا بر احتیاط، از بوئیدن میوه های خوشبو، مثل سیب و به، خود داری کند، ولی خوردن آنها ضرر ندارد.

(مسأله ۵۲) چنانچه اتفاقاً از برابر دکانهای عطر فروشی عبور کند، بنا بر احتیاط لازم، بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

(مسأله ۵۳) احوط آن است که از بوهای خوش کعبه هم خود داری کند، ولی آنچه به غیر اختیار در حال طواف از بوی آن به شامه یا به لباس یا بدن مرسد ظاهراً اشکال ندارد، و گرفتن بینی یا شستن لباس و بدن واجب نیست.

(مسأله ۵۴) کفاره استعمال بوی خوش بنا بر احتیاط

واجب کشتن يك گوسفند است.  
(مسأله ۵۵) در حال احرام گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی از آن به تعجیل گذشتن حرام نیست.  
هفتم - پوشیدن چیز دوخته است، هر چند کوچک باشد، ولی بستن همیان پول به کمر عیبی ندارد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که طوری ببندد که بدون گره باشد و بستن فتق بند نیز، اگر ناچار باشد مانعی ندارد اگر چه دوخته باشد ولی بنا بر احتیاط مستحب، يك گوسفند کفاره دارد.

(مسأله ۵۶) احتیاط لازم آن است که به لباس احرام خصوصاً ردا، گره نزنند، و تکه در آن ندوزند و به چوب یا سوزن و سنجاق آن را به هم وصل ننمایند.  
(مسأله ۵۷) حرمت پوشیدن لباس دوخته مخصوص مردها است، پس جایز است زنها لباس دوخته بپوشند، ولی باید از پوشیدن قفازین که دستکش مخصوصی است

خود داری نمایند. (مسأله ۵۸) گذاردن سنگ در لای لباس احرام، و بستن و پیچیدن آن با نخ، بدون آن که گره بزند مانعی ندارد، به شرط آن که دو طرف رداء را روی یکدیگر نگذارند که مثل گریبان (یقه) شود، و جایز نیست رداء را سوراخ کند و سرش را از رداء بیرون آورد.

هشتم - سرمه کشیدن است به چیز سیاهی که اسباب زینت باشد اگر چه قصد زینت هم نداشته باشد. و احوط آن است که به چیزی که سیاه هم نباشد به قصد زینت خصوصا اگر بوی خوش داشته باشد سرمه نکشد. نهم - نگاه کردن در آینه برای محرم حرام است مگر در حال ضرورت، مثل راننده که گاهی از اوقات برای او ضرورت دارد، ولی نگاه کردن در آب صاف ضرر ندارد، اگر چه احتیاط مستحب ترك آن است، و هم چنین احتیاط مستحب ترك عینك زدن است.

دهم - از چیزهایی که بر مرد محرم حرام است پوشیدن چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند مثل چکمه و جوراب، و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خود داری کند، ولی بند نعلین که مقداری از روی پا را میپوشاند اشکال ندارد، و اگر محتاج شود به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند از جهت نداشتن نعلین، احوط شکافتن روی آنها است.

یازدهم - فسوق است - فسوق در غیر حال احرام نیز حرام است، و آن دروغ و فحش دادن است. و نیز حرام است عیبی را از خود دور و به دیگری نسبت دهد، یا صفت خوبی را برای خود بگوید، و آن را از دیگری سلب کند، بلکه احتیاط آن است که از هر سخن زشت و ناروایی در حال احرام خودداری کند.  
(مسأله ۵۹) دروغ و فحش دادن سبب فساد احرام



نمیشود، و کفاره آن استغفار است. و مستحب است صدقه دادن به چیزی، بلکه کشتن يك گاو، مستحب است. دوازدهم - جدال است، و آن قسم خوردن به گفتن (لا والله) یا گفتن (بلی والله) است، خواه راست باشد یا دروغ، و احتیاط واجب آن است که به غیر این دو لفظ هم قسم نخورد، و در موقع ناچاری که اثبات حق یا رد باطل به غیر آن نشود مانعی ندارد. و (آری والله) و (بله والله) و (نه والله) ملحق به آن است بنابر احتیاط لازم.

(مسأله ۶۰) اگر قسمی که خورده است راست باشد تا دو مرتبه کفاره ندارد و باید استغفار کند، و در مرتبه سوم، کفاره آن يك گوسفند است. و اما قسم دروغ در مرتبه اول، کفاره آن يك گوسفند، و در مرتبه دوم، يك گاو، و در مرتبه سوم، يك شتر است.

سیزدهم - کشتن شپش یا كك و کنه و مانند اینها است،

در بدن باشد یا در لباس. و هم چنین انداختن شپش و كك از بدن، بلکه آنها را از جای خودشان بجای دیگر - در صورتی که جای اول محفوظ تر باشد - نقل ندهند، و اما اگر جای اول محفوظ تر نیست، عوض کردن جای آنها مانعی ندارد. چهاردهم - به جهت زینت، انگشتر بدست کردن برای محرم حرام است، ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. و احتیاط آن است که از بستن حنا به قصد زینت، بلکه به غیر قصد زینت، در حال احرام و پیش از احرام، اگر اثرش تا حال احرام باقی ممانند خود داری کند. پانزدهم - پوشیدن زیور است برای زن به قصد زینت، ولی آنچه را عادت پوشیدن آن پیش از حال احرام داشته، لازم نیست بیرون بیاورد ولی نباید برای شوهرش یا مرد دیگر آن را نمایان سازد. شانزدهم - مالیدن روغن به بدن است، هر چند در آن

بوی خوش نباشد، و نیز پیش از احرام روغن مالیدن، اگر در آن بوی خوش باشد، و اثرش تا حال احرام باقی بماند جایز نیست.

(مسأله ۶۱) اگر در حال احرام ناچار شود از مالیدن روغن، در این صورت مالیدن آن، مانعی ندارد. هفدهم - ازاله کردن مو است از بدن خود، یا از بدن کس دیگر، اگر چه آن کس محرم نباشد، اگر چه يك مو باشد، ولی اگر ناچار باشد، مثل آن که برای رفع درد سر مو را بر طرف کند، یا آن که مو، چشم را اذیت کند، ازاله آن حرام نیست.

(مسأله ۶۲) کنده شدن مو در حال وضو یا غسل بدون قصد ضرر ندارد.

(مسأله ۶۳) کفاره تراشیدن سر، و ازاله، موی زیر هر دو بغل، بلکه زیر يك بغل، اگر ناچار شود، يك گوسفند، یا سه

روز روزه، یا صدقه دادن ده مد، بر ده مسکین است. و بعضی دوازده مد بر شش مسکین فرموده اند. و این مطابق با احتیاط است و ترك نشود، و اگر ناچار نشود بنا بر احتیاط واجب، كفاره کشتن گوسفند است. و هر گاه دست به سر یا به ریش خود بکشد، و يك مو یا دو مو بیفتد، احتیاطا يك مشت گندم یا جو و مانند اینها صدقه بدهد.

هیجدهم - آن که مرد، سر و گوش خود را بپوشاند، و احتیاط واجب آن است که گل و حنا به سر نمالد، و چیزی هم بر سر نگذارد، بلکه احتیاط مستحب این است که با دست نیز سر را نپوشاند.

(مسأله ۶۴) پوشیدن قسمتی از سر نیز حرام است، ولی گزاردن بند مشك آب بر سر مانعی ندارد، و پوشیده شدن مقداری از سر، یا تمام آن، بواسطه دستمالی که برای درد سر به سر میندد مانعی ندارد، لیکن يك گوسفند كفاره دارد، چنان که مذکور خواهد شد.

(مسأله ۶۵) در حال احرام، سر به زیر آب یا مایع دیگر فرو کردن، برای مرد جایز نیست، بلکه احتیاط برای زن نیز ترك آن است.

(مسأله ۶۶) پوشاندن صورت برای مردها جایز است.  
(مسأله ۶۷) كفاره پوشیدن سر، يك گوسفند است، اگر چه از روی ناچاری باشد، و احتیاط آن است که اگر بیش از يك بار سر را بپوشاند، برای هر بار جداگانه كفاره بدهد، خصوصا اگر بدون عذر باشد، و مخصوصا اگر مجلس آن هم متعدد شود.

نوزدهم - آن که زن، تمام یا قسمتی از صورت خود را با نقاب، یا چیز دیگر بپوشاند.

(مسأله ۶۸) اگر زن در موقع نماز، برای آن که یقین کند سر و گردن او پوشیده شده، مقداری از اطراف صورت را بپوشاند اشکال ندارد، ولی باید بعد از نماز فوراً آن مقدار را باز کند.

(مسأله ۶۹) جایز است به جهت رو گرفتن از نامحرم، مقداری از چادر یا چیز دیگری که به سر انداخته، تا محاذی چانه پائین بیندازد، لیکن احتیاط لازم این است که آن را بدست یا به چوب دور از صورت نگاهدارد، که مثل نقاب نشود، و در غیر این صورت يك گوسفند کفاره بر او لازم است.

بیستم - آن که مرد محرم، در روز در حال راه پیمودن، بالای سر خود سایه قرار دهد، چه سواره باشد و چه پیاده، و احتیاط مستحب آن است که در شب هم در حال راه پیمودن، برای خود سایه قرار ندهد.

(مسأله ۷۰) برای زن و بچه، بالای سر، سایه قرار دادن اشکال ندارد.

(مسأله ۷۱) احتیاط مستحب آن است که مرد محرم، در حال راه پیمودن، در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد.

(مسأله ۷۲) در وقت ناچاری، مثل شدت سرما یا گرما یا باران، در حال راه پیمائی، زیر سایه رفتن جایز است، ولی يك گوسفند كفاره آن بر او واجب میشود، و اما اگر در احرام عمره یا حج، مکرر سوار مرکب سقف دار شود و پیاده شود، به تکرار آن، كفاره تکرار نمیشود، بلی اگر هم در احرام عمره و هم در احرام حج سوار مرکب سقف دار شود، باید برای هر يك جداگانه كفاره بدهد. و احتیاط آن است که اگر بتواند برای هر روز يك گوسفند كفاره بدهد.

(مسأله ۷۳) مرد محرم، در وقتی که منزل میکند، زیر طاق و مانند آن برود، یا چتر به سر بگیرد اشکال ندارد، اگر چه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد، و نشسته نباشد، ولی احتیاط آن است که در وقت رفت و آمد در کارهای منزل هم، زیر سایه نباشد هر چند مراعات آن لازم نیست.

بیست و یکم - آن که از بدن خودش خون بیرون بیاورد،

هر چند به خراشاندن بدن یا مسواک کردن باشد، اگر بداند که این کارها سبب بیرون آمدن خون میشود، ولی در حال ناچاری مانعی ندارد، و کفاره آن بنا بر احوط و اولی یک گوسفند است.

(مسأله ۷۴) اگر از بدن شخص دیگر خون بیرون آورد، مثل این که رگ او را بزند اشکال ندارد.

بیست و دوم - ناخن گرفتن است، اگر چه مقدار کمی از یک ناخن باشد، و اما اگر ناچار باشد - مثل آن که مقداری از آن افتاده باشد، و باقی مانده، او را اذیت کند - گرفتن آن جایز است، و کفاره آن یک مد (تقریباً سه ربع کیلو) طعام است، مثل گندم یا جو و مانند اینها که باید به فقیر بدهد. و کفاره گرفتن تمام ناخن نیز یک مد است، و اگر تمام ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد، یک گوسفند لازم است، و اگر ناخن دستها را در یک مجلس، و پاهای را در مجلس دیگر بگیرد، دو گوسفند لازم است. و اگر شخصی



اشتباهها به محرمی بگوید: گرفتن ناخن در حال احرام اشکال ندارد، و آن محرم باور کند، و ناخن بگیرد و اتفاقاً خون بیفتد، باید کسی که مسأله را اشتباه گفته يك گوسفند كفاره بدهد، چه محرم باشد، و چه محل و چه مجتهد باشد یا نباشد.

بیست و سوم - کندن دندان است، هر چند خون نیاید، و كفاره آن بنا بر احتیاط، يك گوسفند است.

بیست و چهارم - کندن درخت و گیاهی است که در حرم روئیده باشد، ولی کندن درخت و گیاهی که در ملك خودش روئیده باشد مانعی ندارد.

(مسأله ۷۵) اگر محرم، درختی را که کندن آن در حال احرام حرام است بکند، جمعی فرموده اند: که اگر بزرگ باشد كفاره آن يك گاو و اگر كوچك باشد يك گوسفند است، و این قول مشهور است. و بعضی فرموده اند: قیمت آن را به فقیر بدهد. و ظاهر این است که اگر گاو یا گوسفند

را، به قصد ما في الذمه، از عین آنها یا قیمت درخت بدهد، و قیمت درخت بیشتر نباشد، کافی است. و اگر مقداری از يك درخت را بکند، باید به مقدار قیمت آن به فقیر بدهد. و اگر گیاهی را بکند، استغفار کند ولی کفاره ندارد. (مسأله ۷۶) کندن درخت یا گیاه حرم به تفصیلی که گفته شد برای کسی که محرم هم نیست حرام است، ولی جایز است حیوان خود را رها کند تا علف را بخورد، بدون آن که خودش به جهت او آن را قطع کند، چنانچه راه رفتن بطور متعارف، اگر موجب کندن شدن گیاه حرم شود مانعی ندارد.

بیست و پنجم - اسلحه و آلات حرب بر خود بستن است، و بعضی زره و خود و هر چه از وسائل دفاع باشد نیز جز سلاح شمرده، و پوشیدن آنها را حرام دانسته اند. (مسأله ۷۷) احتیاط واجب آن است که اسلحه را اگر نمایان باشد همراه بر ندارد، اگر چه به تن او نباشد.

محل ذبح كفاره

(مسأله ۷۸) محل ذبح یا نحر كفاره صید، اگر در احرام عمره باشد (مکه) است، و اگر در احرام حج باشد (منی) است. و بنا بر احتیاط، محل ذبح كفاره غیر صید نیز در احرام حج منی است، و در احرام عمره مکه است. ولی اگر متمکن از آن در مکه یا منی نشد یا فقیری که آن را به او صدقه بدهد نبود و یا به هر جهت دیگر ترك شد در وطنش ذبح کند، و به فقیر بدهد.

(مسأله ۷۹) از کارهایی که بر محرم حرام است، پانزده قسم آن كفاره دارد، لیکن در بعضی از آن اقسام كفاره بنا بر احتیاط است.

۱ - شکار.

- ۲ - عقد به شرط دخول.
- ۳ - استمناء.
- ۴ - جماع و بوسیدن زن.
- ۵ - استعمال بوی خوش.
- ۶ - پوشیدن چیز دوخته برای مرد.
- ۷ - جدال.
- ۸ - زایل کردن موی زیر بغل و تراشیدن سر (تراشیدن و زایل کردن موی زیر بغل غیر، کفاره ندارد، اگر چه حرام است).
- ۹ - پوشانیدن سر برای مرد.
- ۱۰ - پوشانیدن زن تمام یا قسمتی از صورت خود را.
- ۱۱ - سایه بالای سر قرار دادن برای مرد در حال سیر.
- ۱۲ - بیرون آوردن خون از بدن خود.
- ۱۳ - ناخن گرفتن.

۱۴ - کندن دندان.

۱۵ - کندن درخت و گیاه حرم.

و شرح هر يك به مقداری که در این رساله مناسب بود گفته شد.

(مسأله ۸۰) اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، یکی از کارهایی را که سبب کفاره میشود انجام دهد، کفاره بر او واجب نمیشود، مگر در شکار، و بعض موارد دیگر که حکم آن بعداً ذکر میشود که در صورت فراموشی و ندانستن مسأله نیز کفاره لازم میشود.

طواف عمره

(مسأله ۸۱) دانسته شد که دوم از اعمال واجب عمره تمتع، طواف خانه کعبه است. و پیش از بیان احکام آن، مستحبات داخل شدن به حرم، و مستحبات داخل شدن به مکه، و مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام را به تفصیل شرح مدهیم انشاء الله.

مستحبات داخل شدن به حرم

(مسأله ۸۲) بدان که مقداری از زمینهایی که از جهات چهار گانه محیط به مکه است، حرم میباشد، و طول و عرض آن هر يك چهار فرسخ است، لکن مسافت آن از تمام جهات به مکه مساوی نیست و علاماتی از طرف جده و عرفات، و سایر اطراف که وارد مکه میشوند نصب شده

است که معلوم است.

(مسأله ۸۳) مستحب است چون به حرم رسد، قبل از ورود به آن پیاده شود، و برای وارد شدن به حرم غسل کند، و پا را برهنه کند، و نعلین را در دست گیرد، و وارد حرم شود. و در حدیث است کسی که چنین کند برای تواضع و فروتنی نسبت به خداوند متعال، خداوند عالم، جل ذکره، محو کند از او صد هزار گناه، و بنویسد از برای او صد هزار حسنه، و صد هزار حاجت او را بر آورد، و مستحب است که در وقت وارد شدن به حرم، این دعا را بخواند:

اللهم انك قلت في كتابك وقولك الحق واذن في  
الناس بالحج يأتوك رجالا وعلى كل ضامر يأتين  
من كل فج عميق اللهم اني ارجوا ان اكون ممن  
اجاب دعوتك وقد جئت من شقة بعيدة وفج عميق  
سامعا لندائك ومستجيبا لك مطيعا لامرك وكل  
ذلك بفضلك علي واحسانك الي فلك الحمد على ما

وفقتني له ابتغي بذلك الزلفة عندك والقربة اليك  
والمنزلة لديك والمغفرة لذنوبي والتوبة علي  
منها بمنك اللهم صل على محمد وال محمد وحرّم  
بدني على النار وامني من عذابك وعقابك  
برحمتك يا ارحم الراحمين.

مستحبات داخل شدن به مکه معظمه  
بدان که مکه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمدی، و  
مشرق آفتاب هدایت اسلامی، و مهبط ملائکه مقربین، و  
محل بزرگترین و باشکوه ترین اجتماع مؤمنین و موحدین،  
و مکان نزول امطار رحمت و مغفرت، و آیات بینات الهی،  
و مقام ابراهیم خلیل است. و از این جهات و جهات بسیار  
دیگر، مخصوصا از جهت وجود بیت الله الحرام در آن،  
شرافت و حرمت آن بسیار است. کسی که وارد آن شهر  
مقدس میشود باید فضایل مشاهد بزرگ و شعائر اسلامی  
را که خداوند متعال مقرر داشته متوجه باشد، تا برای ادراک



برکات و فضایل آن اماکن مقدسه آماده شود، و نور حقیقت بر حال او ظاهر شده، و گناهانش آمرزیده، و عیوبش بر طرف شود، انشاء الله تعالی.  
انما سمیت مکة لا نها تمک الذنوب ای تزیلها کلها.

(مسأله ۸۴) مستحب است به جهت وارد شدن به مکه اگر ممکن شود غسل دیگر کند، و با آرامش دل و بدن با فروتنی و وقار وارد مکه شود، و چون وارد مکه شود از راه بالای مکه داخل شود از عقبه (کداه) که در شمال مکه است. و بعضی این حکم را مختص به کسانی دانسته اند که از راه مدینه میروند. و در موقع خروج، از عقبه (ذی طوی) که در جنوب مکه واقع است خارج شود.  
مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام  
(مسأله ۸۵) بنا به فرموده بعضی از علما، مستحب است غسل به جهت وارد شدن به مسجد الحرام. و

مستحب است که از در (بنی شبیه) که مقابل (باب السلام) است، و بواسطه توسعه مسجد در خود مسجد واقع شده است وارد شود. و در کمال خضوع و خشوع، و آرامش دل و بدن، در نزد آن بایستد و بگوید - چنان که در خبر صحیح است -:

السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته،  
بسم الله و بالله و من الله و ما شاء الله السلام على  
انبياء الله ورسله السلام على رسول الله، صلى الله  
عليه وآله. السلام على ابراهيم خليل الله، والحمد  
لله رب العالمين.

و در روایت دیگر وارد است که مگوید:  
بسم الله و بالله و من الله والى الله و ما شاء الله وعلى ملة  
رسول الله، صلى الله عليه وآله، وخير الاسماء لله والحمد  
لله والسلام على رسول الله، السلام على محمد بن  
عبد الله، السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته

السلام على انبيأ الله ورسله، السلام على ابراهيم خليل الرحمن، السلام على المرسلين، والحمد لله رب العالمين السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين.

اللهم صل على محمد وآل محمد، وبارك على محمد وآل محمد، وارحم محمدا وآل محمد، كما صليت وباركت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم، إنك حميد مجيد.

اللهم صل على محمد وآل محمد عبدك ورسولك، اللهم صل على إبراهيم خليلك وعلى أنبيأك ورسلك وسلم عليهم، وسلام على المرسلين، والحمد لله رب العالمين.

اللهم افتح لي أبواب رحمتك، واستعملني في طاعتك ومرضاتك واحفظني بحفظ الايمان ابدًا ما ابقيتني، جل ثناء وجهك، الحمد لله الذي جعلني من وفده وزواره، وجعلني ممن يعمر مساجده وجعلني ممن ينجيه.

اللهم إني عبدك وزائر في بيتك، وعلى كل مأتي حق  
لمن اتاه وزاره، وانت خير مأتي واكرم مزور، فاسألك يا  
الله يا رحمن بانك انت الله لا اله الا انت، وحدك لا شريك  
لك، بانك واحد احد صمد، لم تلد ولم تولد ولم يكن له (لك  
خ ل) كفوا احد، وان محمدا عبدك ورسولك صلى الله  
عليه وعلى اهل بيته، يا جواد يا كريم يا ماجد يا جبار يا  
كريم، اسألك ان تجعل تحفتك اياي بزيارتي اياك اول  
شبي تعطيني فكاك رقبتني من النار.

پس سه مرتبه مگوئی:

اللهم فك رقبتني من النار.

پس مگوئی:

واوسع علي من رزقك الحلال الطيب، وادراً

عني شر شياطين الجن والانس وشر فسقة

العرب والعجم.

پس داخل مسجد مشوی ومی گوئی:  
بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله  
عليه وآله.

پس دستها را بردار وروی به کعبه معظمه کن و بگو:  
اللهم إني أسألك في مقامي هذا، وفي أول  
مناسكي ان تقبل توبتي، وان تجاوز عن خطيئتي  
و ان تضع عني وزري، الحمد لله الذي بلغني بيته  
الحرام، اللهم إني اشهد ان هذا بيتك الحرام الذي  
جعلته مثابة للناس وامنا مباركاً وهدى للعالمين،  
اللهم العبد عبدك، والبلد بلدك، والبيت بيتك، جئت  
اطلب رحمتك واؤم طاعتك، مطيعاً لامرك، راضياً  
بقدرك، أسألك مسألة الفقير اليك الخائف من  
عقوبتك اللهم افتح لي ابواب رحمتك، واستعملني  
بطاعتك ومرضاتك.  
پس خطاب به کعبه کن و بگو:

الحمد لله الذي عظمك وشرفك وكرمك و  
جعلك مثابة للناس وامنا مباركا وهدى للعالمين.  
وچون نظر بر حجر الاسود افتد رو بسوى او كن وبگو:  
الحمد لله الذي هداانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا  
ان هداانا الله، سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله  
والله اكبر، الله اكبر من خلقه، والله اكبر مما اخشى  
واحذر، لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله  
الحمد، يحيي ويميت، ويميت ويحيي وهو حي لا  
يموت بيده الخير، وهو على كل شي قدير.  
اللهم صل على محمد وآل محمد، وبارك على  
محمد وآله، ما صليت وباركت وترحمت على  
ابراهيم وآل ابراهيم، إنك حميد مجيد، وسلام  
على جميع النبيين والمرسلين، والحمد لله رب  
العالمين، اللهم إني أومن بوعدك، واصدق رسلك،  
واتبع كتابك.

پس به تائی روانه شو و گامها را کوتاه بگذار از ترس  
عذاب خدا پس چون به نزدیک حجر الاسود رسیدی  
دستها را بردار و حمد و ثنای الهی بجا آور و صلوات بر  
محمد و آل محمد فرست و بگو:  
اللهم تقبل مني.

پس دست و رو و بدن را به حجر الاسود ممالی - و  
مبوسی آن را و اگر نتوانستی بیوسی دست به مال و اگر  
نتوانی دست را بمالی اشاره کن و بگو:  
اللهم امانتي اديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد  
لي بالموافاة، اللهم تصديقا بكتابك وعلى سنة  
نبيك صلواتك عليه وآله، اشهد ان لا اله الا الله  
وحده لا شريك له، وان محمدا عبده ورسوله،  
امنت بالله، و كفرت بالجبت والطاغوت واللات  
والعزى، وعبادة الشيطان وعبادة كل ند يدعى  
من دون الله.

و اگر نتوانستی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:  
اللهم اليك بسطت يدي، وفيما عندك عظمت  
رغبتني، فاقبل سبحتي، واغفر لي وارحمني، اللهم  
إني اعوذ بك من الكفر والفقير ومواقف الخزي في  
الدنيا و الاخرة.  
و بعد از آن شروع به طواف كن.



احکام طواف عمره تمتع  
(مسأله ۸۶) کسی که وظیفه او عمره تمتع است بعد از احرام، و وارد شدن به مکه معظمه، واجب است هفت (شوط) طواف کند. یعنی هفت مرتبه دور کعبه بگردد، که آن را طواف عمره تمتع مگویند.

(مسأله ۸۷) طواف رکن عمره است، یعنی اگر کسی عمدا طواف را ترك کند و وقتش بگذرد عمره او باطل است، چه عالم باشد چه جاهل، چه تمام طواف را ترك کند چه بعضی آن را، و موقعی وقت آن مگذرد، که نتواند پیش از وقوف به عرفات آن را بجا آورد، که در این حال چون بعید نیست که احرام او نیز باطل شده باشد بنا بر احتیاط واجب به میقات برود و اگر بواسطه تنگی وقت متمکن از رفتن به میقات نیست هر مقدار میتواند به طرف

میقات برود و رجاء محرم به احرام حج افراد شود و به عرفات برود. و کارهای حج را انجام دهد، و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد، در سال دیگر نیز باید حج خود را بجا آورد. ولی کسی که حج تمتع او بواسطه عذری - چنان که گفته خواهد شد - بدل به افراد شود، بعد از تمام کردن حج افراد و بجا آوردن عمره مفرده به تکلیف خود عمل کرده، و دیگر در سال بعد حج بر او لازم نیست.

(مسأله ۸۸) اگر کسی طواف را فراموش کند باید هر وقت بنخاطرش آمد آن را انجام دهد، و اگر بعد از رفتن به شهرش یادش آمد، و برگشتن برای او ممکن نباشد یا دشوار باشد، نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز آن را بجا آورد.

(مسأله ۸۹) کسی که طواف را فراموش کرده و سعی را بجا آورده باشد، بنابر احتیاط لازم باید خود یا نایبی که از طرف او طواف را بجا آورده، سعی هم بنماید.

(مسأله ۹۰) اگر مریض نمیتواند طواف کند، او را بطوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود، و اگر ممکن نشود او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند، و اگر هیچ گونه ممکن نشود نایب بگیرد که از برای او طواف کند.

شرایط طواف

در طواف پنج چیز شرط است.

شرط اول - آن که با طهارت باشد، پس محدث به حدث اکبر یا اصغر، طواف واجب او باطل است، اگر چه از روی فراموشی یا جهل به حکم باشد.

(مسأله ۹۱) اگر در وقتی که مشغول طواف است وضوء یا غسل او بی اختیار باطل شود، یا عذر دیگری برایش پیدا شود که نتواند طواف را تمام کند، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده است، از همانجا طواف را رها کند، و بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از همانجا که

رها کرده تمام نماید، و اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده، اگر به سه شوط و نیم نرسیده طواف او باطل است، و باید بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد، و اگر به سه شوط و نیم رسیده و شوط چهارم را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از وضو یا غسل یا بعد از بر طرف شدن عذر، باقی مانده را از همانجا که رها کرده تمام کند، و دو رکعت نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف کند و دو رکعت دیگر نماز طواف را نیز بجا آورد.

(مسأله ۹۲) کسی که قبل از طواف، یا در بین طواف قبل از تمام شدن هفت شوط شك کند که غسل کرده یا وضو گرفته یا نه، یا بداند که حدثی از او صادر شده و غسل یا وضو هم گرفته، ولی نداند کدام جلوتر بوده باید غسل کند یا وضوء بگیرد. و بعد، طواف را از سر بگیرد. و اگر بعد از طواف شك نماید اعتنا به آن شك نکند. و کسی که شك

کند که وضوء یا غسلش باطل شده یا نه به آن شك اعتنا نکند، و طواف را بجا آورد، چه قبل از طواف باشد، و چه در بین، و چه بعد از طواف.

(مسأله ۹۳) اگر کسی بواسطه عذری نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش بر طرف شود. و اگر عذرش تا تنگی وقت بر طرف نشود، باید برای طواف بدل از غسل یا وضو تیمم کند، بطوری که در تیمم نماز عمل میکند. و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده بعد از آن که خودش طواف را بجا آورد احتیاطاً نایب هم بگیرد.

(مسأله ۹۴) اگر آب برای وضو یا غسل، و چیزی که به آن تیمم کند نباشد، و مایوس از تحصیل آنها باشد، باید نایب بگیرد. و احتیاط واجب آن است که اگر جنب نباشد یا غسل حیض و نفاس بر او نباشد خودش نیز طواف کند، و الا رفتن در مسجد الحرام بر او حرام است.

(مسأله ۹۵) زن حائض بعد از پاك شدن و قبل از غسل، حكم او حكم جنب است، در وجوب غسل با امكان، و تیمم با عدم امكان غسل، و اگر در تمام مدتی که در مکه است پاك نشود، باید برای هر طواف و نماز آن نائِب بگیرد، و خودش طواف نکند. ولی سایر اعمال را خودش بجا آورد.

شرط دوم - طواف پاك بودن بدن و لباس است، بطوری که در نماز شرط شده است، بلکه احتیاط واجب آن است که در صورت امكان، با خون کمتر از درهم و خون زخم و جراحت که در نماز عفو شده نیز طواف نکند، و برای طواف، آن را بر طرف نماید، و تطهیر کند و اگر بر طرف کردن و تطهیر آن ممکن نیست، احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نائِب بگیرد تا برای او طواف نماید. ولی در وسعت وقت به احتیاط واجب تأخیر طواف با امكان تطهیر لازم است.

(مسأله ۹۶) اگر بعد از طواف بفهمد که لباس یا بدنش نجس بوده طوافش صحیح است. و اگر فراموش کرد و با بدن یا لباس نجس طواف کرد، احتیاط لازم آن است که طواف را دوباره بجا آورد.

(مسأله ۹۷) اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود، یا بفهمد که از پیش نجس بوده، و بدون رها کردن طواف شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید. و اگر چهار دور یا بیشتر طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس، طواف را تمام کند. و اگر به سه دور و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد. و اگر از سه دور و نیم گذشته، و چهار دور را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند، و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را بجا آورد.

شرط سوم - آن است که مرد طواف کننده ختنه شده

باشد. پس اگر ختنه نکرده باشد طواف او باطل است، و بنا بر این، طواف نساء از مرد غیر مختون باطل است، و بنا بر احتیاط لازم بچه ای که ختنه نشده اگر طواف نساء کند یا او را طواف دهند، طوافش باطل خواهد بود و بعد از ختنه تا خودش یا نایش از طرف او طوافهایی را که بر ذمه دارد بجا نیاورد، زن بر او حلال نخواهد شد.

شرط چهارم - پوشانیدن عورت است با چیزی که مباح باشد، و غصبی نباشد. بلکه احتیاط آن است که در آن تمام شرایط لباس نماز گزار رعایت شود.

شرط پنجم - آن است که نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند عالم هفت دور طواف خانه کعبه انجام مدهم طواف عمره تمتع حجة الاسلام.

واجبات طواف

واجبات طواف هفت چیز است.

اول و دوم - آن است که طواف را در هر دور از حجر



الاسود شروع کند و به حجر الاسود تمام کند. و برای این که یقین نماید در هر دور، ابتدا به جزء اول حجر نموده و به جزء اول تمام کرده، در طواف اول باید کمی پیش از رسیدن به حجر الاسود نیت کند، و قصد نماید که ابتدا در هر دور از محاذی اولین جز حجر باشد، و انتهای آن همان موضعی که واقعا انتهای دور است باشد، و با همین نیت هفت دور طواف کند.

سوم - آن که طوری طواف کند که در تمام مدتی که به طواف مشغول است خانه کعبه طرف دست چپ او باشد پس اگر در بین طواف رو به خانه کعبه کند برای بوسیدن ارکان یا جهت دیگر، یا آن که بواسطه زیادی جمعیت پشت به خانه یا روی به خانه کند، آن مقدار جز طواف محسوب نمیشود، و باید برگردد و آن مقدار را بطوری که خانه کعبه به طرف دست چپش باشد بجا آورد، و اگر نمیتواند برگردد آن موضع را نشان کند، و بدون نیت دور بزند تا به آن موضع

که رسید از آنجا قصد طواف کند، و طواف را تمام کند. (مسأله ۹۸) برای این که در تمام احوال طواف، شانه چپ، مقابل خانه کعبه باشد دستور داده اند بهتر این است که وقتی از (حجر الاسود) گذشت، پیش از رسیدن به در (حجر اسماعیل) کمی بدن را به طرف چپ خود کج کند، و پیش از رسیدن به در دیگر حجر اسماعیل نیز قدری بدن را به طرف راست کج کند، تا شانه چپ از خانه رد نشود، و مقابل هر رکنی که مرسد به همین دستور عمل کند، ولی رعایت این دقت ها لازم نیست، و همین که بطور متعارف هفت شوط را انجام دهد کافی است.

چهارم - آن است که حجر حضرت اسماعیل (علیه السلام) را که مدفن مادر آن حضرت، بلکه مدفن بسیاری از انبیاء علی نبینا وآله وعلیهم السلام است، در طواف خود داخل کند، یعنی در خارج حجر طواف کند، و داخل آن نشود، و چنانچه از داخل حجر طواف نماید، آن دور از

طواف او باطل مشود، و اعاده آن از موضعی که داخل حجر شده کافی نیست، بلکه باید آن دور را از سر بگیرد، و اگر اعاده نکند طواف او باطل است و در این جهت فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

و با اعاده چون احتمال باطل شدن اصل طواف نیز مرود، احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز، دو باره طواف کند، و نماز آن را بخواند.

پنجم - آن که در حال طواف بیشتر از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود (ذراع از آرنج است تا سر انگشتان) پس اگر در بین طواف بیشتر از این مقدار از خانه دور شود، باید آن مقدار را که دور بوده از طواف حساب نکند، و دوباره بطور صحیح بجا آورد، ولی اگر چاره ای از طواف در خارج از این فاصله نباشد طواف در دور تر از این فاصله به شرط صدق طواف و رعایت نزدیکی ممکن اشکال ندارد.

ششم - آن که در حال طواف از خانه و آنچه از خانه حساب میشود خارج باشد، پس اگر روی سکوی اطراف خانه که آن را (شاذروان) گویند راه برود، آن مقدار از طواف که بر روی آن سکو راه رفته باطل است، و باید آن مقدار را بطور صحیح دوباره بجا آورد، و طواف را تمام و بعد از خواندن نماز طواف دوباره آن را با نمازش، احتیاطاً اعاده نماید، و هم چنین اگر در اثنا طواف روی حجر اسماعیل برود بلکه احتیاط آن است که در بین طواف روی شاذروان برای دست مالیدن به رکن ها یا غیر آن، دست درازا نکند و نیز دست را روی دیوار حجر نگذارد تا این که در تمام طواف، تمام بدن او از خانه و حجر خارج باشد.

هفتم - آن که هفت شوط یعنی هفت دور طواف کند و آن را کم و زیاد نکند.

(مسأله ۹۹) اگر عمداً يك شوط یا بیشتر کم کند، واجب است آن را تمام کند در صورتی که کاری که موالات

و پی در پی بودن طواف را به هم میزنند انجام نداده باشد، و اگر تمام نکند تا موالات به هم بخورد، در حکم ترك طواف است پس اگر وقت باقی است باید طواف را عاده کند و اگر وقت گذشته حکم مسأله ۸۷ را دارد که گذشت. (مسأله ۱۰۰) اگر سهوا کمتر از هفت دور طواف کند، پس اگر از سه دور و نیم نگذشته، باید طواف را از سر بگیرد، و اگر از سه دور و نیم گذشته، و فقط يك دور کم کرده آن را تمام کند، و اگر بیشتر از يك دور کم کرده بنا بر احتیاط لازم آن را تمام کند، و نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف و نماز آن را بجا آورد، ولی در طواف مستحب تمام کردن کافی است.

(مسأله ۱۰۱) اگر عمدا يك دور یا بیشتر از يك دور زیاد کند به قصد آن که جزء طواف دیگر باشد قرآن (جمع) بین طوافین است که در طواف مستحب مکروه، و در طواف واجب، حرام است. بلکه بنا بر احتیاط لازم سبب

باطل شدن طواف مشهود، چه آن که از اول طواف، این قصد را کرده باشد یا در بین یا در آخر، و اگر به قصد لغویت آن را بجا آورده باشد ضرری به طواف نمیزند، و اگر به قصد آن که جزء طواف اول باشد بجا آورد پس اگر از ابتدای طواف قصد داشته، بی اشکال طوافش باطل است، و اگر در بین طواف قصد کند از همان وقت باطل میشود، و اگر در آخر طواف قصد کند، مشهور فرموده اند: طوافش باطل است، ولی احتیاط این است که نماز را بخواند و بعد طواف را با نماز آن اعاده نماید.

(مسأله ۱۰۲) اگر از روی فراموشی بر هفت شوط زیاد کند، پس اگر کمتر از يك دور است آن را رها کند، و طواف او صحیح است، و اگر يك شوط یا بیشتر زیاد کند طواف واجب او صحیح است، و مستحب است که آنچه را زیاد کرده به قصد قربت مطلقه به هفت دور برساند، و در این صورت احوط آن است که يك نماز طواف پیش از سعی،

جهت طواف واجب، و يك نماز طواف بعد از سعی، جهت طواف مستحب، بجا آورد، و بهتر آن است که بعد از عمل به این احتیاط، اصل طواف و نماز آن را دوباره قبل از سعی بجا آورد.

(مسأله ۱۰۳) کسی که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند، و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه مراجعت نماید، و آنچه را فراموش کرده بجا آورد، واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند، و نماز طواف بخواند و بنا بر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنا بر احتیاط واجب (هدی) بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد، و در مواردی که گفته شد باید وجوبا یا احتیاطا بعد از اتمام و نماز طواف، اعاده نماید، نایب نیز به همان شرح عمل کند. (مسأله ۱۰۴) اگر بعد از طواف، در عدد دورهای آن شك کند، به آن شك اعتنا نکند، و اگر در آخر یکی از

دورها شك كند كه آن شوط هفتم بوده يا هشتم، بنا گذارد كه دور هفتم بوده است، و اگر در بين شوطي شك كند كه هفتم است يا هشتم، احوط بجا آوردن نماز طواف و اعاده طواف با نماز آن است.

(مسأله ۱۰۵) اگر يقين داشته باشد كه بيشتر از هفت شوط طواف نكرده، و شك در عدد آن كند، و جوب از سر گرفتن طواف، خالی از قوت نيست، و احتياط آن است كه بنا را بر اقل گذارد. و تمام كند، و نماز طواف بخواند، و بعد طواف را از سر بگيرد.

(مسأله ۱۰۶) اگر ازدحام جمعيت، انسان را مقداری در طواف جلو ببرد، در صورتی كه به کلی از اختيار او خارج نشود و قصد طواف داشته باشد اشكال ندارد.

(مسأله ۱۰۷) طواف و سعی بوسیله چرخهایی كه اخيرا معمول شده، يا نشستن در طبقها، يا سوار شدن بر



دوش دیگران اشکال ندارد، و اگر با پای خود برود ثواب آن زیادتر است.

مستحبات و مکروهات طواف

(مسأله ۱۰۸) مستحب است که در حال طواف سر برهنه و پا برهنه، و مشغول دعاً و ذکر خدا باشد، و حرف بیهوده نزنند، و کارهایی که در نماز مکروه است انجام ندهند، و گامها را کوچک بردارد، به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده، که هر کس طواف خانه کعبه کند در وقت زوال با سر برهنه، و گامها را تنگ بردارد، و چشم خود را از نامحرم و عورت بپوشاند، و دست یا بدنش را در هر شوطی به حجر الاسود بمالد، بدون آن که به کسی آزار رساند و ذکر خدا را از زبان نیندازد، خدای تعالی بنویسد برای او به عدد هر گامی هفتاد هزار حسنه، و محو کند از او هفتاد هزار گناه، و بلند گرداند از برای او هفتاد هزار درجه، و بنویسد از برای او ثواب آزاد کردن

هفتاد هزار بنده، که بهای هر يك ده هزار درهم باشد، و او را شفیع سازد در هفتاد هزار كس از اهل بیت او، و بر آورد از برای او هفتاد هزار حاجت، که اگر خواهد در دنیا به او رساند، و اگر خواهد در آخرت، و مستحب است که در حال طواف این دعا را بخواند:

اللهم إني أسألك باسمك الذي يمشى به على  
طلل الماء، كما يمشى به على جدد الارض،  
وأسألك باسمك الذي يهتز له عرشك، وأسألك  
باسمك الذي تهتز له اقدام ملائكتك وأسألك  
باسمك الذي دعاك به موسى من جانب الطور،  
فاستجبت له والقيت عليه محبة منك، وأسألك  
باسمك الذي غفرت به لمحمد صلى الله عليه وآله  
ما تقدم من ذنبه وما تأخر، وأتممت عليه نعمتك  
أن تفعل بي (كذا وكذا).

و حاجت خود را بطلبید، و سنت است که در حال طواف  
نیز بگوید:

اللهم إني اليك فقير وإني خائف مستجير، فلا  
تبدل اسمي، ولا تغير جسمي.  
و در هر شوط که به در خانه کعبه رسد صلوات بر محمد  
و آل محمد بفرستد و این دعا را بخواند:  
سائلك فقيرك مسكينك ببابك، فتصدق عليه  
بالجنة، اللهم البيت بيتك والحرم حرمك، والعبد  
عبدك، وهذا مقام العائذ المستجير بك من النار،  
فاعتقني ووالدي واهلي وولدي واخواني  
المؤمنين من النار، يا جواد يا كريم.  
و چون به حجر حضرت اسماعیل علی نبینا وآله و علیه  
السلام برسد نگاه به ناودان طلا کند و بگوید:  
اللهم أدخلني الجنة برحمتك، وأجرني

برحمتك من النار، وعافني من السقم، وأوسع  
علي من الرزق الحلال، وادرا عني شر فسقة الجن  
و الانس، وشر فسقة العرب والعجم.  
و چون از حجر بگذرد و به پشت كعبه برسد بگوید:  
يا ذا المن والطول، يا ذا الجود والكرم، إن  
عملي ضعيف فضاعفه وتقبله مني انك أنت  
السميع العليم.  
و چون به ركن يمانی برسد دست بر دارد و بگوید:  
يا الله يا ولي العافية، وخالق العافية، ورازق  
العافية، والمنعم بالعافية، والمتفضل بالعافية  
علي وعلى جميع خلقك، يا رحمن الدنيا والاخرة  
ورحيمهما صل على محمد وآل محمد وارزقنا  
العافية وتمام العافية، وشكر العافية في الدنيا  
والاخرة، يا ارحم الراحمين.

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:  
الحمد لله الذي شرفك وعظمتك، والحمد لله  
الذي بعث محمدا نبيا وجعل عليا اماما اللهم اهد له  
خيار خلقك، و جنبه شرار خلقك.  
و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:  
ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة  
وقنا عذاب النار.

و چون در شوط هفتم به مستجار رسد - و آن پشت کعبه  
است - نزدیک به رکن یمانی برابر در خانه بایستد، و دستها  
را بگشاید رو به خانه، و روی خود و شکم خود را برساند  
به کعبه و بگوید:

اللهم البيت بيتك، والعبد عبدك، وهذا مقام  
العائد بك من النار، اللهم من قبلك الروح والفرج  
والعافية اللهم ان عملي ضعيف فضاعفه لي،

واغفر لي ما اطلعت عليه مني وخفي على خلقك،  
استجير بالله من النار.

و بگويد:

اللهم ان عندي افواجا من ذنوب، وافواجا من  
خطايا، وعندك افواج من رحمة، وافواج من  
مغفرة يا من استجاب لا بغض خلقه اذ قال  
انظرني إلى يوم يبعثون، استجب لي.

پس حاجت خود را بطلبید، و دعا بسیار بکند و اقرار  
گناهان خود هر چه داند مفصلاً بکند، و هر چه را به خاطر  
نداشته باشد مجملأ اقرار کند، و طلب آمرزش کند که البته  
آمرزیده میشود، انشأ الله تعالى. پس چون به حجر  
الاسود رسد بگوید:

اللهم قنعي بما رزقتني، وبارك لي فيما  
آتيتني.

و مبادید کمال ملاحظه را بکنند در هر مرتبه که مرود حجر را بیوسد، و اگر نتواند بیوسد، استلام کند، و اگر استلام، باعث زحمت باشد از دور اشاره کند، و هم چنین مستحب است استلام سایر ارکان، و هم چنین مستحب است که خود را به مستجار بمالد، و آن جا را نشان کند، و چون این اعمال را بجا آورد باز بجای خود رود، و از آنجا به طواف ادامه دهد، تا زیاده و کم، در طواف حاصل نشود.

نماز طواف

(مسأله ۱۰۹) واجب است بعد از هر طواف واجب، دو رکعت نماز مثل نماز صبح، به نیت نماز طواف در نزد مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) بجا آورد، جهرا یا اخفاتا، و احتیاط آن است که نماز را بعد از طواف فورا بخواند، و نیز احتیاط آن است که نماز را در پشت مقام بخواند - یعنی طوری بایستد که سنگی که نشانه پای حضرت ابراهیم (علیه السلام) بر آن است روبروی او

باشد - و اما اگر به علت زیادی جمعیت نتواند در جائی بایستد که عرفاً بگویند پشت مقام ایستاده است، باید در یکی از دو طرف مقام بایستد، و نماز بخواند، و اگر آن هم ممکن نباشد در هر جائی از مسجد که به پشت مقام و دو طرف آن نزدیکتر است نماز را بخواند، و بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند رجأاً.

(مسأله ۱۱۰) نماز طواف مستحب را میتوان در هر جای از مسجد بجا آورد، بلکه بعضی فرموده اند که ترك آن عمداً جایز است لیکن سزاوار نیست ترك کند.

(مسأله ۱۱۱) اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کرد، هر وقت بیادش آمد باید در پشت مقام به تقصیلی که در مسأله قبل ذکر شد بجا آورد، و اگر سعی و کارهای دیگر را بجا آورده، لازم نیست دوباره بجا آورد، اگر چه احوط است.

(مسأله ۱۱۲) بنابر آن که ترتیب، در بین نماز طواف و



کارهای بعد از آن معتبر باشد، بعضی فرموده اند: که کسی که واجبات نماز مثل قرائت و غیر آن را نداند عمره او باطل است، و از حجة الاسلام بری الذمه نخواهد شد، پس علاوه بر آن که برای نمازهای واجب دیگر لازم است انسان قرائت صحیح و احکام واجبه نماز را بیاموزد، در وقتی که اراده حج دارد نیز باید قرائت خود را صحیح نماید، و واجبات نماز را یاد بگیرد، و اگر ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند، ولی اکتفا به آن اشکال دارد، و واجب است بطور فرادی نیز بخواند، و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است.

(مسأله ۱۱۳) کسی که نماز طواف را فراموش کرده است، باید برگردد پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن به مسجد برایش دشوار باشد، میتواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد، و بهتر آن

است که نایب هم بگیرد تا پشت مقام برای او بجا آورد.  
(مسأله ۱۱۴) اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند و پیش از بجا آوردن آن بمیرد، باید پسر بزرگتر، قضای آن را بجا آورد، مثل سایر نمازهایی که از میت فوت شده. مستحبات نماز طواف

مستحب است که در رکعت اول نماز طواف، بعد از حمد سوره (قل هو الله احد) و در رکعت دوم بعد از حمد سوره (قل یا ایها الکافرون) بخواند، و چون از نماز فارغ شود حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات بفرستد و بگوید:

اللهم تقبل مني، ولا تجعله آخر العهد مني،  
الحمد لله بمحامده كلها على نعمأه كلها، حتى  
ينتهي الحمد إلى ما يحب ويرضى، اللهم صل على  
محمد وآله، وتقبل مني، وطهر قلبي، وزك عملي.

و در بعضی از روایات وارد است که بگوید:  
اللهم ارحمني بطاعتك اياك، وطاعة رسولك  
صلى الله عليه واله وسلم، اللهم جنبني ان اتعدى  
حدودك، واجعلني ممن يحبك ويحب رسولك  
صلى الله عليه واله وملائكتك وعبادك الصالحين.  
پس به سجده رود و بگوید:  
سجد لك وجهي تعبدا ورقا، لا اله الا انت حقا  
حقا، الاول قبل كل شي والاخر بعد كل شي وها  
انا ذاببن يديك ناصيتي بيدك، فاغفر لي، انه لا  
يغفر الذنب العظيم غيرك، فاغفر لي، فإني مقر  
بذنوبي على نفسي، ولا يدفع الذنب العظيم غيرك.

سعی  
(مسأله ۱۱۵) بعد از نماز طواف، واجب است هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی نماید، یعنی از ابتداء صفا پیاده یا سواره یا بر دوش کسی به مروه برود، و این يك مرتبه حساب میشود، و از مروه به صفا برگردد، که با رسیدن به صفا دو مرتبه سعی کرده است، پس به هر رفتن از صفا به مروه و برگشتن، دو سعی حاصل میشود و به این ترتیب سعی را بجا آورد، و سعی هفتم در مروه تمام میشود.  
(مسأله ۱۱۶) سعی مثل طواف، رکن است. و اگر کسی آن را عمدًا یا از جهت ندانستن مسأله ترك کرده باشد، چنانچه قبل از وقوف به عرفات متوجه شود و می تواند سعی و تقصیر را بجای آورد، باید تدارك نماید، و اگر وقت گذشته، احتیاطًا حج افراد یا عمره مفرده بجای آورد، و

چون احتمال مرود که احرام او نیز باطل شده باشد، چنانچه وقت برای رفتن به میقات تنگ نیست، به میقات برود و رجاء محرم به احرام حج افراد شود و اگر وقت تنگ است هر مقدار که میتواند به طرف میقات برود و محرم شود. لیکن به این حج اکتفا نکند و سال بعد حج تمتع بجا آورد، هر چند مستطیع نباشد.

(مسأله ۱۱۷) در سعی، وضو و غسل و پاك بودن بدن و لباس شرط نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که با غسل یا وضو باشد.

واجبات سعی

(مسأله ۱۱۸) هشت چیز در سعی واجب است:

اول - نیت است: پس اگر سعی او برای عمره تمتع است، چنین نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم هفت مرتبه سعی عمره تمتع حجة الاسلام را بین صفا و مروه بجا ماورم، و مستحب است نیت را به زبان بیاورد،

و باید پیش از شروع به سعی نیت کند که از اول جزء آن با نیت باشد.

دوم و سوم - آن است که سعی را از صفا ابتداء و به مروه تمام کند. و احتیاط آن است که برای تحصیل اطمینان قدری از تلی که در جانب صفا و مروه است بالا رود، و از آنجا شروع و به آنجا ختم کند.

چهارم - آن است که هفت مرتبه سعی کند، نه کمتر و نه بیشتر.

(مسأله ۱۱۹) اگر عمدا بیشتر از هفت بار سعی کند

سعیش باطل میشود، و اگر از جهت ندانستن مسأله یا فراموشی، زیاد کند سعیش صحیح است.

(مسأله ۱۲۰) اگر سعی را فراموش کرده و یا سهوا از

هفت مرتبه کمتر بجا آورد، باید هر وقت بیادش آمد تمام یا بقیه آن را انجام دهد، و اگر از مکه بیرون رفته، اگر چه به وطنش رسیده باشد، باید برگردد و آن را بجا آورد. و اگر

نتواند برگردد باید نایب بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که اگر چهار مرتبه سعی نکرده، بعد از اتمام اول، آن را از سر بگیرد.

(مسأله ۱۲۱) کسی که سهوا از هفت مرتبه کمتر سعی کند، آنچه بر او به سبب احرام حرام شده، تا بقیه سعیش را انجام ندهد حلال نمیشود، و اگر به خیال آن که محل شده با زن نزدیکی کند، يك بقره كفاره دارد بنابر احوط، و همچنین است اگر ناخن بگیرد.

(مسأله ۱۲۲) اگر کسی که سعی را فراموش کند و یادش نیاید، تا به شهر خودش برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه برگردد باید نایب بگیرد و اگر قبل از انجام سعی با زن نزدیکی کرده باشد باید كفاره بدهد. و اگر (تقلیم اظفار) نماید باید بنابر احتیاط كفاره بدهد.

(مسأله ۱۲۳) اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شك در عدد آن کند، به آن شك اعتنا نکند، و سعیش صحیح

است، لیکن اگر احتمال مدهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده است، احتیاط آن است که دوباره سعی کند. (مسأله ۱۲۴) اگر در بین آن که مشغول سعی است و در مروه میباشد شك کند که هفت بار سعی کرده یا بیشتر، به شكش اعتنا نکند، و بنا را بر تمام گذارد. (مسأله ۱۲۵) اگر در بین صفا و مروه شك کند که این مرتبه هفتم است یا هشتم، سعیش باطل است، و باید از سر بگیرد.

پنجم - آن است که سعی بین صفا و مروه از طریق معمول و متعارف باشد، و از غیر آن صحیح نیست. ششم - آن است که در وقت رفتن به مروه رو به مروه باشد، و در وقت برگشتن به صفا رو به صفا، پس اگر بطور قهقری برود و برگردد که در وقت رفتن به مروه رویش به صفا، و در برگشتن رویش به مروه باشد، سعیش صحیح نیست.



هفتم - آن است که لباس و کفش او مباح باشد، بلکه بنا بر احوط چیز غصبی همراه نداشته باشد، و اگر سواره سعی میکند باید مرکب او غصبی نباشد.

هشتم - از واجبات، ترتیب بین طواف و سعی است، و اگر فراموش کرد یا به جهت ندانستن مسأله، پیش از طواف سعی کرد، احتیاط واجب آن است که دوباره بعد از طواف سعی را بجا آورد.

مستحبات سعی

(مسأله ۱۲۶) مستحب است کسی که میخواهد سعی کند نزد حجر الاسود برود و آن را ببوسد و دستها یا بدن را به آن بمالد، یا اشاره کند، پس به نزد چاه زمزم رود، و مقداری از آب آن بردارد، و بر سر و پشت و شکم بریزد و بخورد، و این دعا را بخواند:  
اللهم اجعله علما نافعاً و رزقا واسعاً و شفأ  
من كل داء و سقم.

پس متوجه صفا شود از دری که محاذی حجر الاسود است - و آن دری است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله از آن در بیرون رفت - به آرامش و خضوع برود بالای کوه صفا، تا نظر کند به خانه کعبه، و رو به رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و از نعمتهای الهی به خاطر آورد، پس هفت نوبت الله اکبر بگوید، و هفت نوبت الحمد لله، و هفت نوبت لا إله الا الله، پس سه مرتبه بگوید: لا إله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير، وهو على كل شيء قدير. پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، سه نوبت بگوید:

الله اكبر على ما هدانا والحمد لله على ما ابلانا  
والحمد لله الحي القيوم، والحمد لله الحي الدائم.

پس سه نوبت بگويد:  
اشهد ان لا إله الا الله، و اشهد أن محمدا عبده  
ورسوله، لا نعبد الا اياه، مخلصين له الدين  
ولو كره المشركون.  
و سه مرتبه بگويد:  
اللهم إني أسألك العفو والعافية واليقين في  
الدنيا و الاخرة.  
پس سه مرتبه بگويد:  
اللهم آتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة  
وقنا عذاب النار.  
پس صد مرتبه بگويد: الله اكبر وصد مرتبه لا إله الا الله و  
صد مرتبه الحمد لله و صد نوبت سبحان الله پس بگويد:  
لا إله الا الله وحده وحده انجز وعده، ونصر  
عبده، وغلب الا حزاب وحده، فله الملك وله الحمد

وحده، اللهم بارك لي في الموت وفيما بعد الموت،  
اللهم إني اعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته، اللهم  
اظلني في ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك.  
و بسيار تکرار کند سپردن دين و نفس و اهل خود را به  
خداوند عالم و بگويد:

استودع الله الرحمن الرحيم الذي لا تضيع  
ودائعه ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي اللهم  
استعملني على كتابك وسنة نبيك، وتوفني على  
ملته، واعدني من الفتنة.

پس سه نوبت بگويد: الله اكبر پس دو مرتبه دعای سابق  
را بخواند، پس يك بار تكبير بگويد و بخواند دعای سابق را  
و اگر همه آنچه را که ذکر شد نتواند بخواند پس هر قدر که  
میتواند بخواند.

و مستحب است که این دعا را بخواند:  
للهم اغفر لي كل ذنب أذنبته قط، فإن عدت فعد

علي بالمغفرة، فإنك أنت الغفور الرحيم اللهم افعل  
بي ما انت اهله، فإنك إن تفعل بي ما انت اهله  
ترحمني، وإن تعذبني فانت غني عن عذابي وانا  
محتاج إلى رحمتك، فيا من انا محتاج إلى رحمته  
ارحمني، اللهم لا تفعل بي ما انا اهله فإنك إن تفعل  
بي ما انا اهله تعذبني، ولم تظلمني، اصبحت اتقي  
عدلك ولا اخاف جورك، فيا من هو عدل لا يجور  
ارحمني.

پس بگوید:

يا من لا يخيب سائله، ولا ينفذ نائله، صل على  
محمد وآل محمد، واجرني من النار برحمتك.  
ودر صفا در بالای تل رو به کعبه این دعا را بخواند:  
اللهم إني اعوذ بك من عذاب القبر وفتنته و  
غربته ووحشته وظلمته وضيقه وضحكه، اللهم  
اظلني في ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك.

پس از آن قدری پائین آید و بگوید:  
یا رب العفو، یا من أمر بالعفو، یا من هو أولى  
بالعفو، یا من یشیب علی العفو، العفو، العفو،  
العفو، یا جواد یا کریم یا قریب یا بعید، اردد علی  
نعمتک، واستعملنی بطاعتک ومرضاتک.  
(مسأله ۱۲۷) مستحب است که پس از نماز طواف،  
مبادرت به سعی کند و در حال سعی، بدن و لباس او پاک و  
با وضو یا غسل باشد، و از صفا تا محلی که علامت هروله  
در آنجا نصب شده، بطور متوسط راه برود، یعنی نه تند  
برود نه کند، و از آنجا تا علامت دیگر اگر مرد باشد هروله  
کند، یعنی قدمها را کوتاه و تند بردارد.  
و برای زنها هروله مستحب نیست، و چون به محل  
هروله برسد بگوید:  
بسم الله و بالله والله اکبر، و صلی الله علی محمد  
و اهل بیته اللهم اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم،

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ إِلَّا كَرَمًا، وَاهْدِنِي لِتِلْكَ هِيَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ  
إِنْ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ  
لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، يَا  
مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ.  
پس تند برود تا به محل دیگر که علامت نصب شده، و  
آنجا هروله را ترك کند، و چون از آنجا بگذرد بگوید:  
يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ،  
اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.  
و چون به مرده رسید دعای اول را بخواند که در صفا  
خواند و بگوید:  
اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ  
يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ  
الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ.  
و اهتمام کند در گریه کردن، و خود را به گریه بدارد، و

دعا بسیار کند در حال سعی و این دعا را بخواند:  
اللهم إني أسألك حسن الظن بك على كل حال،  
وصدق النية في التوكل عليك.

و اگر هروله را فراموش کرد، هر جا بخاطرش آمد بطور  
قهقری برگردد تا به موضع هروله برسد، پس هروله کند، و  
همچنین مستحب است هروله، وقتی از مرده بسوی صفا  
سعی میکند.



### تقصیر

(مسأله ۱۲۸) بعد از تمام شدن سعی باید (تقصیر) کند، یعنی به قصد حلال شدن چیزهایی که در عمره تمتع حجة الاسلام بر او حرام بوده است برای انجام فرمان خداوند متعال مقداری از ناخن‌ها یا موی سر یاریش یا شارب خود را به چپند، و تراشیدن سر در عمره تمتع کافی نیست بلکه حرام است.

(مسأله ۱۲۹) اگر کسی در عمره تمتع بجای تقصیر، حلق کند، و تمام سر را به تراشد بنا بر احتیاط، يك گوسفند قربانی کند هر چند از روی جهل یا نسیان باشد.

(مسأله ۱۳۰) اگر کسی تقصیر را فراموش کند و تا بعد از احرام حج، یادش نیاید، عمره او صحیح است، و بنا بر

احتیاط واجب يك گوسفند كفاره بر او واجب میشود.  
(مسأله ۱۳۱) اگر کسی عمدا تقصیر را ترك کند تا  
محرم به حج شود، عمره تمتع او باطل است، و حج او حج  
افراد میشود، پس باید حج را تمام کند، و بنا بر احتیاط  
واجب بعد از حج، يك عمره مفرده بجا آورد، و سال بعد  
نیز دوباره حج کند.

(مسأله ۱۳۲) بعد از تقصیر در عمره تمتع، هر کاری  
که بر او به سبب احرام حرام شده بود غیر از تراشیدن سر  
حلال میشود، ولی تراشیدن سر جایز نیست، و اگر سر  
بتراشد باید يك گوسفند كفاره بدهد بنا بر احتیاط هر چند  
جاهل یا ناسی باشد.

(مسأله ۱۳۳) اقوی آن است که در عمره تمتع طواف  
نساء واجب نیست، و وجوب آن مخصوص به حج و عمره  
مفرده است خواه، واجب باشد یا مستحب.  
(مسأله ۱۳۴) اگر وقت بقدری تنگ باشد که اگر

بخواهد در وقت ورود به مکه عمره تمتع را بجا آورد بوقوف به عرفات نمرسد، یا زن حائض اگر بخواهد صبر کند تا پاك شود و طواف را بجا آورد وقت وقوف به عرفات مگذرد، باید بجای حج تمتع حج افراد بجا آورد، پس اگر بواسطه عذری مثل بیماری و فراموشی و ندانستن مسأله از میقات احرام نه بسته است و فعلاً هم متمکن نیست که به میقات برگردد هر چند (ادنی الحل) باشد باید هر کجا هست محرم شود به احرام حج افراد، و اگر در میقات به جهت عمره تمتع احرام بسته است عدول کند به حج افراد، و با همان احرام اول، تمام اعمال حج را به نحوی که بعداً شرح داده میشود به نیت حج افراد بجا آورد، مگر قربانی را که در حج افراد واجب نیست.

و بعد از تمام شدن اعمال حج افراد، باید از حرم بیرون رود، و به نیت عمره مفرده محرم شود، و به مکه برگردد و طواف و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن را بطوری

که شرح داده شد انجام دهد، و اگر بدون عذر در میقات احرام نیسته، احرام بستن او از مکه محل اشکال است. (مسأله ۱۳۵) اگر موقعی عمره تمتع را باطل کند که وقت آن که دوباره آن را بجا آورد، نداشته باشد باید حج افراد کند، و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد، و بنا بر احتیاط واجب باید سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

مسائل حج تمتع  
(مسأله ۱۳۶) چنان که گفته شد حج تمتع، مرکب است  
از عمره تمتع و حج تمتع و گذشت کسی که تکلیف او حج  
تمتع است باید اول عمره تمتع را بجا آورد، و پس از انجام  
اعمال عمره تمتع به شرحی که گفته شد واجب است  
جزء دیگر حج تمتع را که به آن نیز حج تمتع مگویند بجا  
آورد و واجبات آن سیزده چیز است.

اول: احرام.

دوم: وقوف به عرفات یعنی ماندن در عرفات که  
معروف است.

سوم: وقوف به مشعر الحرام که به آن (مزدلفه) و  
(جمع) نیز مگویند، و بین منی و عرفات است.

چهارم و پنجم و ششم: اعمال منی است، و اعمال آن در روز عید، انداختن سنگریزه بر (جمره عقبه)، و قربانی کردن، تراشیدن سر یا گرفتن کمی از ناخن یا موی سر است. هفتم: طواف زیارت. هشتم: دو رکعت نماز طواف زیارت. نهم: سعی بین صفا و مروه. دهم: طواف نساء. یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء. دوازدهم: ماندن در منی در شبهای یازدهم و دوازدهم ذی حجه و بر بعضی حاجیان واجب است که شب سیزدهم را نیز در منی بمانند. سیزدهم: انداختن سنگریزه بر سه جمره در منی در روز یازدهم و دوازدهم و بعضی باید در روز سیزدهم، به جمره سنگریزه بیندازند، و احکام هر يك از اینها بطور مفصل بیان میشود انشاء الله تعالی.

## احرام حج

(مسأله ۱۳۷) بعد از تمام شدن عمره تمتع واجب است محرم شدن برای حج تمتع، و وقت آن موسع است ولی اگر وقت به قدری تنگ شود که اگر در آن وقت محرم نشود وقوف به عرفات در روز عرفه (نهم ذی حجه) از او فوت میشود باید فوراً محرم شود که روز عرفه وقوف به عرفات را درك کند.

(مسأله ۱۳۸) پیش از روز ترویبه (هشتم ذی حجه) احرام بستن جایز است، و احتیاط آن است که بیشتر از سه روز پیش از ترویبه احرام نبندد چنان که احتیاط آن است که اگر محرم شد پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود، و مستحب آن است که در روز ترویبه محرم شود.

(مسأله ۱۳۹) در احرام حج تمتع نیز پوشیدن دو جامه احرام (بعد از بیرون آوردن لباس دوخته برای مردها) و نیت و تلبیه به نحوی که در احرام عمره تمتع گذشت واجب است، پس باید نیت کند که احرام مبندم برای حج تمتع یعنی: ملتزم مشوم و بر خود قرار مدهم کارهائی را که در حال احرام حرام است ترك نمايم در حج تمتع، به جهت اطاعت فرمان خداوند متعال، و دستور احرام و کارهائی که در حال احرام ترك آنها واجب است به شرحی است که در احرام عمره گفته شد.

(مسأله ۱۴۰) محل احرام بستن برای حج تمتع، مکه است و بنا بر احتیاط واجب تا بتواند از مکه قدیم محرم شود.

(مسأله ۱۴۱) اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله محرم نشود، تا برود به منی یا عرفات، و قبل از اعمال ملتفت شود، باید به مکه برگردد، و محرم شود، و با احرام، اعمال را بجا آورد، و اگر برای تنگی وقت یا عذر



دیگر نتواند برگردد، احتیاط آن است که هر قدر نتواند برگردد، و اگر نتوانست برگردد، واجب است از همان جائی که ملتفت شده محرم شود.

(مسأله ۱۴۲) اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله محرم نشود، و بعد از تمام کردن اعمال حج ملتفت شود، حجش صحیح است ولی اگر بعد از گذشتن وقت وقوف به عرفات و مشعر الحرام، و یا پیش از تمام شدن سایر اعمال حج بفهمد که محرم نشده، واجب است فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند، و احتیاط آن است که سال آینده، دوباره بجا آورد، اگر چه بعید نیست جواز اکتفا به حج اول. (مسأله ۱۴۳) اگر کسی عمداً برای حج محرم نشود، تا وقت وقوف به عرفات و مشعر بگذرد، حج او باطل است.

مستحبات احرام حج

تا وقت وقوف به عرفات

(مسأله ۱۴۴) بهترین اوقات احرام بستن برای حج،

روز ترویج است تا قبل از زوال، بطوری که بتواند نماز ظهر را در منی بجا آورد، و یا بعد از نماز ظهر است و اگر ممکن نشد بعد از نماز عصر، و اگر ممکن نشد بعد از نماز واجب دیگر، اگر چه نماز قضا باشد، و اگر نماز قضا هم بر ذمه نداشته باشد بعد از نماز احرام که اقل آن دو رکعت است محرم شود، به نحوی که در احرام عمره شرح داده شد، و بهترین جاهای مکه برای احرام مسجد الحرام است، و بهترین جا در مسجد الحرام برای احرام، حجر اسماعیل یا مقام حضرت ابراهیم علیه السلام است، پس در آنجا بعد از پوشیدن جامه احرام و کارهایی که پیش از این در احرام عمره گذشت واجب است نیت کند، و لبیک های واجب را به دستوری که در احرام عمره گذشت بگوید ولی در عوض کلماتی که مخصوص به عمره است کلمات دیگر بگوید مثلاً عوض (وهذه عمرة متعة إلى الحج) بگوید: (وهذه حجة تمتع) و چون مشرف بر ابطح شود به صدای بلند

تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:  
اللهم إياك ارجو وإياك ادعو، فبلغني املي،  
واصلح لي عملي.  
و با آرام تن و دل برود با تسبیح و تقدیس و ذکر حق  
تعالی. و چون به منی رسید بگوید:  
الحمد لله الذي اقدمنيها صالحا في عافية  
وبلغني هذا المكان.  
پس بگوید:  
اللهم هذه منى وهي مما مننت به علينا من  
المناسك، فأسألك ان تمن علي بما مننت علي  
انبيائك، فإنما انا عبدك وفي قبضتك.  
و مستحب است که شب عرفه در منی باشد، و مشغول  
طاعت الهی باشد، و بهتر آن است که این عبادتها را  
خصوصا نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، چون نماز

صبح خواند تعقیب بخواند تا طلوع آفتاب و روانه عرفات شود و اگر بخواهد میتواند بعد از طلوع فجر روانه شود و لیکن سنت بلکه احوط آن است که از وادی محسر رد نشود تا آفتاب طلوع کند و مکروه است که پیش از فجر روانه شود بلکه خلاف احتیاط است. مگر از جهت ضرورتی مثل بیماری و کسی که خوف ازدحام مردم را داشته باشد و چون متوجه عرفات شود این دعا را بخواند:  
اللهم اليك صمدت، وإياك اعتمدت ووجهك اردت، اسألك ان تبارك لي في رحلتي، وان تقضي لي حاجتي، وان تجعلني اليوم ممن تباهي به من هو افضل مني.  
وتلبیه بگوید: تا به عرفات برسد و چون رسید خیمه اش را در نمره که نزدیک عرفات است بزند

وقوف به عرفات

(مسأله ۱۴۵) واجب است بر کسی که حج بجا آورد ماندن در عرفات، و بنا بر احتیاط واجب وقت آن از ظهر روز عرفه (نهم ذیحجه) است تا مغرب، پس باید در تمام وقت در آنجا بماند، و از حدود عرفات از ظهر تا مغرب خارج نشود، و این وقت، وقت اختیاری عرفه است، و در ماندن در عرفات فرق نمکند که پیاده باشد یا سواره، راه برود یا نشسته و یا خوابیده باشد.

(مسأله ۱۴۶) اگر کسی از ظهر تا مغرب روز عرفه در عرفات خواب یا بیهوش باشد، وقوف او باطل است. و اگر بعد از قصد وقوف و دخول وقت بخوابد ضرر ندارد، و وقوف او صحیح است.

(مسأله ۱۴۷) بودن در عرفات از ظهر تا مغرب اگر چه بنا بر احتیاط واجب است، ولی آن مقداری که رکن است این است که بین ظهر تا مغرب به قدری در عرفات بماند که عرفا بگویند در آنجا توقف کرده است، و کسی که عمدا این مقدار را ترك کند حجت باطل میشود، اگر چه بوقوف اضطراری عرفات برسد، یعنی شب دهم را در عرفات بماند و وقوف مشعر را هم درك کند، و چنانچه سهوا ترك کرد حج او باطل نیست، مگر آن که وقوف به مشعر را هم عمدا یا سهوا ترك کند، که در این صورت حجت باطل است، و تفصیل آن ذکر میشود انشاء الله.

(مسأله ۱۴۸) در وقوف به عرفات نیت واجب است، به این نحو که نیت کند از ظهر امروز تا مغرب برای حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم در عرفات ممانم.

(مسأله ۱۴۹) اگر کسی عمدا بعد از گذشتن مقداری از

ظهر در عرفات حاضر شود، وقوفش صحیح است و کفاره ندارد، ولی خلاف احتیاط نموده، و بنا بر آن که وقوف از اول ظهر تا مغرب واجب باشد گناه کرده است.

(مسأله ۱۵۰) جایز نیست پیش از مغرب از عرفات خارج شود، و اگر کسی عمدا پیش از مغرب از عرفات بیرون برود و در همان روز برنگردد، بر او واجب است قربانی کردن يك شتر، که در راه خدا در روز عید در منی نحر کند، و اگر نتواند، هیجده روز پی در پی روزه بگیرد، و بر او واجب است در صورت توانائی، برگشتن به عرفات و ماندن در آنجا تا غروب، و اگر پشیمان شد و در همان روز به عرفات برگشت نیز بنا بر احتیاط مستحب کفاره از او ساقط نمیشود.

(مسأله ۱۵۱) اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله پیش از مغرب از عرفات بیرون رفت، پس اگر در همان روز ملتفت شد، باید برگردد و اگر برنگردد

معصیت کرده است، و بنابر احتیاط، کفاره بدهد و اگر بعد از مغرب ملتفت شد چیزی بر او نیست.

(مسأله ۱۵۲) اگر بواسطه فراموشی یا تنگی وقت، یا عذر دیگر، نتواند هیچ مقداری از ظهر تا مغرب روز عرفه را در عرفات بماند - باید مقداری از شب عید را تا فجر طالع نشده هر چند کم باشد در عرفات بماند و این زمان را وقت اضطراری عرفه مگویند - و اگر عمداً هیچ مقداری از شب عید را هم در آنجا نماند حج او باطل میشود اگر چه وقوف به مشعر را درك نماید.

(مسأله ۱۵۳) اگر کسی وقوف به عرفات را به عذری مثل فراموشی یا ندانستن مسأله در وقت اختیاری و اضطراری ترك نمود، ولی وقوف در مشعر الحرام را شب عید یا بین الطلوعین چنانچه خواهد آمد درك کند حجش صحیح است.

(مسأله ۱۵۴) هر گاه در پیش قاضی عامه، اول ماه ذی



حجه ثابت شود و برای شیعه شرعا ثابت نشده باشد، و به این جهت روز نهم ذی حجه در نزد آن ها روز هشتم در پیش شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که پیش شیعه نهم است انجام دهد و اگر ممکن نشد اضطراری آن را درك کند، و به مشعر رفته و وقوف در آن جا را نیز درك کند، و اعمال روز عید را در منی بجا آورد، و اگر درك اضطراری عرفات هم ممکن نشد درك اختیاری مشعر کافی است، و حش صحیح است و درك اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز چنانچه گفته خواهد شد بنابر اقوی کفایت میکند، و اگر درك هیچ يك از این مواقف میسر نشود حکم آن، در مسأله بعد ذکر خواهد شد.

(مسأله ۱۵۵) هر گاه هلال، نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد، لیکن از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند و از عمل به وظیفه خود خائف باشند، اقوی

صحت و کفایت همین حج است از حجة الاسلام، هر چند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف متمکن از عمل به وظیفه باشند احوط آن است که با آنها رجاً متابعت کنند، و بعد واجب است عمل به وظیفه خود نمایند، حتی با عدم علم به خلاف.

مستحبات و قوف به عرفات

۱ - خیمه‌اش را در محلی که آن را نمره گویند و متصل به عرفات است بزند.

۲ - در دست چپ کوه و پائین آن در زمین هموار وقوف کند و مکروه است که بالای کوه رود.

۳ - با رفقا در يك جا وقوف کند.

۴ - با طهارت باشد و غسل کند.

۵ - هر چه را که باعث تشویش حواس و مانع از کمال توجه به خدا مشود رفع کند.

۶ - نماز ظهر و عصر را اول وقت با يك اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷ - بعد از نماز بایستد و مشغول دعا شود.

۸ - در تمام مدت وقوف، بایستد و نشسته یا سواره بودن در حال وقوف مکروه است، و اگر نمیتواند بایستد هر قدر میتواند بایستد، و اگر ایستادن مانع از حضور قلب و توجه باشد نشستن بهتر است.

۹ - رو به قبله کند، و دل خود را متوجه به خداوند عالم نماید و حمد و ثنای او را بجا آورد، و تمجید و تهلیل بکند و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا إله الا الله بگوید و صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و هم چنین صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و صد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند.

- ۱۰ - آنچه مخواهد دعا کند و دعا زیاد کند که این روز روز دعا و مسألت است و هیچ چیز در نزد شیاطین خوش تر از این نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازند.
- ۱۱ - پناه بردن به خدا از شیطان.
- ۱۲ - شمردن گناهان و توبه و استغفار کردن.
- ۱۳ - گریه کردن، و اگر نتواند، خودش را به گریه وا دارد بدارد.
- ۱۴ - دعا برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن، و اقل آن چهل نفر است، و در حدیث است که آنچه او برای برادر مؤمن طلب کند فرشته ای موکل است که برای او صد هزار برابر آن را طلب کند.
- ۱۵ - تمام زمان وقوف را به دعا و استغفار و ذکر خدا صرف کند، و بعضی از علما این را واجب دانسته اند، و دعاهای منقوله را بخواند خصوصا دعای صحیفه کامله، و

دعاى حضرت امام حسين عليه السلام و زيارت آن  
حضرت و دعاى حضرت امام زين العابدين عليه السلام.  
و مستحب است كه بگويد:

اللهم إني عبدك، فلا تجعلني من اخبيب وفدك  
وارحم مسيرى اليك من الفج العميق.  
اللهم رب المشاعر كلها، فك رقبتي من النار، و  
اوسع علي من رزقك الحلال، وادراً عني شر  
فسقة الجن و الانس، اللهم لا تمكر بي، ولا  
تخدعني، ولا تستدرجني، اللهم إني أسألك  
بحولك وجودك وكرمك وفضلك ومنك، يا اسمع  
السامعين، ويا ابصر الناظرين، ويا اسرع  
الحاسبين، ويا ارحم الراحمين، ان تصلي علي  
محمد و آل محمد. وأن تفعل بي (كذا و كذا) (وأن  
ترزقني خير الدنيا والاخرة).  
حاجت خود را نام ببرد و پس دست بجانب آسمان

بردارد و بگوید:

اللهم حاجتي اليك ان اعطيتنيها لم يضرني ما  
منعتني، وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني،  
أسألك خلاص رقبتني من النار، اللهم إني عبدك،  
وملك يدك ناصيتي بيدك، وأجلي بعلمك، أسألك  
أن توفقني لما يرضيك عني، وان تسلم مني  
مناسكي التي اريتها خليلك ابراهيم عليه السلام،  
ودلت عليها نبيك محمدا صلى الله عليه وآله.  
اللهم اجعلني ممن رضيت عمله، واطلت عمره،  
واحبيته بعد الموت حياة طيبة.

پس بگوید:

لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله  
الحمد، يحيي ويميت، وهو حي لا يموت بيده  
الخير وهو على كل شي قدير، اللهم لك الحمد  
كالذي تقول وخير مما تقول وفوق ما يقول

القائلون اللهم لك صلاتي ونسكي ومحياي  
ومماتي ولك تراثي وبك حولي ومنك قوتي اللهم  
إني أعوذ بك من الفقر ومن وساوس الصدر ومن  
شتات الا مر ومن عذاب القبر، اللهم إني أسألك  
خير ما تجي به الرياح واعوذ بك من شر ما  
تجئ به الرياح فاسألك خير الليل وخير النهار،  
اللهم اجعل في قلبي نورا وفي سمعي نورا وفي  
بصري نورا وفي لحمي ودمي وعظامي وعروقي  
ومقعدي ومقامي ومدخلي ومنحرجي نورا  
واعظم لي نورا يا ربي يوم القاك إنك على كل  
شي قدير.

و تا تواند در این روز از خیرات و تصدقات کوتاهی نکند  
خصوصا بنده آزاد کردن. و دیگر رو به قبله کند و بگوید:  
(سبحان الله) صد بار و (الله اكبر) صد بار و (ما  
شأ الله ولا قوة الا بالله) صد بار (اشهد ان لا إله الا

الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير). صد بار ده آيه اول سوره بقره را بخواند و آن ده آيه اين است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين، الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلاة ومما رزقناهم ينفقون.

تا آخر آيه دهم. ديگر سوره قل هو الله احد سه نوبت بخواند و آيه الكرسي را بخواند و آيه سخره را بخواند و آن آيه اين است.

ان ربكم الله الذي خلق السموات و الارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل



النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم  
مسخرات بامرہ الا له الخلق والا مر تبارك الله رب  
العالمين.

و آن در سوره اعراف است آیه (۵۴) پس معوذتین را  
بخواند پس نعمتهای الهی را يك يك بشمارد آنچه بداند از  
اهل و مال و سایر نعمتها و رفع بلا و بگوید:  
اللهم لك الحمد على نعمائك التي لا تحصى  
بعدد ولا تكافى به عمل.

و حمد کند حق سبحانه و تعالی را به هر آیه ای که در آن  
حمد کرده است خداوند عالم خود را با آن در قرآن، و  
تکبیر کند به هر تکبیری که خداوند عالم تکبیر خود کرده  
است در قرآن، و تهلیل کند به ذکر لا إله الا الله که حق سبحانه  
و تعالی تهلیل خود کرده است به آن در قرآن، و صلوات بر  
محمد و آل محمد بسیار بفرستد و جهد و سعی کند در آن،  
و بخواند حق سبحانه تعالی را به هر نام که خود را به آن

خوانده است در قرآن و به هر اسمی که داند و به اسماً  
آخر سوره حشر، و بگوید.

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ  
بِقُوَّتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ  
وَبَارِكَانَكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رِسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَبِاسْمِكَ الْكَبِيرِ الْكَبِيرِ الْكَبِيرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ  
الَّذِي مِنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ  
تُعْطِيَهُ مَا سَأَلْتُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي  
جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي

و هر حاجت که دارد بخواند و از حق سبحانه و تعالی  
طلب کند که توفیق حج بیابد در سال آینده و هر سالی و  
هفتاد مرتبه بگوید:

(أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ) و هفتاد مرتبه (استغفر الله ربي و اتوب  
اليه) بگوید. پس بخواند دعائی را که جبرئیل در این مقام  
به حضرت آدم علیه السلام تعلیم نمود برای قبول توبه او  
سبحانك اللهم وبحمدك لا إله الا انت عملت

سوءاً وظلمت نفسي فاعترفت بذنبي فاغفر لي  
انك انت خير الغافرين سبحانك اللهم وبحمدك لا  
اله الا انت عملت سوءاً وظلمت نفسي فاعترفت  
بذنبي فاغفر لي انك انت التواب الرحيم.  
و چون آفتاب فرو رود بگويد:  
اللهم إني اعوذ بك من الفقر، و من تشتت الامر،  
و من شرما يحدث لي بالليل والنهار، امسى ظلمي  
مستجيراً بعفوك، وامسى خوفي مستجيراً  
بامانك، وامسى ذنبي مستجيراً بعزك وامسى  
وجهي الفاني مستجيراً بوجهك الباقي، يا خير من  
سئل، ويا اجود من اعطى، يا ارحم من استرحم  
جللني برحمتك، والبسني عافيتك، واصرف عني  
شر جميع خلقك وارزقني خير الدنيا والاخرة.  
پس روانه به جانب مشعر الحرام شود با آرام تن و

استغفار كند و اين دعا بخواند:  
اللهم لا تجعله اخر العهد من هذا الموقف،  
وارزقني العود ابدا ما ابقيتني واقلبي اليوم  
مفلحا منجحا مستجابا لي، مرحوما مغفورا لي،  
با فضل ما ينقلب به اليوم احد من وفدك، وحجاج  
بيتك الحرام، واجعلني اليوم من اكرم وفدك  
عليك، واعطني افضل ما اعطيت احدا منهم من  
الخير والبركة والرحمة والرضوان والمغفرة،  
وبارك لي فيما ارجع اليه من اهل او مال او قليل او  
كثير، وبارك لهم في.  
و بسيار بگويد:  
اللهم اعتقني من النار.  
و بگويد:  
اللهم ارحم موقفي، وزد في عملي، و سلم  
ديني، و تقبل مناسكي.

وقوف به مشعر  
(مسأله ۱۵۶) بر کسی که حج بجا می آورد بعد از  
وقوف به عرفات، وقوف به مشعر الحرام که آن را (مزدلفه)  
و (جمع) نیز منامند واجب است، و آن مکانی است که  
در بین عرفات و منی واقع است. و معروف است، پس باید  
بعد از غروب روز نهم از عرفات بسوی مشعر کوچ کند، و  
احتیاط واجب آن است که عمدا تا طلوع فجر تأخیر  
نیندازد، هر چند اگر تأخیر انداخت و بین الطلوعین را درك  
کرد حج او صحیح است، و واجب است که شب را در آنجا  
بماند و احتیاط آن است که در مشعر ذکر خدا را ترك نکند،  
هر چند مختصر و کم باشد. و باید نیت کند که برای اطاعت  
فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجة الاسلام شب را  
تا صبح در مشعر الحرام ممانم، و نباید عمدا بدون عذر

پیش از اذان صبح کوچ کند، هر چند اگر مقداری از شب مانده باشد و کوچ کند حجش صحیح است، و لیکن معصیت کرده و يك گوسفند کفاره باید ذبح کند، و چون فجر طالع شود دوباره جهت بین الطلوعین نیت وقوف کند، پس در حج تمتع قصد کند که برای اطاعت فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجة الاسلام از حالا تا اول طلوع آفتاب در مشعر الحرام ممانم، و ممکن است که از ابتدا قصد کند شب را تا طلوع فجر و از طلوع فجر تا اول آفتاب ممانم و به همان قصد باقی باشد.

(مسأله ۱۵۷) اگر چه اشهر و احوط آن است که ماندن در مشعر تا طلوع آفتاب واجب است، لیکن بعید نیست استحباب کوچ کردن کمی پیش از آفتاب، ولی باید از وادی (محسر) که اسم محلی است نگذرد، بلکه بنا بر احتیاط، وارد وادی (محسر) نشود، پس اگر عمدا پیش از طلوع آفتاب از وادی محسر بگذرد گناه کرده است، و احوط آن

است که يك گوسفند كفاره بدهد، و اگر چه اقوی واجب نبودن كفاره است.

(مسأله ۱۵۸) ماندن در مشعر الحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب به مقداری که عرفا بگویند در آنجا توقف کرده است رکن میباشد، پس اگر کسی عمداً آن را ترك کند حجش باطل میشود، مگر آن که مقداری از شب را در مشعر توقف کرده باشد، که در این صورت حج او صحیح است لیکن گناه کرده است، و به كفاره که يك گوسفند است جبران میشود.

(مسأله ۱۵۹) کسانی که کار ضروری داشته باشند و پیر مردها و زنها و بیماران که اگر تا صبح در مشعر بمانند بواسطه ازدحام و زیادی جمعیت در زحمت مافتند، اگر شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند میتوانند پیش از طلوع فجر از مشعر به منی بروند، و اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون بروند حجشان صحیح است، به

شرط آن که وقوف به عرفات را انجام داده باشند، و شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند، و لیکن بر آنها يك گوسفند كفاره واجب است.

و اگر سهوا یا جهلا قبل از طلوع فجر کوچ کنند كفاره بر آنها واجب نمشود، و لیکن باید بعد از التفات و تنبه در صورتی که متمکن از رجوع باشند برای وقوف بین الطلوعین برگردند.

(مسأله ۱۶۰) کسی که شب و بین الطلوعین روز عید به جهت عذری نتوانسته است در مشعر وقوف کند، در صورتی که از اول آفتاب روز عید تا پیش از ظهر مقداری در آنجا بماند حرجش صحیح است، به شرط آن که درك اختیاری یا اضطراری عرفه را کرده باشد.

(مسأله ۱۶۱) چنان که معلوم شد وقوف در مشعر سه قسم است که دو قسم آن وقوف اضطراری مشعر است. اول - وقوف شب عید است برای کسانی که بواسطه



عذری نتوانند بعد از طلوع فجر در مشعر بمانند.  
دوم - وقوف در روز عید تا پیش از ظهر است برای کسانی که به وقوف شب و وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نرسیده باشند، و يك قسم آن وقوف اختیاری مشعر است، و آن از اذان صبح تا اول آفتاب روز عید است، و چون عرفات هم به شرحی که گفته شد دو وقوف دارد، یکی وقوف اختیاری و آن ماندن در عرفات است از ظهر تا مغرب روز نهم و یکی وقوف اضطراری و آن ماندن در عرفات است در مقداری از شب دهم، پس به ملاحظه ادراك هر دو وقوف (وقوف به مشعر و وقوف به عرفات) یا ادراك اضطراری یکی، و اختیاری دیگری، و نرسیدن به اضطراری و اختیاری هر دو وقوف، اقسام آن، نه قسم میشود:  
اول - آن که وقوف به عرفات و وقوف به مشعر هر دو را

در وقت اختیاری انجام دهد، که حج او بی اشکال صحیح است.

دوم - آن که هیچ يك از اختیاری و اضطراری دو وقوف را درك نکند، که در این صورت حج از او فوت شده است، پس به همان احرام حج عمره مفرده که عبارت از طواف و نماز و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن باشد بجا مآورد، و بعد از این اعمال از احرام بیرون مرود، و اگر گوسفند همراه او باشد، قربانی کند، و مستحب است که بماند در منی با حاجیان و چون به مکه رود اعمال عمره را بجا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده باید در سال آینده به حج برود، و هم چنین در صورتی که حج بر او مستقر نشده اگر سال بعد مستطیع شود باید حج کند.

سوم - آن که اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر درك کند، که در این صورت حجش صحیح است.

چهارم - آن که اختیاری مشعر و اضطراری عرفات را

درك كند، كه در اين صورت نيز حجش صحيح است.  
پنجم - آن كه اضطراری هر دو وقوف را درك كند، كه  
اقوی در اين صورت هم صحت حج است، اگر چه احتیاط  
مستحب آن است كه در سال آینده با بقأ شرایط و جوب،  
اعاده نماید.

ششم - آن كه فقط وقوف اضطراری مشعر را درك كند،  
كه در اين صورت اگر چه صحت حجش بعید نیست ولی  
احتیاط ترك نشود به انجام اعمال به قصد ما في الذمه از  
عمره و حج و بجا آوردن حج در سال آینده در صورت  
استقرار حج بر او یا بقأ استطاعت.

هفتم - ادراك وقوف اختیاری عرفات تنها است، و  
احتیاط در آن ترك نشود به این كه اعمال را به قصد ما في  
الذمه از عمره و حج به جای آورد و در سال بعد نیز در  
صورتی كه حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد  
حج بجای آورد.

هشتم - ادراك اختیاری مشعر است، که در این صورت نیز حجش صحیح است.  
نهم - آن که فقط اضطراری عرفات را درك کند که حج در این صورت صحیح نیست.  
(مسأله ۱۶۲) کسی که یکی از وقوف اختیاری یا اضطراری عرفات یا مشعر را عمدا ترك کند حج او باطل است مثلا اگر از ظهر تا غروب با تمکن عمدا در عرفات هیچ توقف نکرد حج او باطل است چه مقداری از شب در عرفات بماند یا نماند و چه شب عید یا ما بین الطلوعین یا پیش از ظهر آن در مشعر توقف کند یا نکند و هم چنین اگر از ظهر تا غروب معذور باشد از توقف در عرفات، اما وقوف مقداری از شب عید را در عرفات عمدا ترك کند حج او باطل است، اضطراری مشعر یا اختیاری آن را درك کند یا نکند، و هم چنین اگر بین الطلوعین مشعر را بدون عذر ترك کند حج او باطل است، چه اختیاری یا اضطراری عرفات را

درك کرده باشد یا نکرده باشد، و چه تا ظهر مشعر را درك کرده باشد یا نکرده باشد، و اگر بین طلوعین از جهت عذر ترك شود، لکن وقوف مقداری از شب عید را در مشعر با تمکن ترك کرده حج او باطل است، چه سایر وقوفات را درك کرده باشد یا درك نکرده باشد، و اگر کسی بواسطه عذر، تکلیف او وقوف قبل از ظهر عید شد در مشعر، و عمداً آن را ترك کند حج او باطل است، هر چند وقوف عرفات را درك کرده باشد.  
مستحبات وقوف به مشعر

(مسأله ۱۶۳) مستحبات وقوف به مشعر چند چیز است: از جمله آن که از عرفات به سوی مشعر الحرام با وقار و آرامی دل و بدن برود، و استغفار کند، و مرکب را، تند نراند، و کسی را آزار نرساند، و چون به تل سرخ رسد از طرف دست راست راه برود و بگوید:  
اللهم ارحم موقفي وزد في عملي و سلم لي

دینی و تقبل منی مناسکی.  
و شهید (قدس سره) در دروس فرموده که بعد از این  
دعا بگوید:  
اللهم لا تجعله اخر العهد من هذا الموقف  
وارزقنيه ابدا ما ابقیتني.  
و در حال حرکت بسیار بگوید:  
اللهم اعتق رقبتی من النار.  
و نماز مغرب و عشا را تأخیر کند تا مشعر الحرام، و اگر  
چه ثلث شب بگذرد.  
ولی اگر نتواند پیش از نصف شب به مشعر برسد باید  
پیش از رسیدن به مشعر نماز را بجا آورد. و برای نماز  
مغرب اذان و اقامه و برای عشا فقط اقامه بگوید، و میان  
نماز مغرب و عشا فاصله نیندازد، بلکه نافله مغرب را بعد  
از نماز عشا رجأاً بخواند. و در وادی فرود آید در جانب

راست راه، و این دعا را بخواند.  
اللهم إني أسألك أن تجمع لي فيها جوامع  
الخير، اللهم لا تؤيسني من الخير الذي سئلتك أن  
تجمعه لي في قلبي، وأطلب اليك أن تعرفني ما  
عرفت أوليائك في منزلي هذا، و أن تقيني جوامع  
الشر.

و تا مقدور باشد آن شب را به عبادت و طاعت الهی به  
روز آورد، که در خیر است که درهای آسمان در این شب  
بسته نمیشود، و اصوات مؤمنان بالا مرود، و خداوند  
عالم مفرماید: (من خداوند شمایم و شما بندگان من  
هستید، ادا کردید حق مرا و بر من لازم است که اجابت  
نمایم دعاهاى شما را) پس بعضی ایشان را تمام گناهان  
مآمرزد، و بعضی را بعض گناهان مآمرزد، و مستحب  
است که هفتاد سنگریزه برای رمی جمرات در این شب از  
اینجا بردارد، و مستحب است که غسل کند و با وضو باشد در

حال وقوف، و دعاهای منقوله از ائمه علیهم السلام را بخواند، و حمد و ثنای الهی را بجای آورد، و این دعا را نیز بخواند:

اللهم رب المشعر الحرام فك رقبتي من النار،  
واوسع علي من رزقك الحلال الطيب، وادراً عني  
شر فسقة الجن والانس، اللهم انت خير مطلوب  
اليه، وخير مدعو وخير مسؤول، ولكل وافد  
جائزة فاجعل جائزتي في موطني وموقفي هذا أن  
تقلني عشرتي، وتقبل معذرتي، وان تتجاوز عن  
خطيئتي، ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي وتقلبني  
مفلحاً منجحاً مستجاباً لي با فضل ما يرجع به  
احد من وفدك و زوار بيتك الحرام.

و دعا بسیار کند به جهت پدر و مادر و برادران و اهل و مال و فرزندان، و احتیاط آن است که به مقداری که عرفاً گفته



شود ذکر خداوند عالم نموده دعا کند، یا ذکر خداوند  
متعال بنماید.

و برای غیر امام بهتر آن است که کمی پیش از طلوع  
آفتاب از مشعر کوچ کند، لیکن بنا بر احتیاط داخل وادی  
محسر نشود تا طلوع کند.

و چون آفتاب به کوه تبیر افتد هفت مرتبه به گناهان خود  
اقرار کند، و هفت مرتبه استغفار نماید و چون روانه منی  
شود با ذکر و استغفار و آرامی و وقار برود، و چون به وادی  
محسر برسد، هروله کند به نحوی که در سعی گفته شد، اگر  
پیاده باشد، و اگر سواره باشد مرکب خود را تند براند، و اگر  
هروله را فراموش کرد برگردد و هروله کند، و در وقت هروله  
بگوید:

اللهم سلم عهدی و اقبل توبتی واجب دعوتی  
واخلفنی فیمن ترک بعدی (و بگوید) رب اغفر  
وارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الا کرم.

اعمال منی در روز عید  
(مسأله ۱۶۴) چهارم و پنجم و ششم از کارهای حج  
تمتع اعمال واجب منی است و آن سه عمل است:  
۱ - رمی جمره عقبه.  
۲ - قربانی.  
۳ - حلق یا تقصیر، که در روز عید باید حجاج از مشعر  
الحرام به محلی که آن را منی مگویند بروند، و در آنجا این  
سه عمل را به شرحی که گفته میشود انجام دهند.  
رمی جمره عقبه  
(مسأله ۱۶۵) اول از کارهای واجب در منی رمی جمره  
عقبه یعنی انداختن هفت سنگریزه به جمره عقبه است، و  
وقت آن بعد از طلوع آفتاب روز عید تا غروب است، و اگر

سهوا یا جهلا ترك کرد باید روز بعد تا روز سیزدهم، روزها بجا آورد، و اگر تا روز سیزدهم ملتفت نشد باید در سال آینده خودش برود رمی کند، یا نایب بگیرد که از طرف او بجا آورد.

(مسأله ۱۶۶) جایز نیست رمی جمره در شب، مگر برای مریض و خائف (کسی که از دشمن مترسد) و کسانی که از رمی در روز عذر داشته باشند، و تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نایب بگیرند، و فرق نیست در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر، که شب قبل رمی کنند یا شب بعد، و اگر متمکن نباشند که رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند میتوانند رمی سه روز را در يك شب بجا آورد.

(مسأله ۱۶۷) سنگریزه ها باید طوری باشد که عرفا آنها را سنگ بگویند، و از سنگریزه های حرم و بکر باشد، یعنی

خودش یا کس دیگر قبلاً بطور صحیح با آنها رمی نکرده باشد.

(مسأله ۱۶۸) در رمی پنج چیز شرط است:

اول - نیت کند که هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم مانندم.

دوم - انداختن سنگریزه هاست، پس اگر آنها را به جمره بگذارد کافی نیست.

سوم - آن که سنگریزه ها بواسطه انداختن به جمره برسد، پس اگر بجای دیگر بخورد و از آنجا به جمره برسد، یا بواسطه انسان دیگر یا حیوانی به جمره برسد کافی نیست، و اگر شك کند که به جمره خورده یا نه بنا را بر نخوردن بگذارد.

چهارم - آن که سنگهایی که مانند از هفت عدد کمتر نباشد.

پنجم - آن که آنها را پشت سر هم جدا جدا بیندازد، پس اگر با هم بیندازد صحیح نیست، اگر چه پشت سر هم به جمره برسند، و اگر پشت سر هم بیندازد و با هم به جمره برسند، صحیح است هر چند وقوعش به این نحو بعید است.

(مسأله ۱۶۹) اگر سهوا یا جهلا کمتر از هفت سنگریزه رمی کند، و پیش از به هم خوردن موالات عرفیه متوجه گردد، باید بقیه را بجا آورد، و اگر موالات به هم خورده باشد احتیاط آن است که باقی مانده را بجا آورد، و دوباره رمی نماید.

(مسأله ۱۷۰) اگر در عدد سنگریزه هائی که انداخته، شك کند، بنا را بر کمتر بگذارد و عدد را تمام کند.

مستحبات رمی

(مسأله ۱۷۱) مستحب است که سنگریزه ها را شب عید از مشعر بردارد، و مستحب است که سنگریزه ها رنگین

یا برنگ سرمه ای یا رنگ دیگر و نقطه دار باشند. و آنها را دانه دانه از روی زمین بردارد و به قدر سر انگشت و سست باشند، و مستحب است که در وقت سنگ انداختن پیاده و با وضو باشد، بلکه احوط آن است، که سنگها را بدست چپ بگیرد و با دست راست بیندازد، و نیز مستحب است که رمی مقارن ظهر باشد. و وقتی سنگریزه ها را بدست مگيرد این دعا را بخواند:

اللهم هذه حصياتي فأحصهن لي، وارفعهن في عملي.

و هر سنگریزه که مانندازد این دعا را بخواند:

الله اكبر اللهم ادحر عني الشيطان، اللهم  
تصديقا بكتابتك وعلى سنة نبيك محمد صلى الله  
عليه واله، اللهم اجعله لي حجا مبرورا، وعملا  
مقبولا، وسعيا مشكورا، وذنبا مغفورا.  
و میانه او و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع فاصله باشد، و

پشت به قبله کند و روی به جمره، به خلاف دو جمره دیگر  
که مستحب است در آنها رو به جانب قبله باشد، و آن که  
سنگریزه را بر انگشت بزرگ بگذارد، و با ناخن انگشت  
شهادت (سبابه) بیندازد، و چون بجای خود آید در منی،  
سنت است که این دعا را بخواند:  
اللهم بك وثقت، وعليك توكلت، فنعم الرب،  
ونعم المولى، ونعم النصير.

قربانی

(مسأله ۱۷۲) واجب دوم از واجبات منی در حج تمتع بعد از رمی جمره عقبه قربانی کردن يك شتر، یا يك گاو یا يك گوسفند در روز عید است، و از دو نفر یا بیشتر يك قربانی کفایت نمکند، بلکه بر هر حاجی يك قربانی واجب است.

(مسأله ۱۷۳) اگر کسی از روی جهل یا نسیان یا بواسطه عذری در روز عید قربانی نکرد، باید تا آخر ذی حجه قربانی نماید، و احوط آن است که هر چه ممکن است زودتر قربانی کند.

(مسأله ۱۷۴) در قربانی نیت قربانی شرط است، پس اگر خودش قربانی را ذبح میکند باید در حج تمتع قصد کند



ذبح یا نحر قربانی را، که در حج تمتع حجة الاسلام واجب است برای اطاعت امر خداوند متعال، و اگر برای ذبح نایب مگیرد باید نایب نیت کند که ذبح میکنم قربانی واجب حج تمتع حجة الاسلام کسی را که مرا نایب نموده برای اطاعت فرمان خداوند متعال، و احوط آن است که علاوه بر نایب، خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیل را که از طرف او برای ذبح نایب مگیرد مفرستد، نیت کند و نیت را تا وقت ذبح مستمر بدارد، و چنان که به آن اشاره شد لازم نیست نیت را در دل خطور دهد، بلکه همین قدر که داعی او بر این کار اطاعت خداوند متعال باشد کافی است و همین قدر که غفلت از حج و وظیفه نباشد بطور عادی این امور با نیت و قصد قربت واقع میشود و مشکلی نیست.

(مسأله ۱۷۵) اگر قربانی پیدا نشود باید پول آن را نزد

شخص مورد اعتمادی بگذارد که در بقیه ماه ذی الحجه بگیرد و ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشد در سال آینده بگیرد و ذبح نماید.

(مسأله ۱۷۶) اگر قربانی شتر باشد، شرط است که پنج سال آن تمام شده باشد، و داخل در سال ششم شده باشد، و اگر گاو یا بز باشد احوط آن است که دو سالش تمام و داخل در سال سوم شده باشد، و اگر میش باشد احوط آن است که سال اولش تمام و داخل در سال دوم شده باشد.

(مسأله ۱۷۷) قربانی باید صحیح باشد و اعضایش ناقص نباشد، پس قربانی کور و لنگ و ناخوش و بسیار پیر کافی نیست، حتی اگر کمی از گوش آن بریده باشند یا از شاخ داخلی او چیزی کم باشد کفایت نمکند، و نیز باید لاغر نباشد، و مشهور آن است که همین قدر که در گرده آن پیه باشد کافی است، و احوط آن است که علاوه بر این طوری باشد که عرفا آن را لاغر نگویند.

(مسأله ۱۷۸) اگر گوش قربانی شکافته یا سوراخ باشد  
ضرر ندارد.

(مسأله ۱۷۹) احتیاط واجب آن است که حیوانی را که  
شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

(مسأله ۱۸۰) قربانی کردن حیوانی که بیضتینش را  
کشیده اند کفایت نمکند و احتیاط آن است که حیوانی که  
عروق و بیضتین او را مالیده باشند قربانی نکند.

(مسأله ۱۸۱) اگر حیوانی را خرید و ذبح کرد، به گمان  
آن که صحیح است، و بعد معلوم شد ناقص است کفایت  
نمکند.

(مسأله ۱۸۲) اگر قربانی را به گمان چاقی ذبح کرد و  
لاغر در آمد کافی است.

(مسأله ۱۸۳) اگر قربانی را با گمان لاغری ذبح کرد به  
احتمال آن که چاق باشد و چاق در آمد کافی است، ولی

اگر لاغر در آمد کافی نیست.  
(مسأله ۱۸۴) اگر حیوانی را با علم به این که لاغر است از راه ندانستن مسأله قربانی کند، و بعد معلوم شود چاق است کفایت میکند، ولی اگر با علم به لاغر بودن و دانستن مسأله آن را ذبح نماید هر چند چاق در آید کفایت نمکند.  
(مسأله ۱۸۵) اگر قربانی با خود نداشته باشد، و پول هم ندارد، که بتواند آن را بخرد، باید ده روز روزه بگیرد سه روز پی در پی در حج، و آن روز هفتم و هشتم و نهم ذیحجه است، و بعد از آن که به وطنش برگشت هفت روز دیگر روزه بگیرد، و احتیاط مستحب در این هفت روز روزه آن است که پی در پی و متوالی باشد.  
(مسأله ۱۸۶) اگر کسی که نمیتواند قربانی بخرد نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم و یک روز هم بعد از برگشتن از منی روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که در این صورت بعد از برگشتن از منی سه روز

متوالی روزه بگیرد که اول آن سه روز، روز کوچ کردن و حرکت از منی باشد، و قصدش انجام تکلیف سه روزه در ضمن پنج روز باشد. و اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را نگیرد، بلکه صبر کند بعد از مراجعت از منی بگیرد، و احتیاط آن است که بعد از مراجعت از منی هر چه زودتر بگیرد، اگر چه اشهر آن است که تا آخر ذی حجه مشود بجا آورد.

(مسأله ۱۸۷) اگر بعد از روزه سه روز قادر بر خریدن قربانی شد احتیاط آن است که بخرد و ذبح نماید.

(مسأله ۱۸۸) اگر قربانی ناقص و مریض یافت شود و گوسفند بی عیب و سالم نباشد، واجب است ناقص را قربانی کند و به آن اکتفا مشود، و احتیاط مستحب آن است که سه روز در حج و هفت روز پس از حج به شرحی که گفته شد روزه بگیرد.

(مسأله ۱۸۹) احتیاط واجب آن است که قدری از

قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد، و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن دهد، و این که هر يك از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد، و در هدیه فقر شرط نیست.

(مسأله ۱۹۰) لازم نیست که سهم هر يك را جدا کند، بلکه اگر همین طور هدیه و تصدق کند، و بعد آن فقیر مؤمن، و مؤمنی که هدیه را قبول کرده سهم خود را به دیگری صدقه بدهد اشکال ندارد، و اگر پیش از عمل کردن به این احتیاط، افرادی قربانی را به دزدی یا غارت ببرند، لازم نیست دوباره قربانی کند. ولی اگر قربانی را به آنها بدهد، باید قیمت گوشت قربانی سهم فقرا را به فقرا برساند، نه قیمت گوسفند زنده را.

(مسأله ۱۹۱) چون ممکن است در منی بواسطه حاضر نبودن فقیر مؤمن، تصدق دادن ثلث قربانی به مؤمن فقیر و همچنین هدیه دادن ثلث آن به مؤمن ممکن نباشد، بهتر

این است که از بعض برادران دینی خود، و از بعض فقرای مؤمن که آنها را مشناسد در شهر خود، و کالت بگیرد که از جانب آنها ثلث قربانی را به هدیه، و ثلث آن را به صدقه قبول کند، و هم چنین و کالت بگیرد که بعد از قبول کردن از جانب آنها هر عملی میخواهد انجام دهد، در این صورت در منی ثلث آن را به فقیر مؤمنی که از طرف او و کالت دارد صدقه دهد، و ثلث دیگر را به مؤمن دیگری که از جانب او و کیل است هدیه بدهد، و از طرف آنها قبول کند و بعد به هر کس خواست بدهد یا همانجا بگذارد و برود.  
(مسأله ۱۹۲) اگر حاجی عمدا خودش از گوشت قربانی نخورد، گناه کرده لیکن به حج او ضرر نمیرساند.  
مستحبات قربانی  
(مسأله ۱۹۳) مستحبات قربانی شش چیز است:  
۱ - آن که قربانی شتر باشد و بعد از آن گاو و بعد از گاو

گوسفند.

۲ - قربانی بسیار چاق و فربه باشد.

۳ - اگر شتر یا گاو است ماده باشد، و اگر میش یا بز است نر باشد.

۴ - شتر در حال نحر ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن بسته باشد، و کسی که قربانی میکند در طرف راست شتر بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودی گردنش فرو برد.

۵ - در وقت نحر شتر یا ذبح گاو و گوسفند بگوید:

و جهت وجهي للذي فطر السماوات و الارض

حنيفا مسلما و ما انا من المشركين ان صلاتي

ونسكي و محياي و مماتي لله رب العالمين، لا

شريك له و بذلك امرت و انا من المسلمين، اللهم

منك ولك، بسم الله و بالله و الله اكبر، اللهم تقبل

مني.



(و در بعضی روایات وارد شده این تتمه)  
اللهم تقبل مني كما تقبلت من ابراهيم خليلك،  
و موسى كلیمك، و محمد حبیبك صلی الله علیه و  
آله وعلیهم.

۶) مستحب است که خودش قربانی را نحر یا ذبح کند  
و اگر نمیتواند دست روی دست کسی که آن را مکشد  
بگذارد.

(مسأله ۱۹۴) قربانی را به کسی میتوان داد سر ببرد که  
ذبیحه او حلال باشد (یعنی مسلمان باشد هر چند اثنا  
عشری نباشد).

حلق یا تقصیر

(مسأله ۱۹۵) بعد از قربانی کردن باید حلق کنند، یعنی سرشان را بتراشند یا تقصیر نمایند، یعنی قدری از ناخن یا موی شارب خود را بگیرند، و برای مردی که موی سر خود را با یکی از مواد چسبنده چسبانیده، یا موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته باشد، احتیاط لازم تراشیدن تمام سر است، و هم چنین هر کسی که حج اول او باشد احتیاط واجب برای او تراشیدن موی تمام سر و اکتفا نکردن به تقصیر است.

(مسأله ۱۹۶) بر زنها و خنثی، یعنی کسی که هم آلت مردی و هم آلت زنی دارد، واجب است تقصیر کردن، یعنی ناخن گرفتن یا از مو گرفتن و برای آنها سر تراشیدن جایز نیست.

(مسأله ۱۹۷) در حلق یا تقصیر باید نیت کند که برای انجام فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجة الاسلام سر خود را متراشم یا مو یا ناخن خود را مگیرم، و بهتر آن است که کسی که سر او را متراشد نیز نیت کند.

(مسأله ۱۹۸) وقتی حاجی حلق یا تقصیر نمود، هر چه بر او در احرام حرام شده بود حلال میشود، مگر زن و صید و بوی خوش.

(مسأله ۱۹۹) بنا بر احتیاط واجب باید رمی و قربانی و حلق یا تقصیر را به ترتیب بجا آورد، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله اول قربانی کرد و بعد رمی و حلق نمود یا اول حلق کرد و بعد رمی و قربانی را انجام داد، ضرر ندارد و اگر عمدا خلاف ترتیب کند مشهور آن است که اعاده واجب نیست، ولی اگر احتیاط ممکن باشد ترك نکند.

(مسأله ۲۰۰) اگر در روز عید حلق یا تقصیر را فراموش

کرد تا از منی بیرون رفت، واجب است برگردد و حلق یا تقصیر کند، و اگر ممکن نشود در هر جا یادش آمد حلق یا تقصیر کند، و مستحب است اگر ممکن شود موی خود را به منی بفرستد، که در آنجا دفن شود.  
(مسأله ۲۰۱) اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند، و بعد از طواف یادش بیاید باید حلق یا تقصیر کند، و دوباره طواف را بجا آورد، و اگر بعد از طواف و سعی یادش بیاید، باید بعد از حلق یا تقصیر دوباره طواف و سعی را انجام دهد.

مستحبات حلق و تقصیر

(مسأله ۲۰۲) مستحبات حلق و تقصیر سه چیز است.

۱ - در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند.

۲ - از طرف راست جلو سر شروع کند و این دعا را بخواند.

اللهم أعطني بكل شعرة نورا يوم القيامة.

۳ - موی سر را در منی در محل خیمه خود دفن کند،

و احوط آن است که از اطراف سر و ریش و شارب مو بگیرد، و ناخنها را نیز بگیرد.

واجبات بعد از اعمال منی

(مسأله ۲۰۳) هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع، طواف زیارت و نماز آن و سعی بین

صفا و مروه و طواف نساء و نماز آن میباشد، پس واجب است بعد از رمی و قربانی و حلق یا تقصیر، از منی به مکه برگردد، و آنها را به دستوری که در عمره تمتع گفته شد بجا آورد، لیکن واجب نیست که بعد از اعمال منی فوراً به مکه برگردد، بلکه میتواند تا روز یازدهم برگشتن به مکه را تأخیر بیندازد، و بلکه بعید نیست جایز باشد تا آخر ذی حجه اعمال مکه را تأخیر بیندازد، اگر چه احوط آن است که تأخیر نیندازد.

(مسأله ۲۰۴) جایز نیست برای متمتع پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی بجا آوردن طواف و سعی، ولی کسی که نتواند بعد از برگشتن به مکه آن را بجا آورد مثل زن که گمان کند بعد از برگشتن از منی حیض یا نفاس ببیند یا آن که پیر مرد بواسطه زیادی جمعیت بعد از برگشتن نتواند طواف کند، در این صورت برای او جایز است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد، و

احتیاط آن است که بعد از برگشتن اگر ممکن شود در ایام تشریق (روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) و اگر نه تا آخر ذیحجه طواف و سعی را دوباره بجا آورد.

(مسأله ۲۰۵) کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منی در تمام ماه برای او طواف و سعی ممکن نمیشود، واجب است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد، ولی احوط آن است که پس از مراجعت از منی کسی را نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز و سعی را بجا آورد.

(مسأله ۲۰۶) بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن، و سعی بین صفا و مروه علاوه بر آن چه به واسطه تقصیر بر او حلال شده بود، بوی خوش نیز بر او حلال میشود، ولی صید و زن بر او حرام است، و وقتی طواف نساء و نماز آن را که دستورش مثل طواف زیارت و نماز آن است بجا آورد، زن و صید هائی که برای احرام بر او حرام شده بود بر او

حلال میشود، اما صید حیوانات حرم که حرمت آن برای حرم است بر او حرام میباشد، و احتیاط واجب در حج تمتع آن است که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب کند.

(مسأله ۲۰۷) از آنچه گفته شد معلوم شد که هر کس حج تمتع بجا آورد بتدریج محرمات احرام در سه مرتبه بر او حلال میشود: اول - بعد از حلق یا تقصیر. دوم - بعد از سعی بین صفا و مروه. سوم - بعد از نماز طواف نساء.

(مسأله ۲۰۸) اگر کسی عمداً اگر چه جاهل باشد یا سهواً طواف نساء و نماز آن را ترك نماید حجش فاسد نمیشود، بلکه واجب است آن را بجا آورد، و تا آن را بجا نیاورد زن بر او حلال نمیشود، حتی عقد کردن و شاهد عقد شدن هم حرام است، و احتیاط واجب آن است که ادای شهادت هم ننماید، و هم چنین زن تا طواف نساء را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمیشود.



مستحبات طواف زیارت و سعی

و طواف نساء

(مسأله ۲۰۹) مستحبات طواف زیارت و سعی و

طواف نساء چند چیز است:

از جمله آن که روز عید، بعد از اعمال منی به مکه برگردد، و اگر نشد فردای آن روز که روز یازدهم است مراجعت به مکه کند، و دیگر آن که غسل کند، و متوجه مسجد الحرام شود، و ذکر و تمجید و تعظیم الهی را بجا آورد، و بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم، صلوات بفرستد، و چون به در مسجد الحرام آید این دعا را بخواند:

اللهم أعني على نسكك وسلمني له وسلمه لي

اللهم إني أسألك مسألة العليل الذليل المعترف

بذنبه، أن تغفر لي ذنوبي، و أن ترجعني بحاجتي،  
اللهم إني عبدك والبلد بلدك، والبيت بيتك، جئت  
أطلب رحمتك، وأؤم طاعتك، متبعا لا مرك، راضيا  
بقدرك، أسألك مسألة الفقير المضطر اليك،  
المطيع لا مرك، المشفق من عذابك، الخائف  
لعقوبتك، أن تبلغني عفوك، وتجيرني من النار  
برحمتك.

پس به نزد حجر الاسود بیاید و آن را ببوسد، و آنچه در  
طواف عمره بجای آورده بجا آورد، و تکبیر بگوید و نیت  
کند، و هفت شوط بدستوری که در طواف عمره گفته شد  
طواف کند، آداب طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف  
نساء و نماز آن، چنان است که سابقا در طواف و سعی  
عمره گفته شد.

ماندن در منی در شبهای تشریق  
شبهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم  
(مسأله ۲۱۰) دوازدهم از واجبات حج تمتع، ماندن در  
منی در شبهای یازدهم و دوازدهم است، و اگر از زن یا صید  
پرهیز نکرده باشد واجب است شب سیزدهم را نیز بماند،  
پس بر کسی که حج میگذارد اگر روز عید برای طواف و  
سعی به مکه رفته باشد، واجب است برای آن که این شبها  
را در منی به سر برد به منی برگردد.  
(مسأله ۲۱۱) برگشتن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم  
جایز است، و قبل از ظهر جایز نیست، و اگر تا شب  
برنگشت باید شب را در آنجا بماند، و در روز سیزدهم نیز  
به سه جمره سنگ بیندازد.  
(مسأله ۲۱۲) برای ماندن در منی در این شبها باید نیت

کند که این شب را در منی ممانم از برای حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند متعال.  
(مسأله ۲۱۳) باید تا بعد از نصف شب در منی بماند، پس اگر بعد از نصف شب بیرون رود ضرر ندارد، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.  
(مسأله ۲۱۴) اگر کسی بدون عذر، ماندن در این شبها را در منی ترك کند گناه نموده لیکن حج او صحیح است، و واجب است که برای هر شبی يك گوسفند ذبح نماید. و احتیاط آن است که اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر، مثل بیماری و پرستار بودن ترك کرد يك گوسفند ذبح نماید، هر چند گناه نکرده است.  
(مسأله ۲۱۵) برای کسی که این شبها را به عبادت در مکه احیا کند، و به کار دیگر غیر از عبادت مشغول نباشد مگر کارهای ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو، ماندن در منی واجب نیست و کفاره ندارد.

رمی جمرات سه گانه  
(مسأله ۲۱۶) واجب است در روز یازدهم و دوازدهم  
رمی جمرات، یعنی انداختن هفت سنگریزه به سه جمره،  
به این ترتیب:  
اول - جمره اولی.  
دوم - جمره وسطی.  
سوم - جمره عقبه.

پس اگر بر خلاف این ترتیب رمی کند باید دوباره آنچه  
را بر خلاف ترتیب انجام داده از سر بگیرد که ترتیب به عمل  
آید. پس اگر مثلاً اول به جمره وسطی سنگ انداخت، و  
بعد به جمره اولی، باید رمی جمره وسطی را دوباره انجام  
دهد و بعد از آن رمی جمره عقبه را بجا آورد.

(مسأله ۲۱۷) در روز سیزدهم نیز بر کسی که ماندن شب بر او به شرطی که گفته شد واجب شده باشد، رمی جمرات سه گانه واجب است.

(مسأله ۲۱۸) اگر چهار سنگ به جمره انداخت و از روی فراموشی مشغول رمی جمره بعد شد کفایت میکند، و سه سنگ باقی مانده را بعد از آن به جمره ای که چهار سنگ زده بزند، و اگر عمدا باشد احتیاط لازم آن است که با رعایت ترتیب رمی را دوباره انجام دهد، چنان که احوط الحاق جاهل است به عامد.

(مسأله ۲۱۹) واجبات دیگر رمی، به شرحی است که در اعمال منی در رمی عقبه گفته شد.

(مسأله ۲۲۰) اگر کسی رمی جمرات سه گانه را سهوا یا عمدا اگر چه جاهل باشد ترك کرد، باید اگر به مکه یا خارج مکه هم رفته تا ایام تشریق نگذشته برگردد به منی، و رمی را بجا آورد، و اگر متمکن از رجوع نیست نایب بگیرد و اگر

تا ایام تشریق خودش یا نایش بجا نیورد، باید در سال بعد خودش یا نایش رمی را قضا نماید در ایام تشریق.  
(مسأله ۲۲۱) اگر کسی مریض باشد و مأیوس باشد از این که بتواند در وقتی که گفته شد رمی نماید، دیگری به نیابت او رمی کند، و اگر ممکن باشد سنگ را بدست خود بگیرد، و دیگری رمی کند، و اگر خوب شد اعاده رمی لازم نیست، اگر چه احوط آن است که در صورتی که در ایام تشریق خوب شود خودش آن را بجا آورد.  
(مسأله ۲۲۲) کسی که عمدا رمی جمرات را ترك کند حش باطل نمیشود ولی گناه کرده.  
(مسأله ۲۲۳) اگر کسی نتواند بواسطه عذری در روز، رمی کند، میتواند در شب قبل از آن روز، آن را انجام دهد.  
(مسأله ۲۲۴) اگر رمی يك روز را فراموش کرد روز دیگر یادش آمد، باید اول قضای رمی روز گذشته را انجام دهد، و بعد رمی واجب آن روز را بجا آورد.

(مسأله ۲۲۵) کسی که بر او ماندن شب سیزدهم در منی واجب نیست، لازم نیست روز سیزدهم رمی جمرات نماید.

مستحبات منی در روزهای

یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

(مسأله ۲۲۶) در این روزها چند چیز مستحب است:

۱ - چون از مکه به منی مراجعت کند بگوید:

اللهم بك وثقت، وبك آمنت ولك أسلمت،

وعليك توكلت فنعم الرب ونعم المولى، ونعم

النصير.

۲ - آن که اگر طواف زیارت را روز عید بجا آورده در این

سه روز از منی بیرون نرود، حتی به جهت طواف مستحب.

۳ - در وقت رمی جمره اولی و وسطی رو به قبله کند، و

در جانب چپ جمره بایستد و رمی کند، و در رمی جمره



عقبه رو به روی آن بایستد و پشت به قبله نماید، بلکه احوط است چنان که گذشت.

۴ - موقع رمی، الله اکبر بگویند، و حمد و ثنای خداوند عالم بجا آورد، و صلوات بفرستند، پس اندکی پیش رود و دعا کند و بگوید:  
اللهم تقبل منی.

پس کمی بیشتر رود و دعائی را که روز دهم در وقت رمی میخواند بخواند و رمی کند.

۵ - تکبیر گفتن در منی مستحب است، و احوط آن است که آن را در منی و غیر آن ترك نکند، و در منی عقب پانزده نماز، از نماز ظهر روز عید تا نماز صبح روز سیزدهم، تکبیر بگویند، و کیفیت آن چنانچه در بعضی روایات است این است:

الله اکبر الله اکبر لا إله الا الله والله اکبر الله اکبر،

و لله الحمد الله اكبر على ما هدانا، الله اكبر على ما رزقنا من بهيمة الا نعام.  
و در بعضی از روایات در آخر آن این جمله نیز هست:  
والحمد لله على ما أبلانا.

۶ - اگر روز دوازدهم از منی کوچ کرد بیست و يك سنگریزه را در منی دفن کند.

۷ - نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که هر که در مسجد خیف صد رکعت نماز بگذارد پیش از آن که از مسجد بیرون رود، برابر است با عبادت هفتاد سال، و هر که صد مرتبه سبحان الله بگوید بنویسند از برای او ثواب بنده آزاد کردن، و هر که صد مرتبه لا إله الا الله بگوید برابر است با ثواب احیاء نفسی، و هر که صد مرتبه الحمد لله بگوید، برابر است با خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهد.

مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع  
(مسأله ۲۲۷) مستحب است مراجعت از منی به مکه  
به جهت طواف وداع، هر گاه طواف واجب و سعی و  
طواف نساء را قبلا انجام داده باشد، و اگر انجام نداده باشد  
واجب است برگشتن به مکه برای بجا آوردن آنها.  
(مسأله ۲۲۸) مستحب است پیش از حرکت از منی  
شش رکعت نماز در مسجد خیف بخواند.  
(مسأله ۲۲۹) مستحب است که چون به مکه رود  
داخل خانه کعبه شود خصوصا اگر حج اولش باشد، که در  
حدیث است: داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت  
خدا است، و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان است.  
(مسأله ۲۳۰) مستحب است به جهت وارد شدن در  
خانه کعبه غسل کند، و پای برهنه وارد شود، و پیش از  
ورود هر دو حلقه در را بگیرد و بگوید:

اللهم إن البيت بيتك، والعبد عبدك، وقد قلت من  
دخله كان آمناً، فأمني من عذابك، واجرني من  
سخطك.

(پس داخل شود و بگوید)

اللهم انت قلت في كتابك، و من دخله كان آمناً،  
اللهم فأمني من عذابك عذاب النار.

پس دو رکعت نماز بخواند در میان دو ستون سر سنگ  
سرخ، و در رکعت اول بعد از حمد، سوره (حم سجده) و  
در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و چهار آیه از سایر قرآن  
بخواند، و در گوشه های خانه نیز نماز بخواند، پس به رکنی  
آید که در آنجا حجر الاسود است، و بطن خود را به آن  
بچسباند، پس دور ستون بگردد و ظهر و بطن خود را به آن  
ستون بمالد، و چون خواست بیرون آید نردبان را بدست  
چپ بگیرد، و نزدیک کعبه دو رکعت نماز بخواند.  
(مسأله ۲۳۱) مستحب است بسیار طواف کردن، و آن

برای حاجیان از نماز مستحبی بهتر است، لکن در سعی غیر از سعی واجب در هر يك از حج و عمره مشروع بودن آن، چه برای خود و چه به نیابت از غیر، محل اشکال است. (مسأله ۲۳۲) مستحب است طواف به نیابت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرات دوازده امام علیهم السلام، و به نیابت پدر و مادر و زن و فرزند، و اهل شهر و سایر مؤمنین و ثواب آن بسیار است و ممکن است يك طواف به نیابت چند نفر بجا آورد. (مسأله ۲۳۳) مستحب است بجا آوردن سیصد و شصت طواف به عدد ایام سال و اگر نتوانست سیصد و شصت دور طواف کند که پنجاه و يك طواف و سه شوط میشود و چون هر طواف باید هفت دور باشد چهار دور دیگر بر آن اضافه کند که پنجاه و دو طواف شود. (مسأله ۲۳۴) مستحب است ختم قرآن مجید در مکه، و مشرف شدن به مکان ولادت حضرت رسول صلی الله علیه وآله

و منزل حضرت خدیجه ام المؤمنین، و زیارت  
قبر حضرت اَبی طالب و عبدالمطلب و آمنه مادر مکرمه  
پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبر خدیجه ام المؤمنین که در  
حجون معروف است، و رفتن به غار حرا که حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله در ابتدای بعثت در آن عبادت میکردند  
و رفتن به غار ثور.

دستور عمره مفرده

(مسأله ۲۳۵) بعد از انجام اعمال حج عمره مفرده مستحب است و فاصله بین عمره مفرده بعد از حج عمره تمتع معتبر نیست پس میتواند بلا فاصله بعد از انجام حج تمتع، عمره مفرده بجای آورد. بلی اگر عمره مفرده را برای خودش انجام داده باشد و بخواهد مکرراً برای خودش بجای آورد یا اگر برای دیگری بجای آورده و بخواهد مکرراً برای همان شخص بجا آورد چون در همان ماهی است که عمره اولی را بجای آورده عمره دوم را رجأ بجا آورد ولی در تکرار عمره به قصد اشخاص مختلف فصل معتبر نیست.

(مسأله ۲۳۶) میقات احرام عمره مفرده ادنی الحل است و مقصود از آن اولین مکان خارج حرم است از هر

طرف و بهتر احرام بستن از (جعرانه) یا (تنعیم) یا  
(حدیبیه) است.  
(مسأله ۲۳۷) در عمره مفرده بعد از احرام، طواف و  
نماز طواف و سعی و تقصیر کند، و طواف نساء و نماز آن  
لازم است، و تا بجا نیاورد زن بر مرد و مرد بر زن حلال  
نمیشود.



## طواف وداع

(مسأله ۲۳۸) چون بخواهد از مکه بیرون رود مستحب است غسل کند، و طواف وداع بجا آورد، و در هر دوری دست یا بدن به حجر الاسود و رکن یمانی برساند، و چون به مستجار رسد دعاهائی را که پیش از این گفته شد بخواند، پس به نزد حجر الاسود بیاید، و خود را به خانه بساید، و يك دست به حجر الاسود گذارد و دست دیگر بجانب خانه بگشاید، و حمد و ثنای خداوند متعال را بجا آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرستد، و مستحب است که از در حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود، و عزم کند که دوباره به حج برگردد، و از خدا بخواهد که به او توفیق مراجعت عنایت فرماید، و در وقت بیرون رفتن يك درهم خرما بگیرد و تصدق بدهد بر فقرا، برای احتمال آن که در حال احرام از روی غفلت بعضی محرمات حال احرام را مرتکب شده باشد.

### استفتائات حج

س - اگر کسی نذر احرام پیش از میقات کرده باشد و پیش از میقات محرم شود و بعد از ورود به جده وسایل حرکت او به مدینه فراهم شود، آیا میتواند محل شود و به مدینه برود و بعد از آن از میقات دیگر محرم شده و وارد مکه شود؟

ج - انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن از احرام نمیشود، و با آن که احرام بسته، تجدید به نحو جزم مشروع نمیشود، بلی رجأ بخواند در مسجد شجره تجدید نیت کند مانعی ندارد.

س - اگر از حاجی در حال احرام عملی سرزند که موجب کفاره است حیوان کفاره را در کجا باید ذبح یا نحر کند؟

ج - در احرام عمره تمتع احوط آن است که در مکه ذبح یا نحر نماید، و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند، و اگر عمدا یا از روی فراموشی در این دو مکان ذبح نکرد، در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید، و اگر ممکن نشد هر چند به واسطه عدم دسترسی به فقیر مؤمن در مکه و منی باشد در شهر خودش یا در جای دیگر رجأ ذبح نماید.

س - در حیوان کفاره نیز، رعایت شرایط حیوان قربانی در منی لازم است یا خیر؟

ج - احتیاط مستحب رعایت آن شرایط است.

س - سجده کردن بر سنگهایی که مسجد الحرام و مشاهد مشرفه به آن فرش شده، از سنگ مرمر و غیر آن جایز است یا خیر؟

ج - بلی جایز است، و معادنی که سجده بر آن جایز نیست معادنی است که عرفا به آنها زمین گفته نمیشود،

مثل طلا و نقره و عقیق و مس و برنج و سایر فلزات.  
س - اگر جامه احرام را با پول خمس یا زکات نداده  
خریده باشند، احرام در آن صحیح است یا خیر؟  
ج - اگر به عین آن پول معامله واقع شده باشد احرام در  
آن جایز نیست، و هم چنین اگر خود جامه احرام متعلق  
خمس شده باشد محرم شدن در آن جایز نیست، و طواف  
در آن باطل است ولی اگر آن را با پول کلی خریده باشد  
احرام در آن ضرر ندارد هر چند در مقام پرداخت قیمت،  
پول خمس یا زکات نداده را بدهد لکن ذمه او به مقدار  
خمس یا زکات بری نمیشود، و ضامن آن مقدار خمس و  
زکات میباشد.

س - در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بواسطه ازدحام  
و کثرت جمعیت، ممکن نمیشود که در موقع نماز طواف،  
مرد یا زن طوری بایستند که محاذی هم نباشند و یا زن، جلو

مشغول نماز نباشد، در این صورت نماز آنها صحیح است یا خیر.

ج - بلی صحیح است.

س - کسی که مردانسته است در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند، ولی جای آنها را نمودارسته و از کسی پرسیده و او مروه را بجای صفا به او نشان داده، و بنا بگفته او از مروه شروع به سعی کرده، پس از این که هفت مرتبه سعی انجام داده، ملتفت اشتباه شده، و يك مرتبه دیگر سعی نموده، آیا سعی او صحیح است یا خیر؟

ج - احوط اعاده سعی است.

س - اگر زن بعد از اعمال حج در منی حائض شود، و به مکه بیاید، و پیش از آن که پاك شود ناچار به رفتن از مکه شود، مثل این که همراهان او عازم مراجعت باشند، آیا میتواند برای طواف حج و نماز آن، و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد؟

ج - بلی لازم است بر او که نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف حج و نماز آن را انجام داد، خودش سعی را بجا آورد، و بعد از سعی برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

س - کسی که حج تمتع بجا آورد اگر پس از احرام و بعد از وارد شدن به حرم فوت شود، کفایت از سایر اعمال حج منماید یا باید برای او نایب گرفته شود؟

ج - کفایت میکند و گرفتن نایب لازم نیست خواه حج خودش باشد یا نایب از غیر باشد.

س - اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود ببیند و شك کند که پیش از انجام عمل، حیض شده یا بعد از تمام شدن اعمال، حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اعتنا به این شك نکند و حج او محکوم به صحت است.

س - کسی که با احرام عمره تمتع وارد جده شد، و به واسطه نبودن وسیله، احرام را به هم زد و رفت به مدینه منوره، که در مراجعت، از مسجد شجره محرم شود حکمش چیست؟

ج - شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده تا اعمال عمره را تمام نکند از احرام بیرون نمرود، اگر چه قصد به هم زدن آن را کرده باشد، و باید با همان احرام، عمره را تمام کند، و تجدید احرام، بعد از برگشت از مدینه لازم نیست، لیکن اگر بخواهد رجاً در مسجد شجره تجدید احرام کند مانعی ندارد، ولی لازم نیست، و اگر به گمان این که احرامش به هم خورده مرتکب یکی از محرمات شود، حکم آن در احکام محرمات احرام گفته شد.

س - شخصی که به احرام عمره تمتع، در ماه شوال و ذی قعدة و ذی حجه وارد مکه معظمه شود و بعد از اتمام عمره قصد رفتن به مدینه یا محل دیگری کرد که در

مراجعت از میقات، مجددا احرام ببندد آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج - کسی که عمره تمتع را بجا آورده و محل شده، تا حج را بجا نیاورد جایز نیست از مکه بیرون رود مگر برای حاجت، که در این صورت میتواند از سه روز پیش از ترویبه در مکه محرم شود به احرام حج تمتع، و بعد برای انجام حاجت خود از مکه بیرون برود، و پس از مراجعت، با همان احرام، باقی اعمال حج را بجا آورد. اما قبل از سه روز در صورتی که ترك خروج برای او حرجی باشد میتواند بدون احرام بیرون برود، پس اگر مراجعتش در همان ماهی باشد که عمره اولی را بجا آورده همان عمره اولی کافی است، و جایز نیست دوباره محرم شود به احرام عمره، و اگر در غیر آن ماه باشد باید در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود، و بعد از وارد شدن به مکه عمره تمتع را انجام



دهد و عمره اولی مفرده مشود، و بعد محرم به احرام حج شود.

س - كفاره كشتن ملخ در حال احرام چیست؟

ج - يك كف طعام يا يك دانه خرما است بطور تخيير، و اگر هر دو را بدهد بهتر است.

س - اگر ملخ را در حال احرام بکشد و بخورد كفاره آن چیست؟

ج - يك گوسفند قربانی بر او واجب مشود.

س - اگر ملخ بسیار باشد و همه آنها را بکشد حکم آن چیست؟

ج - احوط آن است که اگر بیشتر از يك ملخ کشته باشد يك گوسفند قربانی کند، و احوط از آن، ضمیمه ساختن يك كف طعام و يك دانه خرما است.

س - اگر از جهت زیادی ملخ در بین راه نتواند خود را از

کشتن آنها حفظ نماید چه کند؟  
ج - در این صورت چیزی بر او واجب نیست.  
س - روزه گرفتن در روزهای تشریق جایز است یا نه؟  
ج - بر کسی که در منی باشد حرام است، و روزه عید قربان بر همه کس حرام است.  
س - طواف نساء و نماز آن که اگر در عمره مفرده و در حج بجا آورده نشود زن حلال نمیشود، بر زنها نیز این طواف و نماز آن لازم است یا نه؟  
ج - بلی بر زن نیز لازم است و تا آن را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمیشود، بلکه اگر طفل را هم محرم نمودند طواف نساء او هم لازم است، و تا طواف نساء او انجام نشود زن بر او حلال نمیشود.  
س - نماز طواف مستحب، واجب است یا مستحب؟  
ج - مستحب است.

س - در حرم بر محل، صید کردن حرام است یا نه؟  
ج - هر صیدی که بر محرم در حال احرام حرام است بر محل نیز در حرم حرام است.  
س - کسی که بدون وصیت فوت نموده و مستطیع نیز بوده است، آیا حج بلدی برای او واجب است یا غیر بلدی هم کفایت میکند؟  
ج - حج میقاتی کفایت میکند.  
س - زنها در حال احرام میتوانند جوراب بپوشند یا بایستی روی پای آنها مثل مردان باز باشد؟  
ج - اقوی جواز پوشیدن جوراب است برای زن.  
س - بر حسب فتوای حضرت مستطاب عالی جایز است که محرم، در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر سر بگیرد، آیا مراد از منزل، شهر مکه است یا منزلی که در شهر مکه دارد، و هم چنین در منی و عرفات؟

ج - مراد از منزل، محل نزول است، در مقابل حال طی طریق، پس در شهر مکه و منی و عرفات و قهوه خانه های بین راه و امثال آن، برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانعی ندارد، هر چند در آمد و شد برای حوائج باشد.

س - پوشیده شدن روی پا در حال احرام در موقع نشستن، یا آمدن جامه احرام روی پا، در حال سیر، یا در منزل چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

س - در منزل سر روی بالش نرم گذاشتن که باعث پوشیدن مقداری از سر میشود چه صورت دارد؟

ج - سر روی بالش گذاردن مانعی ندارد.

س - در اثر هجوم جمعیت، وقت بوسیدن حجر الاسود ممکن است جامه احرام بعضی از حاجیان سر آنها را یا سر

سایر حجاج را پوشاند، اگر تصادفا این طور شد چه صورت دارد؟

ج - در صورت تصادف اشکال ندارد.

س - محرم اگر روی لباس دوخته یا پتوی دوخته بنشیند یا بخوابد، یا زیر پتوی دوخته یا لحاف بخوابد، چه صورت دارد؟

ج - اقوی جواز آن است، لیکن پتو و لحاف را به خود نپیچد که مثل لباس شود.

س - در غیر حال طواف و نماز آن اگر جامه احرام یا بدن محرم نجس شود، مثل نجس شدن بدن یا لباس در قربانگاه، آیا برای احرام او اشکال دارد یا نه؟

ج - برای احرام او اشکال ندارد و لکن احوط آن است که در صورت امکان تطهیر یا تبدیل نماید.

س - نظر حضرت عالی در باره کسی که در عمره مفرده

نماز طواف نساء را نخوانده، و به ولایت خود مراجعت کرده چیست؟

ج - اگر برگشتن به مسجد الحرام برای او دشوار باشد میتواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد.

س - شخصی بواسطه ندانستن مسأله، طواف نساء را بجا نیاورده، ولی نیت طواف مستحب کرده، به این نیت که این طواف را برای هر نقصانی که در طواف داشته ام قربه إلى الله بجا مآورم، و بعد از گذشتن يك سال ملتفت شده آیا این طواف او، از طواف نساء کفایت میکند؟

ج - در مورد سؤال احوط آن است که بعد از التفات، با زن نزدیکی نکند، و در صورت تمکن برود طواف نساء را خودش بجا آورد، و اگر مشقت دارد نایب بگیرد که برای او طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، اگر چه در غیر ماه حج باشد.

س - در حج لازم است که طواف نساء و نماز آن را بعد از طواف حج و نماز و سعی بجا آورد یا خیر؟

ج - بلی لازم است طواف نساء را بعد از سعی بجا آورد، و اگر عمدا مقدم داشت اعاده آن با نمازش بعد از سعی لازم است، و در صورت جهل و فراموشی اعاده آن احوط است، و اگر خودش نمیتواند اعاده کند نایب بگیرد.

س - کسی که عمره مفرده استجبایی بجا مآورد، اگر طواف نساء آن را عمدا اگر چه جاهل به حکم باشد یا سهوا ترك کند، آیا زن بر او حرام میشود؟

ج - بلی تا طواف نساء را بجا نیاورد زن بر او حلال نمیشود، و از این جهت فرقی میان عمره مفرده واجب و مستحب نیست.

س - در صورتی که جهلا نماز را قبل از طواف بجا آورد تکلیف او چیست؟

- ج - نماز را دوباره بجا آورد.
- س - اگر نماز طواف حج را بعد از سعی بجا آورد، آیا لازم است برای حفظ ترتیب، سعی را اعاده نماید؟
- ج - احتیاط مستحب اعاده سعی است.
- س - اگر جهلا سعی را بر طواف زیارت مقدم دارد چه حکمی دارد؟
- ج - احتیاط واجب آن است که سعی را اعاده نماید.
- س - روی صفا و مروه طاقی زده شده محاذی، زیر، آیا سعی را در طبقه فوقانی صحیح میدانید یا خیر؟
- ج - در صورتی که فوقانی بلند تر از کوه صفا و مروه نباشد بطوری که سعی بین دو کوه صدق بکند مانعی ندارد.
- س - آیا لازم است که تقصیر در عمره تمتع را بعد از سعی، بدون فاصله بجا آورد یا نه؟
- ج - قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است، و مدرکی



برای فوریت آن به نظر نرسیده.  
س - آیا اجازه مدهید که در حال ضرورت، يك نفر به نیابت از چند نفر قربانی نماید؟  
ج - در قربانی مباشرت شرط نیست، و می تواند وکیل این کار را انجام دهد، هر چند ضرورت نباشد لکن باید در حین قربانی قصد کند که این گوسفند قربانی زید است مثلاً اگر چند گوسفند به قصد چند نفر قربانی کند بدون قصد تعیین، صحیح نیست.

آداب تشریف به مدینه طیبه و زیارت حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم (مسأله ۲۳۹) یکی از مستحبات مؤکده مخصوصا برای حاجیان، زیارت مرقد منور و روضه مطهره حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله و مرقد مقدسه اهل بیت علیهم السلام و خصوصا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام است. و در حدیث وارد شده که ترك زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله بعد از حج، جفا بر آن حضرت است، و شرح فضایل و ثواب و آداب زیارت هر يك با زیارتهائی که وارد شده، در کتابهای دعا و زیارت مفصلا مذکور است، که سزاوار است به آن کتابها رجوع شود، و به طور اختصار به بعض مستحبات و آداب اشاره میشود.

- ۱ - مستحب است پیش از ورود به شهر مدینه یا پس از ورود به آن غسل کردن، و هم چنین مستحب است غسل، برای ورود در مسجد پیغمبر صلی الله علیه وآله و برای زیارت آن حضرت، و اگر در غسل اول هر سه را نیت کند کافی است.
- ۲ - از باب جبرئیل وارد شود.
- ۳ - اذن دخول بخواند.
- ۴ - با آرامی و وقار وارد مسجد شود.
- ۵ - در وقت ورود دعاهائی را که وارد شده بخواند.
- ۶ - دو رکعت نماز تحیت بجا آورد.
- ۷ - سلام دادن به آن حضرت از جانب پدر و مادر و رفقا.
- ۸ - دو رکعت نماز برای زیارت، و هدیه نمودن ثواب آن برای آن حضرت.

- ۹ - نزد منبر ایستادن، و حمد و ثنای خدا بجا آوردن و دعا کردن.
- ۱۰ - نماز و دعا در مقام جبرئیل علیه السلام.
- ۱۱ - نماز در خصوص روضه (بین قبر و منبر).
- ۱۲ - نماز در بیت فاطمه علیها السلام.
- ۱۳ - صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه وآله در وقت ورود و خروج از مسجد.
- ۱۴ - نماز در مقام پیغمبر صلی الله علیه وآله.
- ۱۵ - دو رکعت نماز نزد اسطوانه ابی لبابه معروف به اسطوانه توبه، و خواندن نمازهای وارده.
- ۱۶ - مواظبت بر اداء نمازهای واجب در مسجد پیغمبر صلی الله علیه وآله.
- و بر حسب بعض روایات، ثواب نماز در مسجد آن حضرت معادل با هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجد

الحرام، و در بعض روایات برابر ده هزار نماز است.  
۱۷ - در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله صدا را بلند نکند.

۱۸ - در مدینه از تصدق به فقیر هر چه میتواند کوتاهی نکند و هم چنین بسیار تسبیح و ذکر بگوید، و قرائت قرآن بکند و استغفار بنماید و صلوات بسیار بفرستد.

۱۹ - زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خانه آن حضرت، و بین قبر و منبر (روضه) و در بقیع بنماید.

۲۰ - زیارت فاطمه بنت اسد علیها سلام مادر محترمه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه وآله.

۲۱ - زیارت جناب حمزه و سایر شهدا احد در احد.

۲۲ - رفتن به مسجد قبا و مشربه ام ابراهیم فرزند رسول

خدا، و مسجد فضیخ که در آن رد شمس برای امیر المؤمنین  
علیه السلام شده، و مسجد احزاب و مساجد دیگر که در  
این مساجد نماز خواندن خصوصا مسجد قبا فضیلت بسیار  
دارد.

۲۳ - مستحب است نماز در مسجد غدیر خم که در بین  
مکه و مدینه در طرف رابع واقع است.

آداب زیارت  
مدینه منوره

(۲۲۷)

آداب زیارت مدینه منوره  
اما زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله.  
شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به  
مسجد حضرت رسول صلی الله علیه وآله یا در یکی از  
مشاهد مشرفه ائمه طاهرین علیهم السلام پس بگو:  
اللهم اني قد وقفت على باب من ابواب بيوت  
نبيك صلواتك عليه وآله، وقد منعت الناس ان  
يدخلوا الا بإذنه فقلت (يا ايها الذين امنوا لا تدخلوا  
بيوت النبي الا ان يؤذن لكم) اللهم اني اعتقد حرمة  
صاحب هذا المشهد الشريف في غيبته، كما  
اعتقدها في حضرته، واعلم ان رسولك وخلفائك  
عليهم السلام احياء عندك يرزقون، يرون مقامي



ويسمعون كلامي يردون سلامي، وانك حجبت  
عن سمعي كلامهم، وفتحت باب فهمي بلذيد  
مناجاتهم، واني استأذنك يا رب أولاً، واستأذن  
رسولك صلى الله عليه و آله ثانياً (واستأذن  
خليفتك الا امام المفروض علي طاعته.  
نام آن امامی را که زیارت کند ذکر میکند و هم چنین نام  
پدرش را ببرد مثلاً اگر در زیارت امام حسین علیه السلام  
است بگوید:

(الحسين بن علي عليهما السلام...)

و هكذا پس بگوید:  
والملائكة الموكلين بهذه البقعة المباركة ثالثاً،  
أدخل يا رسول الله، أدخل يا حجة الله، أدخل يا  
ملائكة الله المقربين المقيمين في هذا المشهد،  
فأذن لي يا مولاي في الدخول افضل ما اذنت لا حد  
من اوليائك، فان لم اكن اهلا لذلك فانت اهل لذلك.

پس داخل شو وبگو:  
بسم الله وبالله وفي سبيل الله، وعلى ملة رسول  
الله صلى الله عليه وآله، اللهم اغفر لي وارحمني،  
وتب علي، انك انت التواب الرحيم

## زیارت اول

کیفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله  
اما کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله  
و سلم پس چنین است هر گاه وارد شدی به مدینه پیغمبر  
صلی الله علیه وآله و سلم پس غسل کن برای زیارت و چون  
خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی، بایست نزد در و  
بخوان اذن دخول را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم بدار  
پای راست را در وقت دخول پس صد مرتبه (الله اکبر) بگو  
پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار، و برو به سمت  
حجره شریفه و بگو:  
السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا نبي  
الله

السلام عليك يا محمد بن عبد الله، السلام عليك  
يا خاتم النبيين، اشهد انك قد بلغت الرسالة،  
واقمت الصلاة، وآتيت الزكوة، وامرت  
بالمعروف، ونهيت عن المنكر، وعبدت الله  
مخلصا حتى أتاك اليقين، فصلوات الله عليك  
ورحمته وعلى اهل بيتك الطاهرين.

پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر مطهر  
است و رو به قبله که دوش چپ بجانب قبر باشد و دوش  
راست بجانب منبر که موضع سر رسول خدا صلی الله علیه  
وآله است بگو:

اشهد ان لا إله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان  
محمدا عبده ورسوله و اشهد انك رسول الله، وانك محمد  
بن عبد الله، و اشهد انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت  
لا متك، وجاهدت في سبيل الله، وعبدت الله حتى أتاك

اليقين بالحكمة والموعظة الحسنة واديت الذي عليك من  
الحق، وانك قد رؤفت بالمؤمنين، وغلظت على الكافرين،  
فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين، الحمد لله الذي  
استنقذنا بك من الشرك والضلالة اللهم فاجعل صلواتك  
وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين  
وعبادك الصالحين، واهل السماوات والا رضىين، ومن  
سبح لك يا رب العالمين من الا ولين والا خرين على  
محمد عبدك ورسولك ونيبك وامينك ونجيك وحبيبك  
وصفيك وخاصتك وصفوتك وخيرتك من خلقك، اللهم  
اعطه الدرجة الرفيعة، وآته الوسيلة من الجنة، وابعثه  
مقاما محمودا، يغبطه به الا ولون والا خرون، اللهم انك  
قلت: (ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوك فاستغفروا الله  
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيمًا)، واني  
اتيت نبيك مستغفرا تائبًا من ذنوبي، ويا محمد اني  
اتوجه بك إلى الله ربي وربك ليغفر لي ذنوبي.

و اگر تو را حاجتی باشد رو به قبله کن و دستها را بردار و حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار است که بر آورده شود إن شاء الله تعالی.

پس زیارت کن حضرت فاطمه سلام الله علیها را از نزد روضه مطهره و مستحب است که بگوئی:

السلام عليك يا بنت رسول الله، السلام عليك يا بنت  
نبي الله، السلام عليك يا بنت حبيب الله، السلام عليك يا  
بنت صفي الله، السلام عليك يا بنت امين الله، السلام  
عليك يا بنت خير خلق الله، السلام عليك يا بنت افضل  
انبياء الله ورسوله وملائكته، السلام عليك يا بنت خير  
البرية، السلام عليك يا سيدة نساء العالمين من الاولين  
و الاخرين، السلام عليك يا زوجة ولي الله و خير الخلق  
بعد رسول الله، السلام عليك يا ام الحسن والحسين  
سيدي شباب اهل الجنة، السلام عليك ايها الصديقة  
الشهيدة السلام عليك ايها المرضية المرضية السلام

عليك ايها الفاضلة الزكية السلام عليك ايها الحوراء  
الانسية، السلام عليك ايها التقية النقية، السلام عليك  
ايها المحدثة العليمة، السلام عليك ايها المظلومة  
المغصوبة، السلام عليك ايها المضطهدة المقهورة،  
السلام عليك يا فاطمة بنت رسول الله، السلام عليك  
وعلى بعلك وبنيك ورحمة الله وبركاته صلى الله عليك  
وعلى روحك وبدنك، اشهد انك مضيت على بينة من  
ربك، وان من شرك فقد سر رسول الله صلى الله عليه  
وآله، ومن جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله عليه وآله،  
ومن آذاك فقد آذى رسول الله صلى الله عليه وآله ومن  
وصلك فقد وصل رسول الله صلى الله عليه وآله، ومن  
قطعك فقد قطع رسول الله صلى الله عليه وآله، لا نك  
بضعة منه، وروحه التي بين جنبيه، اشهد الله ورسله  
و ملائكته، اني راض عمن رضيت عنه، ساخط على من  
سخطت عليه، متبري ممن تبرأت منه موال لمن واليت،

معاد لمن عاديت، مبغض لمن ابغضت، محب لمن  
احببت، وكفى بالله شهيدا وحسبنا وجزاء ومثيبا.  
پس صلوات مفرستی بر حضرت رسول و ائمه عليهم  
السلام.



زیارت دوم  
زیارت دوم زیارتی است که سید بن طاوس علیه  
الرحمة نقل نموده:  
السلام عليك يا سيدة نسا العالمين، السلام  
عليك يا والدة الحجج على الناس اجمعين، السلام  
عليك ايها المظلومة الممنوعة حقها.  
پس بگو:  
اللهم صل على امتك وابنة نبيك وزوجة وصي  
نبيك، صلاة تزلفها فوق زلفى عبادك المكرمين  
من اهل السماوات واهل الارضين.  
که روایت شده است که هر که به این زیارت آن حضرت  
را زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند حق تعالی

گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت نماید و بعضی از  
علماء این زیارت را اختصاص داده اند به روز وفات آن  
مظلومه که سوم جمادی الثانی باشد و صلوات بر آن  
مظلومه این است:

اللهم صل على الصديقة فاطمة الزكية حبيبة  
حبيبيك و نبيك و ام احبائك و اصفيائك التي  
انتجبتها و فضلتها و اخترتها على نسا العالمين،  
اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها و استخف بحقها  
و كن الثائر اللهم بدم اولادها، اللهم و كما جعلتها  
ام ائمة الهدى و حليلة صاحب اللو، و الكريمة عند  
الملا الا على، فصل عليها و على امها صلاة تكرم  
بها وجه ابيها محمد صلى الله عليه و آله و تقربها  
اعين ذريتها، و ابلغهم عني في هذه الساعة افضل  
التحية و السلام.

در (بحار الانوار) از (تهذيب) نقل میکند از ابراهيم بن

محمد عريضى كه حضرت باقر عليه السلام فرمودند: وقتى كه موفق شدى به زيارت جده خود فاطمه سلام الله عليها بگو:

يا ممتحنة امتحنك الله الذي خلقك قبل ان  
يخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة، وزعمنا انا لك  
اولياء ومصدقون وصابرون لكل ما اتانا به ابوك  
صلى الله عليه وآله، واتانا به وصيه، فانا نساء لك  
ان كنا صدقناك الا الحقنا بتصدقنا لهما لنبشر  
انفسنا بانا قد طهرنا بولايتك.

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام  
زیارت ائمه بقیع علیهم السلام یعنی حضرت امام حسن  
مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر  
صادق علیهم السلام.

چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید به عمل  
آوری آنچه در آداب زیارت ذکر شد از غسل و طهارت  
و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و  
رخصت طلبیدن در دخول و نحو اینها و نیز بگو:

یا موالی یا ابناً رسول الله، عبدکم وابن امتکم،  
الدلیل بین ایدیکم والمضعف فی علو قدرکم،  
والمعترف بحقکم جاء کم مستجیراً بکم، قاصداً  
إلی حرمکم متقرباً إلی مقامکم متوسلاً إلی الله

تعالی بكم، أدخل يا موالی، أدخل يا اولیاً الله،  
أدخل يا ملائكة الله المحققين بهذا الحرم،  
المقيمين بهذا المشهد.  
و بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای  
راست را مقدم دار و بگو:  
الله اكبر كبریا، والحمد لله كثيرا، وسبحان الله  
بكرة واصیلا، والحمد لله الفرد الصمد، الماجد  
الا حد، المتفضل المنان، المتطول الحنان، الذي من  
بطوله، وسهل زیارة ساداتي باحسانه ولم  
يجعلني عن زیارتهم ممنوعا بل تطول و منح.  
پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو  
به قبر ایشان کن و بگو:  
السلام علیکم ائمة الهدی السلام علیکم اهل التقوی،  
السلام علیکم ایها الحجج علی اهل الدنیا، السلام علیکم  
ایها القوام فی البریة بالقسط، السلام علیکم اهل

الصفوة، السلام عليكم آل رسول الله، السلام عليكم اهل  
النجوى، اشهد انكم قد بلغتكم ونصحتكم وصبرتم في ذات  
الله، وكذبتكم واسيىء اليكم فغفرتكم، واشهد انكم الائمة  
الراشدون المهتدون، وان طاعتكم مفروضة، وان قولكم  
الصدق وانكم دعوتكم فلم تجابوا، وامرتم فلم تطاعوا  
وانكم دعائم الدين واركان الارض، لم تزالوا بعين الله،  
ينسخكم من اصلاب كل مطهر، وينقلكم من ارحام  
المطهرات، لم تدنسكم الجاهلية الجهلاء، ولم تشرك  
فيكم فتن الا هواء طبتم وطاب منبتكم، من بكم علينا ديان  
الدين، فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها  
اسمه وجعل صلوتنا عليكم رحمة لنا وكفارة لذنوبنا، اذ  
اختاركم الله لنا، وطيب خلقنا بما من به علينا من  
ولايتكم، وكنا عنده مسمين بعلمكم معترفين بتصديقنا  
اياكم، وهذا مقام من اسرف واخطأ واستكان واقرب بما  
جنى، ورجى بمقامه الخلاص، وان يستنقذه بكم

مستنقذ الهلكى من الردى، فكونوا لي شفعا، فقد وفدت اليكم اذ رغب عنكم اهل الدنيا واتخذوا آيات الله هزوا، واستكبروا عنها. يا من هو قائم لا يسهو، ودائم لا يلهو، ومحيط بكل شي، لك المن بما وفقني وعرفتني بما اقمتمني عليه، اذ صد عنه عبادك وجهلوا معرفته، واستخفوا بحقه، ومالوا إلى سواه فكانت المنة منك علي مع اقوام خصصتهم بما خصصتني به، فلك الحمد اذ كنت عندك في مقامي هذا مذكورا مكتوبا فلا تحرمني ما رجوت، ولا تخيبيني فيما دعوت، بحرمة محمد واله الطاهرين، وصلى الله على محمد وآل محمد.

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت.

زیارت امین الله  
که در جمیع روضات مقدسه باید به آن مواظبت نمود از  
حضرت امام زین العابدین علیه السلام مأثور است که به  
زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد، نزد قبر  
ایستاد و گریست و گفت:  
السلام عليك يا امين الله في ارضه وحجته على  
عباده السلام عليك يا امير المؤمنين  
(اگر زیارت برای غیر امیر المؤمنین خوانده شود)  
السلام عليك يا امير المؤمنين در آن گفته نمیشود، بلکه  
رجاء نام امامی را که زیارت میکند ببرد و بعد بدون هیچ  
تغییری زیارت را تا آخر بخواند لیکن در قبرستان بقیع که  
قبور شریفه چهار امام در آنجا است هر گاه همه آن بزرگواران



با هم به يك مرتبه زيارت امين الله خواندن زيارت شونند  
زيارت را به اين نحو شروع كند.

السلام عليكم يا امناء الله في ارضه وحججه  
على عباده. اشهد انكم جاهدتم في الله حق جهاده  
وعملتم بكتابه، واتبعتم سنن نبيه صلى الله عليه  
واله حتى دعاكم الله إلى جواره فقبضكم اليه  
باختياره، والزم أعداءكم الحججة مع ما لكم من  
الحجج البالغة على جميع خلقه، واز جملة (اللهم  
اجعل)

بدون تغيير زيارت را تا آخر بخواند.

اللهم اجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية  
بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة  
اوليائك، محبوبة في ارضك وسمائك صابرة  
على نزول بلائك، شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة  
لسوابغ آلائك، مشتاقة إلى فرحة لقاءك، متزودة

التقوى ليوم جزائك، مستننة بسنن اوليائك،  
مفارقة لا خلاق اعدائك، مشغولة عن الدنيا  
بحمدك وثنائك.

پس پهلوى روى مبارك خود را بر قبر گذاشت و گفت:  
اللهم ان قلوب المحبتين اليك والهة وسبل  
الراغبين اليك شارعة واعلام القاصدين اليك  
واضحة وافئدة العارفين منك فازعة واصوات  
الداعين اليك صاعدة وابواب الاجابة لهم مفتحة  
ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك  
مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة  
والا غائة لمن استغاث بك موجودة والا عانة لمن  
استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل  
من استقالك مقالة واعمال العاملين لديك  
محفوظة وارزاقك إلى الخلائق من لدنك نازلة  
وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين

مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وحوائج  
السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة  
وموائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء  
مترعة، اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع  
بيني وبين اوليائي بحق محمد وعلي وفاطمة  
والحسن والحسين، انك ولي نعمائي ومنتهمي  
مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي.  
ودر كامل الزياره اين اضافات مسطور است.  
انت الهي وسيدي ومولاي اغفر لاوليائنا وكف  
عنا اعدائنا واشغلهم عن اذانا واطهر كلمة الحق  
واجعلها العليا وادحض كلمة الباطل واجعلها  
السفلى انك على كل شي قدير.

ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه  
در زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه وآله  
و سلم مایستی نزدیک قبر و مگویی.  
السلام علی رسول الله، السلام علی نبی الله، السلام  
علی حبیب الله، السلام علی صفی الله، السلام علی نجی  
الله، السلام علی محمد بن عبد الله، سید الانبیاء و خاتم  
المرسلین و خیرة الله من خلقه فی ارضه و سمائه،  
السلام علی جمیع انبیائه و رسله السلام علی الشهداء و  
السعداء و الصالحین، السلام علینا و علی عباد الله  
الصالحین، السلام علیک ایتها الروح الزاکیة، السلام  
علیک ایتها النفس الشریفة، السلام علیک ایتها السلالة  
الطاهرة، السلام علیک ایتها النسمة الزاکیة، السلام علیک

يا بن خير الورى، السلام عليك يا بن النبي المجتبى،  
السلام عليك يا بن المبعوث إلى كافة الورى، السلام  
عليك يا بن البشير النذير، السلام عليك يا بن السراج  
المنير، السلام عليك يا بن المؤيد بالقرآن، السلام عليك  
يا بن المرسل إلى الانس والجان السلام عليك يا بن  
صاحب الراية والعلامة، السلام عليك يا بن الشفيح يوم  
القيامة السلام عليك يا بن من حباه الله بالكرامة، السلام  
عليك ورحمة الله وبركاته اشهد انك قد اختار الله لك دار  
انعامه قبل ان يكتب عليك احكامه او يكلفك حاله  
وحرامه فنقلك اليه طيبا زاكيا مرضيا طاهرا من كل  
نجس مقدسا من كل دنس وبوأك جنة المأوى ورفعك  
إلى الدرجات العلى وصلى الله عليك صلاة تقربها عين  
رسوله وتبلغه اكبر مأموله.  
اللهم اجعل افضل صلواتك وازكاها وانمى بركاتك  
وأوفاهها على رسولك ونبيك من خلقك محمد خاتم

النبيين، وعلى من نسل من اولاده الطيبين الطاهرين  
وعلى من خلف من عترته الطاهرين برحمتك يا ارحم  
الراحمين. اللهم اني أسألك بحق محمد صفيك و ابراهيم  
نجل نبيك ان تجعل سعبي بهم مشكورا وذنبي بهم  
مغفورا وحياتي بهم سعيدة وعاقبتي بهم مرضية  
واموري بهم مسعودة وشئوني بهم محمودة، اللهم  
واحسن لي التوفيق ونفس عني كل هم وضيق، اللهم  
جنبني عقابك وامنحني ثوابك واسكني جناتك وارزقني  
رضوانك وامانك واشرك لي في صالح دعائي والذي  
وولدي وجميع المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم  
والاموات انك ولي الباقيات الصالحات، آمين رب  
العالمين.  
پس بخواه حاجات خود را و دو ركعت نماز زيارت  
بخوان.  
زيارت جناب فاطمه بنت اسد والده محترمه

امير المؤمنين عليه السلام ما يستى نرد قبر شريفش و  
مى گوئى:  
السلام على نبي الله، السلام على رسول الله، السلام  
على محمد سيد المرسلين، السلام على محمد سيد  
الاولين، السلام على محمد سيد الاخرين، السلام على  
من بعثه الله رحمة للعالمين السلام عليك ايها النبي  
ورحمة الله وبركاته، السلام على فاطمة بنت اسد  
الهاشمية، السلام عليك ايها الصديقة المرضية،  
السلام عليك يا كافلة محمد خاتم النبيين، السلام عليك يا  
والدة سيد الوصيين، السلام عليك يا من ظهرت شفقتها  
على رسول الله خاتم النبيين، السلام عليك يا من تربيتها  
لولي الله الامين، السلام عليك وعلى روحك وبدنك  
الطاهر، السلام عليك وعلى ولدك، ورحمة الله وبركاته،  
اشهد انك احسنت الكفالة، واديت الامانة، واجتهدت في  
مرضات الله، وبالغت في حفظ رسول الله، عارفة بحقه،

مؤمنة بصدقه، معترفة بنبوته، مستبصرة بنعمته،  
كافلة بتربيته، مشفقة على نفسه، واقفة على خدمته،  
مختارة رضاه، مؤثرة هواه، واشهد انك مضيت على  
الايمان والتمسك باشرف الاديان، راضية مرضية،  
طاهرة زكية، تقية نقية، فرضي الله عنك وارضاك،  
وجعل الجنة منزلك ومأواك، اللهم صل على محمد وآل  
محمد وانفعني بزيارتها وثبتني على محبتها، ولا  
تحرمني شفاعتها وشفاعة الائمة من ذريتها، وارزقني  
مرافقتها، واحشني معها ومع اولادها الطاهرين، اللهم  
لا تجعله اخر العهد من زيارتي اياها، وارزقني العود اليها  
ابدا ما ابقيتني، واذا توفيتني فاحشني في زمرتها،  
وادخلني في شفاعتها، برحمتك يا ارحم الراحمين، اللهم  
بحقها عندك ومنزلتها لديك، اغفرلي ولوالدي ولجميع  
المؤمنين والمؤمنات، وآتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة  
حسنة، وقنا برحمتك عذاب النار.



پس دو رکعت نماز زیارت مکنی و دعا می کنی به آنچه  
خواهی.

(۲۰۰)

زيارت حضرت حمزه عم بزرگوار  
پیغمبر صلی الله علیه وآله در احد  
چون به زیارت آن حضرت رفتی مگوئی نزد قبرش:  
السلام عليك يا عم رسول الله صلی الله علیه  
وآله، السلام عليك يا خير الشهداء، السلام عليك  
يا اسد الله واسد رسوله، اشهد انك قد جاهدت في  
الله عزوجل، وجدت بنفسك، ونصحت رسول الله،  
و كنت فيما عند الله سبحانه راغبا، بابي أنت وامي،  
اتيتك متقربا إلى الله عزوجل بزيارتك، ومتقربا  
إلى رسول الله صلی الله علیه وآله بذلك، راغبا اليك  
في الشفاعة، ابتغي بزيارتك خلاص نفسي  
متعوذا بك من نار ن استحقها مثلي بما جنيت على

نفسى، هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على  
ظهري، فزعا اليك رجاء رحمة ربي، اتيتك من  
شقة بعيدة، طالبا فكاك رقبتى من النار، وقد  
اوقرت ظهري ذنوبي، واتيت ما اسخط ربي، ولم  
اجد احدا افزع اليه خيرا لي منكم اهل بيت الرحمة،  
فكن لي شفيعا يوم فقري وحاجتي، فقد سرت  
اليك محزوننا، واتيتك مكروبا، و سكبت عبرتي  
عندك باكيا، وصرت اليك مفردا، وانت ممن  
امرني الله بصلته، وحثني على بره، ودلني على  
فضله، وهداني لحبه، ورغبني في الوفادة اليه،  
و الهمني طلب الحوائج عنده، انتم اهل بيت  
لايشقى من تولاكم، ولا يخيب من اتاكم،  
ولا يخسر من يهواكم، ولا يسعد من عاداكم.  
پس رو به قبله كن و دو ركعت نماز زيارت بجا آور و بعد  
از فراغ خود را به قبر بچسبان و بگو:

اللهم صل على محمد و آل محمد، اللهم اني تعرضت  
لرحمتك بلزومي لقبر عم نبيك صلى الله عليه وآله،  
ليجبرني من نعمتك في يوم تكثر فيه الا صوات، وتشغل  
كل نفس بما قدمت، وتجادل عن نفسها فان ترحمني  
اليوم فلا خوف على ولا حزن، وان تعاقب فمولي له  
القدرة علي عبده ولا تخيني بعد اليوم ولا تصرفني  
بغير حاجتي فقد لصقت بقبر عم نبيك، وتقربت به اليك  
ابتغاء مرضاتك ورجاء رحمتك فتقبل مني، وعد بحلمك  
علي جهلي، وبرأفتك علي جناية نفسي، فقد عظم جرمي،  
وما اخاف ان تظلمني ولكن اخاف سوء الحساب، فانظر  
اليوم قلبي علي قبر عم نبيك، فبهما فكني من النار، ولا  
تخيب سعبي، ولا يهونن عليك ابتهالي، ولا تحجن عنك  
صوتي، ولا تقلبني بغير حوائجي، يا غياث كل مكروب  
ومحزون، ويا مفرجا عن الملهوف الحيران الغريق  
المشرف على الهلكة، فصل على محمد وآل محمد،

وانظر الي نظرة لا اشقى بعدها ابدا، وارحم تضرعي  
وعبرتي وانفرادي فقد رجوت رضاك وتحريت الخير  
الذي لا يعطيه احد سواك، فلا ترد املي، اللهم ان تعاقب  
فمولي له القدرة على عبده وجزاءه بسوء فعله، فلا  
اخيبن اليوم، ولا تصرفني بغير حاجتي، ولا تخيبن  
شخصي ووفادتي، فقد انفدت نفقتي، واتعبت بدني،  
وقطعت المفازات، وخلفت الا هل والمال وما حولتني،  
وآثرت ما عندك على نفسي، ولذت بقبر عم نبيك صلى  
الله عليه وآله وتقربت به ابتغاء مرضاتك، فعد بحلمك  
على جهلي، وبرأفتك على ذنبي، فقد عظم جرمي،  
برحمتك يا كريم يا كريم.

زيارت قبور شهدأ احد رضوان الله عليهم  
السلام على رسول الله، السلام على نبي الله، السلام  
على محمد ابن عبد الله، السلام على اهل بيته الطاهرين،  
السلام عليكم ايها الشهداء المؤمنون، السلام عليكم يا  
اهل بيت الايمان والتوحيد، السلام عليكم يا انصار دين  
الله وانصار رسوله عليه وآله السلام سلام عليكم بما  
صبرتم فنعم عقبى الدار، اشهد ان الله اختاركم لدينه  
واصطفاكم لرسوله واشهد انكم قد جاهدتم في الله حق  
جهاده وذبيتم عن دين الله وعن نبيه وجدتم بانفسكم  
دونه واشهد انكم قتلتم على منهاج رسول الله فجزاكم  
الله عن نبيه وعن الا سلام واهله افضل الجزاء، وعرفنا  
وجوهكم في محل رضوانه وموضع اكرامه مع النبيين  
والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا.

اشهد انكم حزب الله وان من حاربكم فقد حارب الله  
وا نكم لمن المقربين الفائزين الذين هم احياء عند ربهم  
يرزقون، فعلى من قتلكم لعنة الله والملائكة و الناس  
اجمعين، اتيتكم يا اهل التوحيد زائرا وبحقكم عارفا  
وبزيارتكم إلى الله متقربا وبما سبق من شريف الاعمال  
ومرضي الافعال عالما فعليكم سلام الله ورحمته  
وبركاته وعلى من قتلكم لعنة الله وغضبه وسخطه،  
اللهم انفعني بزيارتهم وثبتني على قصدهم وتوفني  
على ما توفيتهم عليه واجمع بيني وبينهم في مستقر دار  
رحمتك اشهد انكم لنا فرط ونحن بكم لاحقون.  
و مسخواني سوره انا انزلناه في ليلة القدر را آنچه توانی.

زیارت وداع  
هر گاه خواستی از مدینه بیرون آئی غسل کن و برو نزد  
قبر پیغمبر صلی الله علیه وآله و زیارت آن بزرگوار را بجا آور  
پس وداع کن آن حضرت را و بگو:  
السلام عليك يا رسول الله، استودعك الله  
واسترعيك واقرأ عليك السلام، آمنت بالله وبما  
جئت به ودلت عليه، اللهم لا تجعله آخر العهد  
مني لزيارة قبر نبيك، فان توفيتني قبل ذلك فاني  
اشهد في مماتي على ما شهدت عليه في حياتي ان  
لا اله الا انت وان محمدا عبدك ورسولك صلي الله  
عليه وآله.  
و حضرت صادق عليه السلام (علی المحکي) در وداع



قبر پیغمبر به یونس بن یعقوب فرموده بگو:  
صلی الله علیک السلام لاجعله الله آخر  
تسلیمی علیک.

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفة  
(بشر و بشیر) فرزندان (غالب) روایت نموده اند، که در  
روز عرفة خدمت امام حسین علیه السلام رسیدیم در حالی  
که آن حضرت با اهل بیت و فرزندان و پیروانش از خیمه  
خارج شده و در طرف چپ کوه زیر آسمان روی پا ایستاده  
دستها را مقابل صورت گرفته و به حالت خضوع و خشوع  
کامل چنین میخواندند:

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي ليس لقضاءه دافع، ولا لعطاءه مانع،  
ولا كصنعه صنع صانع، وهو الجواد الواسع، فطر  
اجناس البدائع، واتقن بحكمته الصنائع، لا تخفى عليه  
الطلائع، ولا تضيع عنده الودائع، جازي كل صانع،

ورائش كل قانع، وراحم كل ضارع، ومنزل المنافع،  
والكتاب الجامع بالنور الساطع، وهو للدعوات سامع،  
وللكربات دافع و للدرجات رافع، وللجبايرة قانع، فلا اله  
غيره ولا شيء يعدله، وليس كمثلته شيء، وهو السميع  
البصير اللطيف الخبير، وهو على كل شيء قدير.  
اللهم اني ارغب اليك، واشهد بالربوبية لك، مقرا بانك  
ربي، وان اليك مردى، ابتدאתني بنعمتك قبل ان اكون  
شيئا مذكورا، وخلقنتني من التراب ثم اسكنتني  
الا صلاب، آمنا لريب المنون، واختلاف الدهور  
والسنين، فلم ازل ظاعنا من صلب إلى رحم في تقادم من  
الا يام الماضية والقرون الخالية، لم تخرجني لرافتك بي،  
ولطفك لي، واحسانك الي في دولة ائمة الكفر، الذين  
نقضوا عهدك، وكذبوا رسلك، لكنك اخرجتني للذي  
سبق لي من الهدى الذي له يسرتني، وفيه انشأتني، و  
من قبل ذلك رؤفت بي، بجميل صنعك وسوابع نعمك،

فابتدعت خلقي من مني يمني، واسكنتني في ظلمات  
ثلاث، بين لحم ودم وجلد، لم تشهدني خلقي، ولم تجعل  
الي شيئاً من امري، ثم اخرجتني للذي سبق لي من  
الهدى إلى الدنيا تاماً سوياً، وحفظتني في المهد طفلاً  
صبياً، ورزقتني من الغذاء لبناً مرياً، وعطفت علي قلوب  
الحواضن، وكفلتني الامهات الرواحم، وكلا تني من  
طوارق الجان، وسلمتني من الزيادة والنقصان،  
فتعاليت يا رحيم يا رحمن، حتى اذا استهللت ناطقاً  
بالكلام، اتممت علي سوابغ الا نعام، وربيتني زائداً في  
كل عام، حتى اذا اكتملت فطرتي، واعتدلت مرتي،  
اوجبت علي حجتك بان الهممتي معرفتك، وروعتني  
بعجائب حكمتك، وايقظتني لما ذرات في سماءك  
وارضك من بدائع خلقك، ونبهتني لشكرك وذكرك،  
واوجبت علي طاعتك وعبادتك، وفهممتني ما جاءت به  
رسلك، ويسرت لي تقبل مرضاتك، ومننت علي في

جميع ذلك بعونك ولطفك، ثم اذ خلقتني من خير الثرى،  
ولم ترض لي يا الهي نعمة دون اخرى، ورزقتني من  
انواع المعاش، وصنوف الرياش، بمنك العظيم الا عظم  
علي، واحسانك القديم الي، حتى اذا اتممت علي جميع  
النعم، وصرفت عني كل النقم، لم يمنعك جهلي وجراتي  
عليك ان دللتني إلى ما يقربني اليك، و وفقنتني لما يزلفني  
لديك، فان دعوتك اجبتني وان سئلتك اعطيتني، وان  
اطعتك شكرتني، وان شكرتك زدتنني، كل ذلك اكمال  
لا نعمك علي، واحسانك الي، فسبحانك سبحانك من  
مبدئ معيد حميد مجيد، وتقديست اسمائك، وعظمت  
آلاؤك، فاي نعمك يا الهي احصي عددا وذكرا، ام اي  
عطاياك اقوم بها شكرا، وهي يا رب اكثر من ان  
يحصيها العادون، او يبلغ علما بها الحافظون، ثم ما  
صرفت ودرات عني.  
اللهم من الضر والضراء اكثر مما ظهر لي من

العافية والسراء، وانا اشهد يا الهي بحقيقة ايماني،  
وعقد عزمات يقيني، وخالص صريح توحيدتي، وباطن  
مكنون ضميري، وعلائق مجاري نور بصري، و  
اسارير صفحة جبيني، وخرق مسارب نفسي، و  
خذاريف مارن عرنيني، ومسارب سماخ سمعي، و ما  
ضمت واطبقت عليه شفتاي، وحركات لفظ لساني، و  
مغرز حنك فمي وفكي، ومنابت اضراسي، ومساغ  
مطعمي ومشربي، وحمالة ام راسي، وبلوع فارغ  
حبائل عنقي، وما اشتمل عليه تامور صدري، وحمائل  
حبل وتيني، ونياط حجاب قلبي، وافلاذ حواشي كبدي،  
وما حوته شراسيف اضلاعي، وحقاق مفاصلي، و  
قبض عواملي، واطراف اناملي، ولحمي، ودمي، و  
شعري، وبشري، وعصبي، وقصبي، وعظامي، و  
مخي وعروقي، وجميع جوارحي، وما انتسج على ذلك  
ايام رضاعي، وما اقلت الا رض مني، ونومي، و

يقظتي، وسكوني، وحركات ركوعي وسجودي، ان لو  
حاولت واجتهدت مدى الا عصار والا حقاب لو عمرتها  
ان اؤدي شكر واحدة من انعمك ما استطعت ذلك الا  
بمنك، الموجب علي به شكرك ابدأ جديدا، وثناء طارفا  
عتيدا، اجل، ولو حرصت انا والعادون من انامك ان  
نحصي مدى انعامك سالفه وآنفه ما حصرناه عددا، ولا  
احصيناه امدا، هيهات انى ذلك، وانت المخبر في كتابك  
الناطق، والنبأ الصادق (وان تعدوا نعمة الله لا  
تحصوها)، صدق كتابك اللهم وانباؤك، وبلغت انباؤك  
ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك، وشرعت لهم وبهم  
من دينك، غير اني يا الهي اشهد بجهدى وجدى، ومبلغ  
طاعتي ووسعي، واقول مؤمنا موقنا: الحمد لله الذي لم  
يتخذ ولدا فيكون موروثا، ولم يكن له شريك في ملكه  
فيضاده فيما ابتدع، ولا ولي من الذل فيرفده فيما صنع،  
فسبحانه سبحانه، لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا و

تفطرتا، سبحان الله الواحد الا حد الصمد الذي لم يلد ولم يولد، ولم يكن له كفوا احد، الحمد لله حمدا يعادل حمد ملائكته المقربين، وانبياء المرسلين، وصلى الله على خيرته محمد خاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين وسلم.

سپس شروع به درخواست های خود از خداوند نمود، و در دعا اهتمام مورزید، و در حالی که مگريست، مفرمود:

اللهم اجعلني اخشاك كاني اراك، واسعدني بتقويك، ولا تشقني بمعصيتك، وخرلي في قضاءك، وبارك لي في قدرك، حتى لا احب تعجيل ما اخرت، ولا تاخير ما عجلت.

اللهم اجعل غناي في نفسي، واليقين في قلبي، و الا خلاص في عملي، والنور في بصري، والبصيرة في ديني، وتمعني بجوارحي، واجعل سمعي وبصري



الوارثين مني، وانصبرني على من ظلمني، وارني فيه  
ثاري وما ربي، واقر بذلك عيني.  
اللهم اكشف كربتي، واستر عورتني، واغفر لي  
خطيئتي، واخسا شيطاني، وفك رهاني، واجعل لي يا  
الهي الدرجة العليا في الآخرة والا ولي.  
اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا،  
ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني خلقا سويا رحمة بي،  
وقد كنت عن خلقي غنيا.  
رب بما برأ تني فعدلت فطرتني، رب بما انشأتني  
فاحسنت صورتني، رب بما احسنت الي وفي نفسي  
عافيتني، رب بما كالأ تني ووقفقتني، رب بما انعمت علي  
فهديتني، رب بما اوليتني ومن كل خير اعطيتني، رب  
بما اطعمتني وسقيتني، رب بما اغنيتني واقنيتني، رب  
بما اعنتني واعززتني، رب بما البستني من سترك  
الصافي، ويسرت لي من صنعك الكافي، صل على محمد

وآل محمد، واعني على بوائق الدهور وصروف الليالي  
والايام، ونجني من احوال الدنيا وكربات الاخرة،  
واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض.  
اللهم ما اخاف فاكفني، وما احذر فقني، وفي نفسي  
وديني فاحرسني، وفي سفري فاحفظني، وفي اهلي  
ومالي فاخلفني، وفيما رزقتني فبارك لي، وفي نفسي  
فذلني، وفي أعين الناس فعظمني، ومن شر الجن و  
الانس فسلمني، وبدنوبي فلا تفضحني، وبسريرتي فلا  
تخزني، وبعملي فلا تبتلني، ونعمك فلا تسلبني، والى  
غيرك فلا تكلني.  
الهي إلى من تكلني، إلى قريب فيقطعني، ام إلى بعيد  
فيتجهمني، ام إلى المستضعفين لي، وانت ربي ومليك  
امري، اشكو اليك غربتي وبعد داري، وهواني على من  
ملكته امري.  
الهي فلا تحلل علي غضبك، فان لم تكن غضبت علي

فلا ابالي سواك، سبحانك غير ان عافيتك اوسع لي،  
فاسئلك يا رب بنور وجهك الذي اشرقت له الارض  
والسموات، وكشفت به الظلمات، واصلح به امر الالين  
والاخريين، ان لا تميتني على غضبك، ولا تنزل بي  
سخطك، لك العتبي حتى ترضى قبل ذلك، لا اله الا انت،  
رب البلد الحرام، والمشعر الحرام، والبيت العتيق، الذي  
احللته البركة، وجعلته للناس امنا، يا من عفا عن عظيم  
الذنوب بحلمه، يا من اسبغ النعماء بفضله، يا من اعطى  
الجزيل بكرمه، يا عدتي في شدتي، يا صاحبي في  
وحدتي، يا غياثي في كربتي، يا وليي في نعمتي.  
يا الهي واله آبائي ابراهيم واسماعيل واسحق و  
يعقوب ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل، ورب  
محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين، ومنزل التوراة و  
الانجيل والزبور والفرقان، ومنزل كهيعص وطه  
ويس والقرآن الحكيم، انت كهفي حين تعيني المذاهب

في سعتها، وتضييق بي الارض برحبها، ولولا رحمتك  
لكنت من الهالكين، وانت مقيل عثرتي، ولولا سترك  
اياي لكنت من المفضوحين، وانت مؤيدي بالنصر على  
اعدائي، ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين.  
يا من خص نفسه بالسمو والرفعة، فاوليائه بعزه  
يعتزون، يا من جعلت له الملوك نير المذلة على اعناقهم،  
فهم من سطواته خائفون، يعلم خائنة الا عين وما تخفي  
الصدور، وغيب ما تاتي به الا زمنة والدهور، يا من لا  
يعلم كيف هو الا هو، يا من لا يعلم ما هو الا هو، يا من لا  
يعلمه الا هو، يا من كبس الا رض على الماء، وسد الهواء  
بالسما، يا من له اكرم الا سما، يا ذا المعروف الذي لا  
ينقطع ابدا، يا مقيض الركب ليوسف في البلد القفر، و  
مخرجه من الجب، وجاعله بعد العبودية ملكا، يا را ده  
على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم،  
يا كاشف الضر والبلوى عن ايوب، ويا ممسك يدي

ابراهيم عن ذبح ابنه بعد كبر سنه وفناء عمره، يا من  
استجاب لذكرى فوهب له يحيى، ولم يدعه فردا وحيدا يا  
من اخرج يونس من بطن الحوت، يا من فلق البحر لبني  
اسرائيل فانجيهم، وجعل فرعون وجنوده من  
المغرقين، يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته  
يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه، يا من استنقذ  
السحرة من بعد طول الجحود، وقد غدوا في نعمته  
يأكلون رزقه ويعبدون غيره، وقد حادوه ونادوه  
وكذبوا رسله.

يا الله يا الله يا بدئ، يا بديعا لاندلك، يا دائما لا نفاد لك،  
يا حيا حين لا حي، يا محيي الموتى، يا من هو قائم على  
كل نفس بما كسبت، يا من قل له شكري فلم يحرمني، و  
عظمت خطيئتي فلم يفضحني، ورآني على المعاصي  
فلم يشهرني، يا من حفظني في صغري، يا من رزقني في  
كبري، يا من اياديه عندي لا تحصى، ونعمه لا تجازى، يا

من عارضني بالخير والا حسان وعارضته بالا ساءة  
والعصيان، يا من هداني للايمان من قبل ان اعرف شكر  
الا متنان، يا من دعوته مريضا فشفاني، وعريانا  
فكساني، وجائعا فاشبعني، وعطشانا فارواني، وذليلا  
فاعزني، وجاهلا فعرفني، ووحيدا فكثرتني، وغائبا  
فردني، ومقلا فاغناني، ومنتصرا فنصرني، وغنيا  
فلم يسلبني، وامسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك  
الحمد والشكر، يا من اقال عثرتي، ونفس كربتي واجاب  
دعوتي، وستر عورتني، وغفر ذنوبي، وبلغني طلبتي، و  
نصرني على عدوي، وان اعد نعمك ومنك وكرائم  
منحك لا احصيها.

يا مولاي، انت الذي مننت، انت الذي انعمت، انت الذي  
احسنت، انت الذي اجملت، انت الذي افضلنت انت الذي  
اكملت، انت الذي رزقت، انت الذي وفقنت، انت الذي  
اعطيت، انت الذي اغنيت، انت الذي اقنيت، انت الذي

آويت، انت الذي كفيت، انت الذي هديت، انت الذي  
عصمت، انت الذي سترت، انت الذي غفرت، انت الذي  
اقلت، انت الذي مكنت، انت الذي اعززت، انت الذي اعنت،  
انت الذي عضدت، انت الذي ايدت، انت الذي نصرت، انت  
الذي شفيت، انت الذي عافيت، انت الذي اكرمت، تباركت  
وتعاليت، فلك الحمد دائما، ولك الشكر واصبا ابدا.  
ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي، انا الذي  
اسأت، انا الذي اخطأت، انا الذي هممت، انا الذي جهلت،  
انا الذي غفلت، انا الذي سهوت، انا الذي اعتمدت، انا الذي  
تعمدت، انا الذي وعدت وانا الذي اخلفت، انا الذي نكثت،  
انا الذي اقررت، انا الذي اعترفت بنعمتك على وعندي،  
وابوء بذنوبي فاغفرها لي، يا من لا تضره ذنوب عباده،  
وهو الغني عن طاعتهم، والموفق من عمل صالحا منهم  
بمعونته ورحمته، فلك الحمد الهي وسيدي.  
الهي امرتني فعصيتك، ونهيتني فارتكبت نهيك،

فاصبحت لا ذا برائة لي فاعتذر، ولا ذا قوة فانتصر،  
فباي شيء استقبلك يا مولاي، اسمعي ام ببصري ام  
بلساني ام بيدي ام برجلي، اليس كلها نعمك عندي، و  
بكلها عصيتك يا مولاي، فلك الحجة والسبيل علي، يا من  
سترني من الالباء والامهات ان يزجروني، ومن العشائر  
والاخوان ان يعيروني، ومن السلاطين ان يعاقبوني،  
ولو اطلعوا يا مولاي علي ما اطلعت عليه مني اذا ما  
انظروني، ولرفضوني وقطعوني، فها انا ذا يا الهي بين  
يديك يا سيدي خاضع ذليل حصير حقير، لا ذو برائة  
فاعتذر، ولا ذو قوة فانتصر، ولا حجة فاحتج بها، ولا  
قائل لم اجترح ولم اعمل سوء وما عسى الجحود، ولو  
جحدت يا مولاي ينفعني، كيف وانى ذلك، وجوارحي  
كلها شاهدة علي بما قد عملت، وعلمت يقينا غير ذي  
شك انك سائلي من عظام الامور، وانك الحكم العدل  
الذي لا يجور، وعدلك مهلكي، ومن كل عدلك مهربي،



فان تعذبني يا الهي فبذنوبي بعد حجتك علي، وان تعف  
عني فبحلمك وجودك وكرمك.  
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين، لا اله الا  
انت سبحانك اني كنت من المستغفرين، لا اله الا انت  
سبحانك اني كنت من الموحدين، لا اله الا انت سبحانك  
اني كنت من الخائفين، لا اله الا انت سبحانك اني كنت  
من الوجلين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الراجين،  
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الراغبين، لا اله الا انت  
سبحانك اني كنت من المهللين، لا اله الا انت سبحانك  
اني كنت من السائلين، لا اله الا انت سبحانك اني كنت  
من المسبحين، لا اله الا انت سبحانك اني كنت من  
المكبرين، لا اله الا انت سبحانك ربي ورب آبائي  
الاولين.

اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا، واخلصي لذكرك  
موحدا، واقراري بآلاءك معددا، وان كنت مقرا اني لم

احصها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها إلى  
حادث، ما لم تنزل تتعهدني به معها منذ خلقتني وبرأتني  
من اول العمر من الا غناء من الفقر وكشف الضر و  
تسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في  
البدن والسلامة في الدين، ولو رفدني على قدر ذكر  
نعمتك جميع العالمين من الا ولين والا خرين ما قدرت  
ولا هم على ذلك، تقدست وتعاليت من رب كريم عظيم  
رحيم، لا تحصى آلاؤك، ولا يبلغ ثناؤك، ولا تكافى  
نعمائك، صل على محمد وآل محمد، واتمم علينا نعمك،  
واسعدنا بطاعتك، سبحانك لا اله الا انت.  
اللهم انك تجيب المضطر وتكشف السوء، وتغيث  
المكروب، وتشفى السقيم، وتغنى الفقير، وتجبر  
الكسير، وترحم الصغير، وتعين الكبير، وليس دونك  
ظهير، ولا فوقك قدير، وانت العلي الكبير، يا مطلق المكبل  
الا سير، يا رازق الطفل الصغير، يا عصمة الخائف

المستجير، يا من لا شريك له ولا وزير، صل على محمد  
وآل محمد، واعطني في هذه العشية، افضل ما اعطيت و  
انلت احدا من عبادك من نعمة توليها، وآلاء تجردها،  
وبلية تصرفها، وكربة تكشفها، ودعوة تسمعها، و  
حسنة تتقبلها، وسيئة تتغمدها، انك لطيف بما تشاء  
خبير، وعلى كل شي قدير.

اللهم انك اقرب من دعي، واسرع من اجاب، واكرم من  
عفى، واوسع من اعطى، واسمع من سئل، يا رحمن الدنيا  
والاخرة ورحيمهما، ليس كمثلك مسئول ولا سواك  
مامول، دعوتك فاجبتني، وسئلتك فاعطيتني، ورغبت  
اليك فرحمتني، ووثقت بك فنجيتني، وفزعت اليك  
فكفيتني.

اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك ونيك، وعلى  
آله الطيبين الطاهرين اجمعين، وتمم لنا نعماءك،  
وهننا عطاءك، واكتبنا لك شاكرين، ولألائك ذاكرين،

آمين آمين رب العالمين.  
اللهم يا من ملك فقدر، وقدر فقهر، وعصي فستر،  
و استغفر فغفر، يا غاية الطالبين الراغبين، ومنتهى امل  
الراجين، يا من احاط بكل شي علما، ووسع المستقيين  
رأفة ورحمة وحلما.  
اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية، التي شرفتها و  
عظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك،  
وامينك على وحيك، البشير النذير، السراج المنير، الذي  
انعمت به على المسلمين، وجعلته رحمة للعالمين.  
اللهم فصل على محمد وآل محمد كما محمد اهل  
لذلك منك يا عظيم، فصل عليه وعلى آله المنتجبين  
الطيبين الطاهرين اجمعين، وتغمدنا بعفوك عنا، فاليك  
عجت الا صوات بصنوف اللغات، فاجعل لنا اللهم في  
هذه العشية نصيبا من كل خير تقسمه بين عبادك، و  
نور تهدي به، ورحمة تنشرها، وبركة تنزلها، وعافية

تجللها، ورزق تبسطه، يا ارحم الراحمين.  
اللهم اقبلنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين  
غانمين ولا تجعلنا من القانطين، ولا تخلنا من رحمتك،  
ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك، ولا تجعلنا من رحمتك  
محرومين، ولا لفضل ما نؤمله من عطاءك قانطين، ولا  
تردنا خائبين، ولا من بابك مطرودين، يا اجود الاجودين  
واكرم الا كرمين، اليك اقبلنا موقنين، ولبيتك الحرام  
أمين قاصدين، فاعنا على مناسكنا، واكمل لنا حجنا،  
واعف عنا وعافنا، فقد مددنا اليك ايدينا، فهي بذلة  
الا عتراف موسومة.  
اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سئلك، واكفنا ما  
استكفيناك، فلا كافي لنا سواك، ولا رب لنا غيرك، نافذ  
فينا حكمك، محيط بنا علمك، عدل فينا قضاؤك، اقض لنا  
الخير، واجعلنا من اهل الخير.  
اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر و

دوام اليسر، واغفر لنا ذنوبنا اجمعين، ولا تهلكنا مع  
الهالكين، ولا تصرف عنا رافتك ورحمتك يا ارحم  
الراحمين.

اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سئلك فاعطيته،  
وشكرك فزدته، وتاب اليك فقبلته، وتنصل اليك من  
ذنوبه كلها فغفرتها له، يا ذا الجلال والاكرام.  
اللهم ونقنا وسددنا واعصمنا، واقبل تضرعنا يا  
خير من سئل، ويا ارحم من استرحم، يا من لا يخفى  
عليه اغماض الجفون، ولا لحظ العيون، ولا ما استقر في  
المكنون، ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب، الا كل  
ذلك قد احصاه علمك ووسعه حلمك، سبحانك وتعاليت  
عما يقول الظالمون علوا كبيرا، تسبح لك السموات  
السبع والا رضون ومن فيهن، وان من شي الا يسبح  
بحمدك، فلك الحمد والمجد وعلو الجدد، يا ذا الجلال و  
الاكرام والفضل والا نعام، والا يادى الجسام، وانت

الجواد الكريم الرؤوف الرحيم.  
اللهم اوسع علي من رزقك الحلال، وعافني في بدني  
وديني، وآمن خوفا واعتق رقبتني من النار.  
اللهم لا تمكر بي، ولا تستدرجني، ولا تخدعني،  
وادر عني شر فسقة الجن و الانس.  
سپس آن حضرت عليه السلام سر به آسمان برداشته، و  
در حالی كه بر گونه های شریفش اشك مریخت، با صدای  
بلند می فرمود:  
يا اسمع السامعين، يا ابصر الناظرين، ويا اسرع  
الحاسبين، ويا ارحم الراحمين، صل على محمد وآل  
محمد السادة الميامين، واسئلك اللهم حاجتي التي ان  
اعطيتها لم يضرني ما منعتني، وان منعتها لم  
ينفعني ما اعطيتها، اسئلك فكك رقبتني من النار، لا اله  
الا انت وحدك لا شريك لك، لك الملك ولك الحمد، وانت  
على كل شي قدير، يا رب يا رب.

ومكرر مگفت يا رب وکسانیکه همراه حضرت بودند  
گوش میدادند و فقط آمین میگفتند پس صداهایشان بلند  
شد به گریستن با آن حضرت تا آفتاب غروب کرد و روانه  
بطرف مشعر الحرام شدند و (سید ابن طاووس) در کتاب  
(اقبال) بعد از کلمه (یا رب) این دعا را نیز افزوده است.  
الهي انا الفقير في غناي، فكيف لا اكون فقيرا في  
فقري، الهي انا الجاهل في علمي، فكيف لا اكون جهولا  
في جهلي.

الهي ان اختلاف تدبيرك وسرعة طواء مقاديرك منعا  
عبادك العارفين بك عن السكون إلى عطاء واليأس منك  
في بلاء، الهي مني ما يليق بلؤمي، ومنك ما يليق بكرمك.  
الهي وصفت نفسك باللطف والرافة لي قبل وجود  
ضعفي، افتمنعني منهما بعد وجود ضعفي.  
الهي ان ظهرت المحاسن مني فبفضلك ولك المنة



علي، و ان ظهرت المساوي مني فبعدلك ولك الحجة  
علي.

الهي كيف تكلني وقد تكفلت لي، وكيف اضام وانت  
الناصر لي، ام كيف اخيب وانت الحفي بي، ها انا اتوسل  
اليك بفقري اليك، وكيف اتوسل اليك بما هو محال ان  
يصل اليك، ام كيف اشكو اليك حالي وهو لا يخفى عليك،  
ام كيف اترجم بمقالي وهو منك برز اليك، ام كيف تخيب  
آمالي وهي قد وفدت اليك، ام كيف لا تحسن احوالي  
وبك قامت.

الهي ما الطفك بي مع عظيم جهلي، وما ارحمك بي مع  
قبيح فعلي.

الهي ما اقربك مني وابعدني عنك، وما أرافك بي فما  
الذي يحجبني عنك.

الهي علمت باختلاف الاثار وتنقلات الاطوار ان

مرادك مني ان تتعرف إلى في كل شي حتى لا اجهلك  
في شيء.  
الهي كلما احرصني لؤمي انطقني كرمك، وكلما  
آيستني اوصافي اطمعنتي مننك.  
الهي من كانت محاسنه مساوي، فكيف لا تكون  
مساويه مساوي، ومن كانت حقائقه دعاوي، فكيف لا  
تكون دعاويه دعاوي.  
الهي حكمك النافذ ومشيتك القاهرة لم يتركا لذي  
مقال مقالا، ولا لذي حال حالا.  
الهي كم من طاعة بنيتها، وحالة شيدتها، هدم  
اعتمادي عليها عدلك، بل اقالني منها فضلك. الهي انك  
تعلم اني وان لم تدم الطاعة مني فعلا جزما فقد دامت  
محبة وعزما، الهي كيف اعزم وانت القاهرة، وكيف لا  
اعزم وانت الامر.

الهي ترددي في الاثار يوجب بعد المزار، فاجمعني  
عليك بخدمة توصلني اليك، كيف يستدل عليك بما هو  
في وجوده مفتقر اليك، ايكون لغيرك من الظهور ما  
ليس لك حتى يكون هو المظهر لك، متى غبت حتى تحتاج  
إلى دليل يدل عليك، ومتى بعدت حتى تكون الآثار هي  
التي توصل اليك، عميت عين لا تراك عليها رقيباً، و  
خسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيباً.  
الهي امرت بالرجوع إلى الآثار، فارجعني اليك  
بكسوة الانوار وهداية الا ستبصار حتى ارجع اليك منها  
كما دخلت اليك منها مصون السر عن النظر اليها، و  
مرفوع الهمة عن الاعتماد عليها، انك على كل شيء قدير.  
الهي هذا ذلي ظاهر بين يديك، وهذا حالي لا يخفى  
عليك، منك اطلب الوصول اليك، وبك استدل عليك،  
فاهدني بنورك اليك، واقمني بصدق العبودية بين يديك.

الهي علمني من علمك المخزون، وصني بسترک  
المصون.  
الهي حققني بحقائق اهل القرب، واسلك بي مسلك  
اهل الجذب.  
الهي اغنني بتدبيرك لي عن تدبيری، وباختيارك عن  
اختیاری، وواقفني على مراكز اضطراری.  
الهي اخرجني من ذل نفسي، وطهرني من شكي و  
شركي قبل حلول رمسي، بك انتصر فانصرني، وعليك  
اتوكل فلا تكلني، واياك اسئل فلا تخيبي، وفي فضلك  
ارغب فلا تحرمني، وبجنابك انتسب فلا تبعدني، و  
ببابك اقف فلا تطردني.  
الهي تقدر رضاك ان يكون له علة منك، فكيف تكون  
له علة مني.

الهي انت الغنى بذاتك ان يصل اليك النفع منك، فكيف  
لا تكون غنيا عني.  
الهي ان القضاء والقدر يميني، وان الهوى بوثائق  
الشهوة اسرني، فكن انت النصير لي حتى تنصرنني و  
تبصرنني، واغمني بفضلك حتى استغني بك عن طلبي.  
انت الذي اشرفت الا نوار في قلوب اولياءك حتى  
عرفوك ووحودك، وانت الذي ازلت الا غيار عن قلوب  
احباءك حتى لم يحبوا سواك، ولم يلجئوا إلى غيرك، انت  
المونس لهم حيث اوحشتهم العوالم، وانت الذي هديتهم  
حيث استبانن لهم المعالم، ماذا وجد من فقدك، وما  
الذي فقد من وجدك، لقد خاب من رضي دونك بدلا، ولقد  
خسر من بغى عنك متحولا، كيف يرجى سواك وانت ما  
قطعت الا حسان، وكيف يطلب من غيرك وانت ما بدلت  
عادة الا متنان، يا من اذاق احباءه حلاوة المؤانسة  
فقاموا بين يديه متملقين، ويا من البس اولياءه ملابس

هيئته فقاموا بين يديه مستغفرين، انت الذاكر قبل  
الذاكرين، وانت البادي بالا حسان قبل توجه العابدين، و  
انت الجواد بالعطاء قبل طلب الطالبين، وانت الوهاب ثم  
لما وهبت لنا من المستقرضين.  
الهي اطلبني برحمتك حتى اصل اليك، واجذبني  
بمنك حتى اقبل عليك.  
الهي ان رجائي لا ينقطع عنك وان عصيتك، كما ان  
خوفي لا يزايلني وان اطعتك، فقد دفعتني العوالم اليك، و  
قد اوقعني علمي بكرمك عليك.  
الهي كيف احيب وانت املي، ام كيف اهان وعليك  
متكلي، الهي كيف استعز وفي الذلة اركزتني، ام كيف لا  
استعز واليك نسبتني، الهي كيف لا افتقر وانت الذي في  
الفقراء اقممتني، ام كيف افتقر وانت الذي بجودك  
اغنيتني، وانت الذي لا اله غيرك، تعرفت لكل شيء فما  
جهلك شيء، وانت الذي تعرفت الي في كل شيء، فرايتك

ظاهرا في كل شيء، وانت الظاهر لكل شيء.  
يا من استوى برحمانيته فصار العرش غيبا في ذاته،  
محقت الآثار بالآثار، ومحوت الاغيار بمحيطات افلاك  
الانوار، يا من احتجب في سرادقات عرشه عن ان تدركه  
الابصار، يا من تجلى بكمال بهاءه فتحققت عظمته  
الاستواء، كيف تخفى وانت الظاهر، ام كيف تغيب وانت  
الرقيب الحاضر، انك على كل شئ قدير، والحمد لله وحده).  
زيارت حضرت امام حسين عليه السلام  
در روز عرفه

يكي از مستحبات روز عرفه زيارت حضرت امام حسين  
عليه السلام است پس اين زيارت را به قصد رجاء بخوان:  
السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا  
وارث نوح نبي الله، السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل  
الله،

السلام عليك يا وارث موسى كليم الله، السلام عليك  
يا وارث عيسى روح الله، السلام عليك يا وارث محمد  
حبيب الله، السلام عليك يا وارث امير المؤمنين، السلام  
عليك يا وارث فاطمة الزهراء، السلام عليك يا بن محمد  
المصطفى، السلام عليك يا بن علي المرتضى، السلام  
عليك يا بن فاطمة الزهراء، السلام عليك يا بن خديجة  
الكبرى، السلام عليك يا ثارالله وابن ثاره والوتر الموتور  
اشهد انك قد اقامت الصلاة، وآتيت الزكاة، وامرت  
بالمعروف، ونهيت عن المنكر، وأطعت الله حتى أتيتك  
اليقين، فلعن الله أمة قتلتك، ولعن الله امة ظلمتك و لعن الله  
أمة سمعت بذلك فرضيت به، يا مولاي يا ابا عبد الله،  
اشهد الله وملائكته وانبيائه ورسله اني بكم مؤمن  
وبايا بكم موقن، بشرائع ديني، وخواتيم عملي، ومنقلبي  
إلى ربي، فصلوات الله عليكم وعلى ارواحكم وعلى  
اجسادكم وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وظاهركم



وباطنكم، السلام عليك يا بن خاتم النبيين، وابن سيد  
الوصيين، وابن امام المتقين، وابن قائد الغر المحجلين  
إلى جنات النعيم، وكيف لا تكون كذلك وانت باب الهدى،  
وامام التقى، والعروة الوثقى، والحجة على اهل الدنيا،  
وخامس اصحاب الكساء، غذتك يد الرحمة، ورضعت  
من ثدي الايمان، وريبت في حجر الا سلام، فالنفس غير  
راضية بفراقك، ولا شاكة في حياتك، صلوات الله عليك  
وعلى آباءك وابناءك، السلام عليك يا صريع العبرة  
الساكبة، وقرين المصيبة الراتبة، لعن الله امة ن استحلت  
منك المحارم، وانتهكت فيك حرمة الا سلام، فقتلت صلى  
الله عليك مقهورا، واصبح رسول الله صلى الله عليه وآله  
بك موتورا، واصبح كتاب الله بفقدك مهجورا، السلام  
عليك وعلى جدك وابييك، وامك واخيك، وعلى الائمة من  
بنيك، وعلى المستشهادين معك، وعلى الملائكة الحافين  
بقبرك، والشاهدين لزوارك، المؤمنين بالقبول على دعاء

شيعتك، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته، بابي انت و  
امي يا بن رسول الله، بابي انت وامي يا ابا عبد الله، لقد  
عظمت الرزية، وجلت المصيبة بك علينا وعلى جميع اهل  
السموات والا رض، فلعن الله امة اسرجت والجمت  
وتهيات لقتالك، يا مولاي يا ابا عبد الله، توسلت وتوجهت  
اليك اسأل الله بالشأن الذي لك عنده، وبالمحل الذي لك  
لديه، ان يصلي على محمد وآل محمد، وان يجعلني  
معكم في الدنيا والاخرة، بمنه وجوده وكرمه.  
سپس دو ركعت نماز بخوان وبگو:  
اللهم اني صليت وركعت وسجدت لك وحدك  
لاشريك لك، لان الصلاة والركوع والسجود  
لايكون إلا لك، لانك انت الله لا اله الا انت. اللهم صل  
على محمد وآل محمد، وابلغهم عني افضل التحية  
والسلام واردد على منهم التحية والسلام، اللهم  
وهاتان الركعتان هدية مني إلى مولاي وسيدي

وامامى الحسين بن علي عليهما السلام، اللهم  
صل على محمد وآل محمد وتقبل ذلك مني،  
واجزني على ذلك افضل املي ورجائي فيك، وفي  
وليك يا ارحم الراحمين.

ودر زيارت حضرت على اكبر عليه صلوات الله بگو:  
(السلام عليك يا بن رسول الله، السلام عليك يا بن نبي  
الله، السلام عليك يا بن امير المؤمنين السلام عليك يا بن  
الحسين الشهيد، السلام عليك ايها الشهيد بن الشهيد،  
السلام عليك ايها المظلوم ابن المظلوم، لعن الله امة  
قتلتك، ولعن الله امة ظلمتك، ولعن الله امة سمعت بذلك  
فرضيت به، السلام عليك يا مولاي، السلام عليك يا ولي  
الله وابن وليه، لقد عظمت المصيبة، وجلت الرزية بك  
علينا وعلى جميع المؤمنين، فلعن الله امة قتلتك، وابراء  
إلى الله واليك منهم في الدنيا والاخرة.

و در زیارت سایر شهداء علیهم السلام بگو:  
السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه، السلام علیکم یا  
اصفیاء الله واوداءه، السلام علیکم یا انصار دین الله،  
وانصار نبیه، وانصار امیر المؤمنین، وانصار فاطمة  
سیده نساء العالمین، السلام علیکم یا انصار ابی محمد  
الحسن الولی الناصح، السلام علیکم یا انصار ابی  
عبد الله الحسین الشہید المظلوم، صلوات الله علیهم  
اجمعین، بابی انتم و امی، طبتم و طابت الارض التي فیها  
دفنتم، و فزت و الله فوزا عظیما، یالیتنی کنت معکم  
فافوز معکم فی الجنان مع الشهداء و الصالحین، و حسن  
اولئک رفیقا، و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.  
واز حضرت صادق علیه السلام نقل شده هر کس  
زیارت کند آن حضرت را در هر کجا و در هر وقت به این  
کیفیت که بجانب راست و چپ نظر کند پس سر به جانب

آسمان کند و این کلمات را بگوید:  
السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك ورحمة الله  
وبركاته.

امید است که ثواب حج و عمره برای او نوشته شود  
بنابراین شایسته است کسانی که روز عرفه در عرفات هستند  
این سلام مختصر را نیز ترك نکنند.